



چنگوینگی دیکھا ہوں  
تعمیریل فرج

پیرا

برائے نیکو  
مکمل المکرم

آلہ اللہ  
موسم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چگونگی دعا برای تعجیل فرج امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

نویسنده:

محمد تقی موسوی اصفهانی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۷	چگونگی دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام
۷	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۴	مقدمه ناشر
۱۶	پیشگفتار
۱۶	قسمت اول
۲۵	قسمت دوم
۳۵	قسمت سوم
۳۹	چگونگی دعا برای تعجیل فرج و ظهور آن حضرت علیه السلام آشکارا یا به کنایه
۴۴	ذکر بعضی از دعاهای روایت شده از امامان معصوم علیهم السلام در این باره
۴۴	۱ - دعای صلوات
۵۱	۲ - دعای امام رضا علیه السلام
۵۱	قسمت اول
۵۹	قسمت دوم
۶۷	۳ - دعای عصر غیبت
۷۷	۴ - دعای قنوت
۷۷	دعای قنوت
۸۱	نماز دیگر
۸۲	دعای قنوت
۸۲	قسمت اول
۹۱	قسمت دوم
۹۸	۵ - دعای ندبه (۱)
۱۰۶	دعای ندبه (۲)

۱۱۵ ..... توضیح و دفع اشکال

۱۱۶ ..... توجه

۱۱۸ ..... ۶ - دعای دیگر

۱۲۳ ..... فهرست منشورات مسجد مقدس جمکران

۱۳۵ ..... درباره مرکز

سرشناسه: اصفهانی، محمدتقی، ۱۲۶۲ - ۱۳۰۸.

عنوان قراردادی: مکیال المکارم فی الفوائد الدعاء القائم علیه السلام. فارسی. برگزیده

عنوان و نام پدیدآور: چگونگی دعا برای تعجیل فرج امام عصر (علیه السلام)/ مولف محمدتقی موسوی اصفهانی؛ مترجم مهدی حائری قزوینی.

مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری: ۱۱۴ ص.

شابک: ۴۵۰۰ ریال ۹۶۴-۹۷۳-۰۰۹-۵؛ ۴۵۰۰ ریال: چاپ دوم ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۰۰۹-۷:

وضعیت فهرست نویسی: فایا

یادداشت: چاپ دوم: زمستان ۱۳۸۶.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -- دعاها

موضوع: دعای امام زمان (عج)

موضوع: مهدویت -- انتظار

شناسه افزوده: حائری قزوینی، مهدی، ۱۳۳۴ - ، مترجم

شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم)

رده بندی کنگره: BP۲۲۴/الف م۶ ۴۲۱۶۲۳ ۷۰۴۲۱۶۲۳ ۱۳۸۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۵-۱۸۵۶۰















السلام على القائم المنتظر والعدل المشتهر

در جهان امروز که با تبلیغ بی دینی و افکار انحرافی توسط مدعیان جهان تک قطبی و حقوق بشر دروغین، جوانان مسلمان و دیگر ادیان را به بیراهه می کشانند، امید به منجی موعود و مهدی منتظر، چراغ هدایت پویندگان راه حق و حقیقت خواهد بود. لذا بر آن شدیم کتاب گران سنگ مکیال المکارم در فوائد دعا برای حضرت قائم - عجل الله فرجه الشریف - تألیف عالم فاضل مرحوم حضرت آیت الله سید محمّد تقی موسوی اصفهانی - رضوان الله علیه - که توسط حضرت حجه الاسلام والمسلمین حاج سید مهدی حائری قزوینی - زید عزّه - ترجمه گردیده است، را در پنج جلد و موضوعات مختصر به زیور طبع بیاراییم. امید است در عصر کنونی که انقلاب اسلامی ندای رسای منادیان دین حق و اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه وآله - را به گوش جهانیان رسانده و می رساند، انجام وظیفه ای کرده باشیم.

مدیریت انتشارات مسجد مقدس جمکران



در یادآوری مطالبی که سزاوار است پیش از شروع به مقصود توجه داده شوند:

یکم: بدان که دست یابی به تمام فواید و ثواب‌ها و نتایجی که در بخش پنجم یاد شده، متوقف بر مداومت و بسیار دعا کردن برای تعجیل فرج مولایمان می باشد. زیرا که قسمتی از فواید یاد شده، مترتب بر امتثال و اطاعت فرمان مطاع آن حضرت در توفیق شریف گذشته است که: «وَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ...». پس باز هم به آن مراجعه نموده و در آن دقت کن.

دوم: شایسته و مؤکد است که دعا کننده خودش را از آنچه مانع از قبولی عبادت است پاک نماید، و نفس خویش را از خوی ناپسند و رفتار زشت و کارهای ناروا تهذیب کند، و از محبت دنیای پست و تکبر و حسد و غیبت و سخن چینی و مانند آن‌ها پرهیزد، زیرا که دعا بهترین عبادت‌های شرعی است، به ویژه دعا برای تعجیل فرج مولایمان حضرت حجت و خواستن ظهور و عافیت برای آن جناب. و می بایست نیت شخص در دعا از تمام آلائش‌های نفسانی و هواهای شیطانی خالص باشد، زیرا که خلوص نیت از مهم ترین امور است که رعایتش بر انسان واجب است، چنانکه آیاتی از

قرآن و روایات متواتره ای از پیغمبر صلی الله علیه وآله بر آن دلالت دارد، خداوند ما و سایر مؤمنین را به آن توفیق دهد، ان شاء الله تعالی.

سوم: کمال ثواب ها و مکارم یاد شده، بستگی به تحصیل تقوی دارد، به جهت فرموده خدای تعالی: «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ»<sup>(۱)</sup>؛ خداوند فقط از تقوایندگان می پذیرد. و همان گونه که تقوی درجات و مراتب مختلفی دارد، پذیرش و قبولی نیز درجاتی دارد؛ بنابراین هر کس تقوای قوی تری داشته باشد، نتایج نیک و مکارم حاصله برای او از آن دعا کامل تر و بارزتر خواهد بود و همین طور در سایر عبادت های شرعی - چه واجب و چه مستحب - وضع و حال بر همین منوال است.

و این که گفتیم: کمال ثواب ها به آن بستگی دارد، بدان جهت است که از برخی آیات برمی آید که ثواب بر کارهای نیک مترتب می شود، هر چند که عمل کننده گنهکار باشد، از جمله: «إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا»<sup>(۲)</sup>؛ ما اجر کسی را که کار نیک کرد، ضایع نخواهیم ساخت. «إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»<sup>(۳)</sup>؛ به درستی که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهد گذاشت. «إِنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلًا عَامِلٍ مِنْكُمْ»<sup>(۴)</sup>؛ من کار هیچ عمل کننده ای را از شما ضایع نخواهم کرد. «أُولَئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَنَتَجَاوَزُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ وَعَدَّ الصَّدَقِ

ص: ۱۰

---

۱-۱. سوره مائده، آیه ۲۷.

۲-۲. سوره کهف، آیه ۳۰.

۳-۳. سوره توبه، آیه ۱۲۰.

۴-۴. سوره آل عمران، آیه ۱۹۵.



الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ»<sup>(۱)</sup>؛ آنانند که نیکوترین اعمالشان را از ایشان می‌پذیریم و از گناهانشان در می‌گذریم در اهل بهشت [داخل شوند] وعده راستینی که وعده می‌شدند. بنابراین مقتضای جمع بین این آیات و آیه «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ...» به شهادت روایات بسیار، مترتب بودن کمال ثواب بر تقوی می‌باشد، و گستردن دامن بحث جای دیگری دارد.

چهارم: از خلال سخنان گذشته مان معلوم شد که ثواب‌ها و آثار و نتایج نیک یاد شده بر کثرت دعا کردن برای تعجیل ظهور و فرج آن حضرت علیه السلام مترتب می‌شود، چه با زبان فارسی و چه با زبان عربی و یا زبان‌های دیگر دعا کند، به جهت اطلاق دلایل و روایات یاد شده مانند فرموده آن حضرت علیه السلام: «وَأَكْثُرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ...»؛ و بسیار دعا کنید برای زودتر شدن فرج. و فرموده امام عسکری علیه السلام: «وَوَفَّقَهُ لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ»؛ و او را به دعا کردن برای تعجیل فرج آن حضرت توفیق دهد. و روایات دیگر.

پنجم: فرقی ندارد که دعا به نظم باشد یا نثر، چنان که تفاوت نمی‌کند که عبارت دعا را خود دعا کننده انشا کرده باشد یا غیر او، به همان دلایل گذشته.

ششم: جایز است کسی که آشنای به زبان است و چگونگی دعا را می‌داند به زبان عربی دعایی تألیف کند، به دلیل اصل اولیّه [که آنچه از شرع نهی نشده، جایز است] او به دلیل عمومات و اطلاقات امر به دعا، بدون اختصاص داشتن به لغتی از لغت‌ها یا گونه‌ای از گونه‌ها. و مؤید این است آنچه در جلد نوزدهم

ص: ۱۱

بحار به نقل از خطّ شهید قدس سره، روایت آمده که امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: رسول خداصلی الله علیه وآله فرمودند: به درستی که دعا بلا را رد می کند، هرچند که وقوع آن حتمی شده باشد. و شاء گوید: به عبد الله بن سنان گفتم: آیا در این خصوص دعای معینی هست؟ جواب داد: من از امام صادق علیه السلام پرسیدم. فرمود: آری. برای شیعیان مستضعف در هر مشکلی از مشکلات دعای معینی است، و اما بصیرت یافتگان رسیده [به مراتب عالیّه] دعایشان پشت مانع نمی ماند. (۱)

و نیز شاهد بر آنچه گفتیم، آن است که در «کافی» و «تهذیب» و «وسائل»، روایت مسندی از اسماعیل بن الفضل آمده که گفت: از حضرت ابی عبد الله امام صادق علیه السلام درباره قنوت و آنچه در آن گفته می شود، پرسیدم. فرمود: آنچه خداوند بر زبانت جاری کرد و در آن چیز معینی نمی دانم. (۲) چون قنوت و غیر آن فرقی ندارد، و شاهد بر این، روایات دیگری هست که به جهت رعایت اختصار آن ها را نیاوردیم. اگر بگویید: در «کافی» و «فقیه» از عبد الرحیم قصیر روایت آمده که گفت: بر حضرت ابی عبد الله امام صادق علیه السلام وارد شدم و عرضه داشتم: فدایت گردم! من دعایی درست کرده ام. فرمود: مرا از درست شده ات واگذار، هرگاه بر تو حادثه ای روی آورد، به رسول خداصلی الله علیه وآله پناه ببر، پس دو رکعت نماز بگزار که آن ها را به رسول خداصلی الله علیه وآله هدیه نمایی. (۳) که امام صادق علیه السلام امر فرموده دعای درست شده ترک گردد؟

ص: ۱۲

---

۱- ۶. بحار الانوار، ۹۴/۸۹.

۲- ۷. فروع کافی، ۳/۳۴۰، و وسائل الشیعه، ۴/۹۰۸.

۳- ۸. فروع کافی، ۳/۴۷۶، من لا یحضره الفقیه، ۱/۵۵۹.

می‌گوییم: این امر به طور حتم و الزام نیست، به قرینه دلایل گذشته بر جواز دعا به هر گونه از سخن که باشد، بلکه مراد، بیان بهترین است. و آن دعایی است که از امامان معصوم علیهم السلام گرفته شده باشد، که برتری دعاهای روایت شده از ایشان شکی ندارد و جای بحث در آن نیست، زیرا که آنان صفات خالق متعال را می‌شناسند و چگونگی مسألت و مناجات و اظهار بندگی به درگاه خدای - عزوجل - را می‌دانند و آنچه از ایشان رسیده، البته تأثیرش مؤکدتر و به اجابت رسیدنش زودتر است، که فرشتگان از ایشان تسبیح و تقدیس آموختند، چنان که در حدیث آمده است.

هفتم: آیا گذراندن دعا از دل بدون این که بر زبان آید، کفایت می‌کند یا نه؟ ظاهراً کافی نیست؛ چون به نظر اهل عرف و زبان عربی، عنوان دعا بر آن صدق نمی‌کند. اگر بگویید: در «اصول کافی» به سند صحیحی از زراره، از امام (باقر علیها السلام) آمده که فرموده: فرشته نمی‌نویسد جز آنچه را شنیده باشد. و خدای - عزوجل - فرموده: «وَأَذْكُرُ رَبِّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعاً وَخِيفَةً»<sup>(۱)</sup>؛ و خدای خود را در دل، با تضرع و بیم یاد کن. پس ثواب آن ذکر را که در دل شخص بگذرد، جز خدای - عزوجل - کسی نمی‌داند به جهت عظمت آن.<sup>(۲)</sup> بنابراین همچنان که ذکر در دل پاداش دارد و عنوان ذکر بر آن منطبق است، همین طور دعا [ی در دل؛ زیرا که یکی از اقسام ذکر می‌باشد.

می‌گوییم: دعا اخصّ از ذکر است و چون ذکر مقابل عظمت و بی‌خبری

ص: ۱۳

---

۱- ۹. سوره اعراف، آیه ۲۰۵.

۲- ۱۰. اصول کافی، ۲/۵۰۲.

است، بر یاد کننده در دل صدق می کند که خدای تعالی را یاد نموده، ولی دعا مقابل سکوت و خاموشی است، بنابراین جز با راندن بر زبان مصداق نمی یابد، چنان که در آغاز عنوان کردن بحث توجه دادیم.

هشتم: شیخ جعفر کبیر در کتاب «کشف الغطاء» گوید: دعا در حال ایستادن، بهتر از نشستن است، و در حال نشستن، بهتر از دراز کشیدن می باشد.

نهم: پیش تر گفته شد که: دعا به آنچه از امام معصوم علیه السلام روایت گردیده بهتر و سزاوارتر است، به همان دلیل که در مطلب ششم گذشت، اضافه بر آنچه در آیات و روایات پیروی از ایشان امر شده، و گرفتن علم و چگونگی طاعت و عبادت از آن بزرگواران توصیه گردیده است، مانند فرموده خدای تعالی: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي»<sup>(۱)</sup>؛ بگو (ای پیغمبر!) اگر خداوند را دوست می دارید، پس از من پیروی کنید. و فرموده خدای تعالی: «فاسألوا أَهْلَ الذِّكْرِ»<sup>(۲)</sup>؛ پس از اهل ذکر سؤال کنید. زیرا که ذکر همان رسول خدا صلی الله علیه وآله است، به جهت فرموده خداوند - تعالی شأنه - : «قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا \* رَسُولًا - يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ»<sup>(۳)</sup>؛ به تحقیق که خداوند به سوی شما فرستاد ذکری؛ پیامبری را که آیات خداوند را بر شما تلاوت می کند. بنابراین، خاندان معصوم آن حضرت (اهل الذکر) هستند، چنان که در روایات متعددی که در جای خود بیان گردیده است به آنان تفسیر شده و اضافه بر امر به خواندن دعاهای روایت شده از امامان و ثواب هایی که

ص: ۱۴

---

۱- ۱۱. سوره آل عمران، آیه ۳۱.

۲- ۱۲. سوره نحل، آیه ۴۲؛ و سوره انبیاء، آیه ۷.

۳- ۱۳. سوره طلاق، آیه ۱۱.

بر خواندن آن‌ها وعده گردیده و در کتاب‌های دعا ضبط شده‌اند، و به اضافه این که دعاهایی را هر کدام یاد و نقل کرده‌اند تا مؤمنین آن‌ها را باز شناسند و آن‌ها را عمل کنند، و شواهد دیگری که موجب یقین کردن به برتری دعاهای وارده از ایشان بر دعاهای دیگر می‌باشد.

از این‌ها گذشته، شرافت سخن به شرافت گوینده آن بستگی دارد، و از همین روی گفته‌اند: سخن بزرگان، بزرگ سخنان است.

نتیجه این که: مقدم بودن انتخاب دعاهای وارده از امامان علیهم السلام بر دعایی که شخص با سلیقه و زبان خودش درست کند هیچ‌شکی ندارد و شبهه‌ای به آن راه نمی‌یابد، ولی دو حدیث وارد شده که ظاهر آن‌ها موهم خلاف این مطلب است که به ناچار باید آن‌ها را توجیه نمود، این دو حدیث را محدث عاملی در کتاب «وسائل» آورده است.

حدیث اول: از زراره است که گوید: به حضرت امام صادق علیه السلام عرضه داشتم: دعایی به من بیاموزید. فرمود: بهترین دعا همان است که بر زبانت جاری شود. (۱)

حدیث دوم: از کتاب عبد الله بن حماد انصاری است که به سند خود از حضرت امام صادق علیه السلام آورده که: شخصی از آن جناب درخواست کرد که دعایی به او تعلیم کند. آن حضرت فرمود: بهترین دعا همان است که بر زبانت جاری شود. (۲)

ص: ۱۵

---

۱- ۱۴. وسائل الشیعه، ۱/۳۳.

۲- ۱۵. وسائل الشیعه، ۱/۳۳.

می‌گوییم: احتمال می‌رود که درخواست‌کننده نیز زراره بوده و راوی درخواست او را نقل کرده باشد، و به هر حال هر یک از این دو حدیث وجوهی را محتملند:

وجه یکم: این که منظور از آنچه بر زبان جاری شود؛ یاد فضایل امامان و روایت احادیث ایشان و نشر و احکام شریعت از آنان و بحث کردن با دشمنانشان و دلیل آوردن علیه مخالفان بوده باشد، که این امور بهتر از دعا هستند، به جهت آثاری که در آن‌هاست از نگهداشتن آثار دین و بالا بردن نشانه‌های یقین و دعوت مردم به پیروی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله، که منافع این‌ها به عموم افراد بشر می‌رسد.

و شاهد بر این است آنچه در «اصول کافی» به سند خود از معاویه بن عمار روایت آورده که گفت: به حضرت امام صادق علیه السلام گفتم: مردی روایت‌کننده حدیث شما است که آن را در میان مردم پخش و منتشر می‌سازد و در دل‌های عموم مردم و [به خصوص] دل‌های شیعیان شما آن را نیرومند می‌نماید، و بسا که عابدی از شیعیان باشد که این روایت کردن را ندارد، کدام یک بهترند؟ فرمود: آن که روایت‌کننده حدیث ما است که به آن دل‌های شیعیانمان را قوت می‌دهد، از هزار عابد بهتر است. و چون زراره شایستگی ترویج و نشر معارف امامان علیهم السلام را داشته، وی را به این کار امر فرموده و برای او بیان داشته که این عمل از آنچه درخواست نمود، بهتر است.

جان کلام این که: دعا به معنی لغوی بر دو گونه است:

۱ - خواندن خدای تعالی به منظور درخواست از درگاه عزّت و جلال او.

۲ - فراخواندن خلق خدا برای دعوت و هدایت آنان به سوی خدای - عزّوجلّ - ، بنابراین دعا بر دو نوع می باشد، و چون راوی نوع اوّل را از امام علیه السلام خواهش نمود و حال آن که از شایستگان نوع دوم بود، امام علیه السلام او را بر این نوع ترغیب کرد و برای او بیان داشت گونه دوم بهتر است، که فرمود: بهترین دعا همان است که بر زبانت جاری شود. و این وجه لطیفی است که برای شخص اُنس گرفته با سخنان امامان علیهم السلام و ممارست کننده در بیانات ایشان آشکار می گردد.

وجه دوم: این که مقصود از دعا همان معنی متداول معهود باشد که از امامان علیهم السلام رسیده، و معنی آن جمله حضرت چنین شود: بهتر است آنچه از دعاهای وارد شده به ذهن آمد، همان را بر زبان جاری کنی؛ زیرا که این امر به سبب حالتی قلبی صورت می گیرد و زمامش به دست خدای - عزّوجلّ - می باشد.

وجه سوم: این که منظور از دعایی که بر زبان جاری شود، آن دعایی باشد که با خضوع و حضور قلب انجام گردد، که از دعای بدون این حال بهتر است، هر چند که از ایشان رسیده باشد. بنابراین هدف از آن جمله توجّه دادن به این است که مهم حضور قلب و توجّه کامل به درگاه خدای متعال می باشد، و مقصود اصلی از دعا همین است، و چون جاری شدن دعایی بر زبان از آنچه در دل هست، سرچشمه می گیرد، امام علیه السلام مطلب را این طور بیان و عنوان کرد. حاصل این که نسبت بین دعا و بین حضور قلب [در اصطلاح علم منطق] عموم من وجه است، که بسا با هم جمع شوند و گاهی از هم جدا هستند،

و مطلوب همان جمع شدن دعا با حضور قلب است، خواه در دعای روایت شده از معصومین باشد و خواه در دعایی که از ایشان روایت نشده است. و این دلالت ندارد بر این که دعای روایت نشده بهتر است، بلکه دلالت می کند بر بهترین بودن دعای توأم با خضوع و حضور قلب، به هر لفظی که باشد. (۱)

## قسمت دوم

دهم: رعایت ترتیب در دعاهایی که از معصومین علیهم السلام نقل گردیده واجب است، زیرا که همچون - سایر عبادت ها - توقیفی می باشد، [و به چگونگی روایت شدن از ایشان بستگی دارد]، بنابراین مخالفت با ترتیبی که از آنان رسیده به قصد ورود از ایشان بی تردید بدعت است، ولی خواندن برخی از فرازهای آن دعاها به مقصد مطلق دعا مانعی ندارد، به دلیل اصل (در علم اصول قاعده چنین است که هرگاه در چیزی شک کنیم که حرام است یا نه؟ چون دلیلی بر حرمتش نیابیم اصل آن است که حرام نباشد). و به دلیل عمومات امر به دعا کردن چنان که پوشیده نیست.

یازدهم: از آنچه گفته شد، این نکته هم ظاهر گشت که: افزودن چیزی در دعاهای روایت شده - به قصد این که آن زیادت نیز از معصوم رسیده - جایز نیست، چون تشریح [داخل کردن چیزی که از دین نیست در آن است. اما زیاد کردن چیزی به قصد ذکر دو وجه دارد:

ص: ۱۸

---

۱-۱۶. وجه چهارم: اینکه چون زراره از یاران خاصّ امامان علیهم السلام و آگاه و آشنا به رموز سخنان و احادیث ایشان بوده، و بر زبان او جز آنچه مقتضای مراد و مقصود آنان است جاری نمی گردد، لذا امام علیه السلام او را به این ویژگی اختصاص و امتیاز دادند. {محمد الموسوی}.



۱ - جایز بودن، به جهت آنچه در چند روایت آمده که ذکر خداوند در هر حال نیکو و خوب است، و به همین جهت این کار را در نماز نیز جایز دانسته اند، در دعا که امر سهل تر است.

۲ - ممنوع بودن، به جهت آنچه در «اصول کافی» به سند معتبر همچون صحیح، از علاء بن کامل آمده که گفت: شنیدم حضرت امام صادق علیه السلام می فرمود: [مقصود از] «وَاذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ» (۱)؛ و پروردگارت را در دل با تضرع و بیم یاد کن و بدون آواز بلند. هنگام شام: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»؛ هیچ معبود حقی جز خداوند نیست، شریکی ندارد، مُلک مخصوص به او است و حمد او را است، زنده می کند و می میراند، و می میراند و زنده می کند، و او بر هر چیزی توانا است. راوی گوید: [ضمن تکرار دعا] گفتیم: «بِيَدِهِ الْخَيْرُ»؛ خیر در دست او است. امام علیه السلام فرمود: خیر در دست او است، ولی همین طور که به تو می گویم بگو ده مرتبه: «وَأَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ»؛ و پناه می برم به خداوند شنوای دانا. هنگامی که خورشید طلوع می کند و نیز هنگامی که غروب می نماید، ده بار بگو. که تفصیل ندادن امام علیه السلام در این حدیث، به ویژه با ملاحظه این که کلمه «بِيَدِهِ الْخَيْرُ» در چند روایت در تهلیل «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» مزبور آمده که در کتاب یاد شده روایت گردیده، دلالت دارد بر لزوم پیروی از امامان علیهم السلام در دعاها و اذکاری که از ایشان رسیده بدون کم و زیاد کردن در

ص: ۱۹

آن‌ها؛ زیرا که آنان اهل ذکر هستند که امر شده ایم از ایشان سؤال کنیم و در پی آنان گام نهیم، و امام علیه السلام تفاوتی نگذاشت بین این که این کلمه را به قصد ورود بگوید، یا به قصد مطلق ذکر.

و نیز بر این مطلب دلالت می‌کند، آنچه در کتاب «کمال الدین» از عبدالله بن سنان روایت آمده که گفت: حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: به زودی شبیهه ای به شما خواهد رسید که بدون نشانه (بدون علمی) و بدون امام راهنمایی - یعنی در ظاهر - خواهید ماند و از آن شبیهه نجات نمی‌یابد مگر کسی که دعای غریق را بخواند. راوی پرسید: دعای غریق چگونه است؟ فرمود: بگوید: «یا اللَّهُ یا رَحْمَنُ یا رَحِيمُ یا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ بَثَّ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ»؛ خداوند! ای بخشنده! ای مهربان! ای دگرگون کننده دل‌ها! دل مرا بر دینت پایدار ساز.

پس من گفتم: «یا اللَّهُ یا رَحْمَنُ یا رَحِيمُ یا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ بَثَّ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ». فرمود: خدای - عزوجل - دگرگون کننده دل‌ها و دیده‌ها است، ولی آن‌طور که من می‌گویم بگو: «یا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ بَثَّ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ» (۱).

و در «وسائل»، از «خصال» به سند خود، از اسماعیل بن الفضل آمده که گفت: از حضرت امام صادق علیه السلام درباره فرموده خدای - عزوجل - «وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا» (۲)؛ و پروردگارت را پیش از طلوع آفتاب

ص: ۲۰

---

۱- ۱۸. کمال الدین، ۲/۳۵۱، شاید از این جهت امام علیه السلام تأکید فرمودند که مقلَّب القلوب و الأبصار گفته نشود که دگرگونی دلها و دیده‌ها - به صریح قرآن کریم - در قیامت خواهد بود، اما در عصر غیبت امام عجل الله فرجه مردم گرفتار دگرگونی دلها می‌شوند و از دین فاصله می‌گیرند، خداوند ما را ثابت قدم بدارد {مترجم}.

۲- ۱۹. سوره طه، آیه ۱۳۰.

و پیش از غروب آن تسبیح و ستایش کن. پرسیدم. فرمود: بر هر مسلمان فرض است که ده مرتبه پیش از طلوع خورشید و ده مرتبه پیش از غروب آن بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»؛ هیچ معبود حقی جز الله نیست، اوست یگانه ای که شریکی ندارد، مُلک او را است و ستایش به او اختصاص دارد، زنده می کند و می میراند و او است زنده ای که نخواهد مُرد، خیر در دست (قدرت) او است و او بر هر چیزی توانا است. راوی گوید: پس من گفتم: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». فرمود: فلانی! شک نیست که خداوند زنده می کند و می میراند و می میراند و زنده می کند، ولی همان طور که من می گویم تو بگو. (۱)

می گویم: می توان بین این دو وجه را چنین جمع نمود که: برای هر دعا و ذکری اثر خاصی هست، مانند: داروها و ترکیبات طبّی. ولی تأثیر و نتیجه مورد نظر از آن ها حاصل نمی شود، مگر با ترتیب و ترکیبی که از طیب حاذق گرفته شده باشد، هرچند که بدون آن ترتیب نیز تأثیری دارند، دعاها و ذکرها هم این طور هستند که اثر خاصّ از آن ها حاصل نمی گردد، مگر با رعایت چگونگی معینی که از امامان معصوم علیهم السلام روایت آمده که طیبیان جانِ مردمند. و از همین روی امام علیه السلام فرمود: البته خداوند دگرگون کننده دل ها و دیده ها است، ولی این طوری که من می گویم بگو. بنابراین امر (به این که مانند گفته

ص: ۲۱

من بگو) ارشادی(۱) می باشد، و با دلایل جواز افزودن در دعاها به قصد مطلق ذکر منافاتی ندارد، (دقت کنید). و یا این که بر بهترین نحوه دعا آن را حمل نماییم - چنان که در دلایل مستحبات بیان شده - و این در صورتی است که امر را مولوی بدانیم.

دوازدهم: سخن گفتن در بین دعاها روایت شده جایز است، به حکم اصل جواز. و آیا این کار با تأثیر مطلوب منافات دارد یا نه؟ ظاهراً اگر به مقداری بود که عرفاً با مشغول بودن به دعا منافات نداشت، ضرری ندارد و گرنه دعا را از اول شروع کند، چون اوامری که در مورد دعاها رسیده از معصومین روایت گردیده، مقید به سکوت و سخن نگفتن در اثنای آن ها نیست، بنابراین بر متعارف و معمول حمل می شود، در عین حال تردیدی نیست که سخن گفتن در اثنای دعا با کمال عمل منافات دارد، پس شایسته است آنچه مقتضای کمال است در هر حال رعایت گردد. و از اینجا روشن شد که اگر نذر کند که در اثنای دعا سخن نگوید، وفای به این نذر واجب است؛ چون سخن نگفتن اثنای دعا رجحان دارد، چنان که پوشیده نیست.

سیزدهم: قطع کردن دعا جایز است به حکم اصل. و اگر اشکال کنید که فرموده خدای تعالی: «وَلَا تُبْطَلُوا أَعْمَالَكُمْ»(۲)؛ و اعمالتان را باطل مکنید. دلالت

ص: ۲۲

---

۱- ۲۱. امر ارشادی در مقابل امر مولوی در اصطلاح، راهنمایی و روشنگری عقل را گویند، چنانکه امر مولوی، فرمان نافذ و محکم شرعی است. {مترجم}

۲- ۲۲. سوره محمد صلی الله علیه وآله، آیه ۳۳.

دارد بر این که قطع نمودن دعا جایز نیست. در جواب گوییم: احتمال دارد که مراد نهی از باطل ساختن عمل تمام باشد، به این که شخص پس از پایان رساندن کارش چیزی که مایه فساد آن باشد از او سر بزند، مانند عجب و خودپسندی و اذیت کردن و شرک و سایر اموری که عبادت را از بین می برد، و از این قبیل است فرموده خدای تعالی: «لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى (۱)؛ صدقه های خود را با منت نهادن و اذیت کردن تباه مسازید. «وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ» (۲)؛ و به راستی که به تو و (پیغمبران) پیش از تو وحی شد که اگر شرک ورزی عملت محو و تباه خواهد گشت. و احتمال می رود که منظور نهی کردن از ایجاد عمل به گونه باطل باشد، از باب این که گویند: «دهانه چاه را تنگ کن؛ یعنی از اول تنگ بساز» و «او را نشانیدم؛ یعنی او را نشسته قرار دادم» و «خانه را فراخ کردم؛ یعنی آن را وسیع بنا نمودم». و محتمل است که مقصود چنین باشد: «اعمال خود را قطع مکنید». و ظاهراً - چنان که یکی از استوانه های علم یاد آور شده - همان احتمال اول مراد باشد، و بر فرض که نپذیرید و احتمالات را مساوی بدانید، استدلال نیز ساقط می گردد، و اصل اولی از معارض سالم می ماند که در نتیجه قطع کردن دعا جایز است. (دقت کنید)

چهاردهم: مستحب است در دعا برای تعجیل فرج حضرت خاتم الأوصیا امام زمان علیه السلام صدا بلند گردد، به ویژه در مجالسی که برای دعا فراهم شده

ص: ۲۳

---

۱- ۲۳. سوره بقره، آیه ۲۶۴.

۲- ۲۴. سوره زمر، آیه ۶۵.

باشد؛ زیرا که نوعی از تعظیم شعائر خداوند است و شعائر خداوند همان نشانه‌ها و مظاهر دین او است که: «وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (۱)؛ و هر آن کس که شعائر خداوند را تعظیم کند، همانا که آن از تقوای دل‌ها است. و به جهت فرموده امام علیه السلام در دعای ندبه: «إِلَى مَتَى أَجَارُ فَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَإِلَى مَتَى؛ تا کی برای تو ای سرورم با صدای بلند [دعا کنم و] استغاثه و زاری نمایم.

در قاموس آمده: جَارٌ بِرُوزْنِ مَنْعٍ، جَارًا وَجَوْرًا: صدایش را به دعا بلند کرد و تضرع و استغاثه نمود.

و در مجمع البحرین گوید: فرموده خدای تعالی: «فَالَيْهِ تَجَاوَرُونَ» (۲)؛ صدای خود را به دعا بلند می‌کنید. گفته می‌شود: «جَارَ الْقَوْمِ إِلَى اللَّهِ جَوْرًا»؛ هرگاه به درگاه خداوند دعا کنند و صدای خود را به انابه و زاری بلند نمایند، و از این گونه است حدیث «كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى مُوسَى لَهُ جِوْرٌ إِلَى رَبِّهِ بِالتَّلْبِيَةِ»؛ گویی به موسی می‌نگرم که با صدای بلند و استغاثه به درگاه پروردگارش لبیک می‌گوید. که منظور از جَوْر، استغاثه و بلند کردن صدا است.

پانزدهم: مستحب است که دعا کردن در حال اجتماع باشد، به جهت روایتی که در «اصول کافی» به سند خود از ابی عبد الله امام صادق علیه السلام آمده که فرمود: هیچ گروه چهل نفری نیستند که با هم جمع شوند، پس به درگاه خدای - عزوجل - درباره امری دعا کنند، مگر این که دعایشان مستجاب می‌گردد، و اگر چهل تن نباشند، پس چهار نفر خداوند - عزوجل - را ده بار بخوانند دعایشان

ص: ۲۴

---

۱- ۲۵. سوره حج، آیه ۳۲.

۲- ۲۶. سوره نحل، آیه ۵۳.

مستجاب می شود، و اگر چهار نفر هم نباشند، پس هرگاه یک شخص چهل بار خداوند را بخواند، خدای عزیز جبار دعایش را به اجابت می رساند. (۱) و در همان کتاب از حضرت امام صادق علیه السلام آمده که فرمود: پدرم چنین بود که هرگاه واقعه ای او را اندوهگین می ساخت، زنان و کودکان را جمع می کرد، سپس دعا می نمود و آن ها آمین می گفتند. (۲)

شانزدهم: جایز - بلکه مستحب - است که ثواب دعا برای آن حضرت علیه السلام را به مردگان هدیه کند، به دلیل عموم روایاتی که در مورد هدیه فرستادن برای اموات رسیده، همچنان که جایز بلکه مستحب است که در این دعا از آنان نیابت نماید، مانند سایر کارهای مستحب، به این صورت که مؤمن در حق مولایش صاحب الزمان علیه السلام دعا کند و از خداوند - عز اسمه - زودتر رسیدن فرج و ظهور آن حضرت را بخواهد به قصد نیابت از پدر و مادرش یا سایر امواتش، بلکه اموات مؤمنین و مؤمنات. و به طور عموم و خصوص چند روایت بر این مطلب دلالت دارد، از جمله: در وسائل، از حماد بن عثمان آمده که در کتابش گوید: حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس از مؤمنین عملی را از [طرف] مرده ای انجام دهد، خداوند دو برابر اجر آن را به او می دهد و مرده هم به آن عمل متنعم می گردد. (۳)

و از عمر بن یزید آمده که گفت: حضرت ابوعبدالله امام صادق علیه السلام فرمود:

ص: ۲۵

---

۱- ۲۷. اصول کافی، ۲/۴۸۷.

۲- ۲۸. اصول کافی، ۲/۴۸۷.

۳- ۲۹. وسائل الشیعه، ۵/۳۶۹ ح ۲۴.

هر کدام از مؤمنین کار نیکی را [به نیابت از مرده ای به جای آورد، خداوند پاداشش را دو برابر دهد و میت به آن عمل بهره مند گردد]. (۱)

و از حمّاد بن عثمان، از امام صادق علیه السلام آمده که فرمود: همانا نماز و روزه و صدقه و حجّ و عمره و هر کار نیکی مرده را سود می رساند، تا آن جا که بسا میتی در فشار است، پس بر او توسعه می دهند و به او گفته می شود: این در ازای عمل فرزندت فلانی و عمل برادر دینی ات فلانی است. (۲)

و از هشام بن سالم - که یکی از اصحاب و شاگردان امام صادق و امام کاظم علیهما السلام بوده - روایت است که گوید: به او - امام علیه السلام - عرض کردم: آیا دعا و صدقه و روزه و مانند این ها به مرده می رسد؟ فرمود: آری. گفتم: و آیا می داند که چه کسی برایش آن را می فرستد؟ فرمود: آری. سپس فرمود: به طوری که بسا باشد که او مورد خشم است و [به برکت این عمل] مورد رضا واقع گردد. (۳)

و از علاء بن رزین، از امام صادق علیه السلام است که فرمود: [لازم است از سوی] مرده، حجّ و روزه و برده آزاد کردن و کارهای خیر قضا شود. (۴)

و از بزنتی، از امام رضا علیه السلام آمده که فرمود: از طرف مرده، روزه و حجّ و برده آزاد کردن و کار نیکش قضا شود. (۵)

ص: ۲۶

---

۱- ۳۰. وسائل الشیعه، ۵/۳۶۹ ح ۲۵.

۲- ۳۱. وسائل الشیعه، ۵/۳۶۸ ح ۱۵.

۳- ۳۲. وسائل الشیعه، ۵/۳۶۶ ح ۷.

۴- ۳۳. وسائل الشیعه، ۵/۳۶۹ ح ۲۰.

۵- ۳۴. وسائل الشیعه، ۵/۳۶۹.



و از مؤلف الفاخر آمده که گوید: از جمله اموری که بر آن اجماع شده و از گفتار امامان علیهم السلام به صحت رسیده است، این که: از سوی مرده تمام کارهای نیکش [باید] اقضا گردد.

و اخبار دیگری که به جهت رعایت اختصار از آوردن آن ها خودداری کردیم. و نیز شاهد بر آن است آنچه در دعا وارد شده که: «اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ عَنِ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا»؛ خدایا! به مولایم صاحب الزمان علیه السلام از سوی همه مؤمنین و مؤمنات در سراسر خاورها و باخترهای زمین [درودها] ابلاغ فرمای... .

هفدهم: جایز - بلکه مستحب - است در این عمل مبارک از زندگان نیز نیابت شود، به ویژه از سوی والدین و خویشاوندان، و دلیل بر این چندین روایت به طور تصریح یا تلویح می باشد، از جمله: در وسائل، از علی بن ابی حمزه آمده که گفت: به حضرت ابوابراهیم [موسی بن جعفر علیها السلام عرض کردم: حج و نماز و صدقه از طرف زندگان و مردگان از خویشان و دوستانم انجام دهم؟ فرمود: آری. از [طرف شخص] صدقه پرداز و نماز بگزار و به خاطر این نیکی نسبت به او اجری خواهی داشت. (۱)

سید بن طاووس قدس سره - چنان که از او حکایت شده - پس از نقل این حدیث گفته: باید حدیث فوق را بر مواردی که نیابت از زندگان در آن ها صحیح است، حمل کرد.

ص: ۲۷

و از محمد بن مروان آمده که گفت: حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: چه باز می دارد شخصی از شما را که نسبت به والدین خود در حال زنده بودن و پس از مرگشان نیکی کند، از سوی آنان نماز بگذارد و صدقه دهد و حجّ به جای آرد و روزه بدارد؟ پس آنچه انجام دهد برای آنان خواهد بود و برای خودش نیز همانند آن ثواب هست، پس خدای - عزوجل - به جهت نیکی و صله اش، خیر بسیاری براو خواهد افزود. (۱)

مؤلف و سائل گوید: نماز از طرف شخص زنده به نماز طواف و زیارت اختصاص دارد، به دلیل آنچه خواهد آمد. (۲)

### قسمت سوم

می گویم: ظاهراً منظورش از آنچه خواهد آمد، خبر عبدالله بن جندب است که گفت: به حضرت ابوالحسن علیه السلام این مسأله را نوشتم: شخصی می خواهد اعمالش را از نیکی ها و نماز و کار خیر بر سه بخش قرار دهد؛ یک سوم آن ها را برای خودش و دو سوم را برای والدینش، یا این که به تنهایی از کارهای مستحبی خود، چیزی را برای آنان اختصاص دهد و اگر یکی از آن دو زنده و دیگری مرده باشد [چه حکمی دارد]؟ پس آن حضرت علیه السلام به من نوشت: ائیا از طرف مرده خوب و جایز است و اما زنده روا نیست مگر نیکی و صله. (۳)

و فعلاً- منظورمان این نیست که جواز و عدم جواز نیابت از زندگان در نمازهای مستحبی را بیان کنیم، که تحقیق درباره آن جای دیگری دارد، بلکه

ص: ۲۸

---

۱- ۳۶. وسائل الشیعه، ۵/۳۶۵.

۲- ۳۷. وسائل الشیعه، ۵/۳۶۵.

۳- ۳۸. وسائل الشیعه ۵/۳۶۸ ح ۱۶.

هدف ما در این جا آن است که ترجیح داشتن نیابت از زندگان و مردگان مؤمنین در دعا کردن برای مولایمان صاحب الزمان و تعجیل فرج و ظهور آن جناب علیه السلام را بیان نماییم، و حدیث یاد شده بر این مطلب دلالت دارد، زیرا که دعا در حق مولایمان علیه السلام بدون شك از برترین اقسام نیکی است، و این حدیث دلالت دارد که نیابت کردن - هر چند از شخص زنده - در نیکی و صله کار پسندیده ای است. و همین طور خبر محمد بن مروان دلالت می کند بر این که نیکی نسبت به والدین زنده باشند یا مرده، خوب و پسندیده است و ظاهراً یاد کردن نماز و صدقه و حج از باب مثال است. بنابراین با توجه به آنچه یاد کردیم به ضمیمه این فرازهای دعای عهد: «اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ عَن جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَسَيِّئِهَا وَجِبِلِّهَا حَيْثُمْ وَمَيِّتِهِمْ وَعَن الْإِثْدَىٰ وَوُلْدِي وَعَنِّي مِنَ الصَّلَاةِ وَالتَّحِيَّاتِ...»؛ خداوند! به مولایم صاحب الزمان علیه السلام از سوی تمام مردان و زنان باایمان در سراسر قلمرو زمین، شرق و غرب و خشکی و دریا و هموار و کوه آن، زنده و مرده آنان، و از سوی والدینم و فرزندانم و از سوی خودم، از درودها و تحیت ها و سلام ها ابلاغ فرمای... .

و به ضمیمه آنچه درباره نیابت از زندگان در زیارت ها و دعاها و حج و طواف و مانند این ها وارد شده، از ملاحظه تمام این ها به دست می آید که نیابت کردن در دعا برای مولایمان صاحب الزمان علیه السلام و خواندن دعاها روایت شده در حق آن حضرت، بلکه در سایر انواع دعاها، نیابت کردن از

زندگان مؤمنین و مؤمنات، به ویژه صاحبان حقوق و خویشان نیکو است، چنان که خوبی نیابت در همه این ها از مردگان نیز ثابت گردیده است و با این کار زنده و مرده و نیابت کننده و نیابت شونده، انواعی از فواید و ثواب ها را درک خواهند کرد.

اگر بگوییم: حدیث عبد الله بن جنبد در نیابت صراحت ندارد، بلکه محتمل است که منظور در آن، هدیه کردن ثواب نیکی و صله و نماز باشد؟

می گویم: ظاهر این است که در آغاز، پرسش از هدیه کردن بوده، ولی این که گفته: یا این که به تنهایی از کارهای...، سؤال از نیابت بوده است و این مطلب با اندک تأملی ان شاء الله تعالی روشن خواهد شد.

هجدهم: از آنچه در دو نکته پیش گفتیم، معلوم شد که دعا کردن درباره مولایمان صاحب الزمان علیه السلام و درخواست تعجیل فرج و ظهور آن جناب به نیابت از مؤمنان، موجب فواید دیگری افزون بر فواید بسیاری است که در گذشته آوردیم، از جمله:

۱ - چند برابر شدن مکارم و نیکی ها و فواید یاد شده است، به مقتضای روایات رسیده ای که از نظرتان گذشت.

۲ - احسانی است به مؤمنان و وسیله ای برای برطرف شدن عذاب از مردگان ایشان یا فزونی ثواب برای آنان، چنان که دانستید.

۳ - در جهت زودتر شدن زمان ظهور و فرج آن حضرت مؤثرتر است، چون به منزله آن است که این دعا از همه مؤمنین انجام گردیده باشد. و از آنچه

پیش تر آوردیم، معلوم گردید که دسته جمعی دعا کردن، از جمله موجبات زودتر رسیدن دوران گشایش و ظهور می باشد، ان شاء الله تعالی.

نوزدهم: مستحب است برای دوستان و یاران آن حضرت علیه السلام دعا کنید، به دلیل عموم روایاتی که در تشویق و ترغیب به دعا درباره مؤمنین و مؤمنات رسیده، و نیز به دلیل آنچه در مورد کمک بر نیکی و تقوی وارد شده و به دلیل این که در دعاهای رسیده از امامان علیهم السلام دعا برای دوستان و یاران آن حضرت هم مذکور گردیده است، چنان که گذشت و گوشه ای از آن ها را در مقصد سوم همین بخش خواهیم آورد، ان شاء الله تعالی.

بیستم: دعا کردن برای نابودی دشمنانش و طلب خواری و زبونی آن ها، چنان که در دعاهای روایت شده آمده است، و لعنت کردن آن ها مستحب است، به دلیل مقتضای بیزاری از دشمنان و نیز پیروی از خدای تعالی و پیامبر او و امامان علیهم السلام، و به خاطر آنچه در روایات از ترغیب و پافشاری بر آن آمده، از جمله: در بحار، از علی بن عاصم کوفی، از مولایمان حضرت امام حسن عسکری علیه السلام روایت است که فرمود: حدیث گفت مرا پدرم، از جدّم، از رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود: هر کس از یاری ما اهل بیت ناتوان باشد اما در خلوت های خود دشمنانمان را لعنت کند، خداوند صدایش را به تمام فرشتگان از زمین تا به عرش خواهد رسانید، پس هر چه این مرد دشمنانمان را لعنت کند، فرشتگان او را یاری نمایند و هر که را لعنت کند، آن ها هم او را لعنت کنند، سپس بار دیگر [بر دشمنان لعنت فرستند، آن گاه گویند: خداوند!!

بر این بنده ات درود فرست که آنچه در توان داشت بذل کرد و به کار برد و اگر بیش از این را توان داشت انجام می داد، که ناگاه از سوی خدای تعالی ندا می آید: دعای شما را به اجابت رساندم و خواسته شما را پذیرفتم و بر روان او در میان ارواح پاکان درود فرستادم و او را از برگزیدگان نیکان قرار دادم. (۱)

### چگونگی دعا برای تعجیل فرج و ظهور آن حضرت علیه السلام آشکارا یا به کنایه

بدان که این برترین مقصد و عالی ترین مطلب به گونه های مختلفی حاصل گردد که به آن ها اشاره می کنیم، تا خواننده بینش بیشتری یابد و بتواند امثال این ها را با تیزبینی و خوش باطنی استخراج نماید:

اوّل

این که به صراحت از خدای تعالی این امر را مسألت نماید و به زبان فارسی یا عربی یا هر زبان دیگری تقاضایش را باز گوید، مثل این که چنین دعا کند: «اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ»؛ خدایا! فرج مولای ما صاحب الزمان علیه السلام را زودتر برسان. یا بگوید: «عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ وَظُهُورَهُ»؛ خدای تعالی فرج و ظهور آن حضرت را تعجیل فرماید.

دوم

این که از خداوند - عزّ اسمه - درخواست کند که فرج و گشایش امر آل محمد علیهم السلام را تعجیل فرماید و زودتر برساند، چون فرج آن حضرت همان فرج آن ها است، چنان که در دعاها و روایات، این معنی آمده است.

ص: ۳۲

این که فرج و گشایش امر تمام مؤمنین و مؤمنات، یا فرج اولیای خدای تعالی را مسألت دارد، زیرا که با فرج آن جناب علیه السلام فرج اولیای خدا انجام می گردد، چنان که در روایت رسیده است.

## چهارم

این که بر دعای کسی که چنین دعایی کند آمین بگوید، چون واژه «آمین: مستجاب کن» نیز دعا است، و چون که دعا کننده و آمین گو هر دو در دعا شریکند، به طوری که در خبر آمده است.

## پنجم

این که از خدای - عزوجل - بخواهد که دعای هر کس که برای تعجیل فرج مولایمان دعا می کند را مستجاب سازد. و فرق بین این با گونه قبلی آن است که آمین گفتن جز در حضور دعا کننده انجام نمی گردد، ولی در این مورد حضور شرط نیست.

## ششم

این که فراهم شدن و آماده گشتن وسایل و مقدمات و زمینه های زودتر رسیدن فرج را از خداوند مسألت نماید.

## هفتم

این که درخواست نماید که موانع ظهور آن حضرت علیه السلام رفع و برطرف گردد.

## هشتم

این که دعا کند گناهایی که مایه تأخیر افتادن فرج آن حضرت است، آمرزیده شوند. گناهایی که دعا کننده یا غیر او از اهل ایمان مرتکب گردیده اند.

## نهم

این که از خدای تعالی درخواست کند که او را از آن چنان گناهایی که اثر یاد شده را دارد، در آینده زندگی اش محفوظ و باز بدارد.

## دهم

این که نابودی دشمنان آن حضرت علیه السلام - که وجودشان مانع از زودتر شدن فرج دوستانش می باشد - را از خداوند بخواهد.





این که از خداوند مسألت نماید که دست ستمگران را از سر همه مؤمنین کوتاه سازد، که این امر به برکت ظهور امامشان که در انتظارش هستند انجام می گردد.

#### دوازدهم

این که گسترش یافتن عدالت را در شرق و غرب زمین مسألت نماید، زیرا که این امر جز به ظهور آن حضرت علیه السلام حاصل نمی گردد، همچنان که خدای - عزوجل - و پیغمبران و اولیائش علیهم السلام وعده داده اند.

#### سیزدهم

این که بگوید: خداوندا! رفاه و خوشی را به ما بنمایان. و تبتش حصول آن در زمان ظهور باشد، زیرا که رفاه و خوشی کامل و تمام عیار برای مؤمن حاصل نمی شود، مگر به ظهور امام غایب از نظرعلیه السلام. و در اواخر بخش ششم روایتی که بر ورود این دعا به همین لفظ دلالت داشت، گذشت.

#### چهاردهم

این که از خدای - عزوجل - بخواهد که اجر و مزد عبادت ها و کارهایش را، تعجیل در امر فرج و ظهور مولایش مطابق خواسته و رضای حضرتش علیه السلام قرار دهد.

#### پانزدهم

آن که توفیق یافتن به انجام این دعا - یعنی دعا برای مولایمان و درخواست تعجیل در امر فرجش - را برای همه مؤمنین و مؤمنات بخواهد، زیرا پیش تر بیان داشته ایم که همدلی و اتفاق مؤمنین در این کار تأثیر ویژه ای دارد، چنان که در روایت آمده. بنابراین هرگاه مؤمن مسألت کند که مقدمات مطلوب و هدفش فراهم و آسان گردد، در جهت تحصیل آن کوشش به سزایی انجام داده است.

این که از خدای - عزوجل - مسألت نماید که دین حق و اهل ایمان را بر همه ملل و ادیان چیره و پیروز فرماید، زیرا که این امر - چنان که وعده کرده - جز به ظهور مولایمان صاحب الزمان علیه السلام حاصل نمی گردد، همان طور که در کتاب «البرهان» آمده است. (۱)

## هفدهم

این که از خداوند - عز اسمه - درخواست نماید که از دشمنان دین و ستمکاران نسبت به خاندان حضرت سیدالمرسلین - علیهم السلام - انتقام بگیرد، به جهت آنچه در خبر آمده که این امر با ظهور امام غایب از انظار و آخرین امامان بزرگوار انجام می گردد.

## هجدهم

این که بر آن حضرت درود بفرستد، و منظورش درخواست رحمت ویژه ای از سوی خداوند باشد که به آن زودتر شدن فرجش آسان شود. و این از عبارتی که در مورد درود فرستادن بر آن جناب و بر پدرانش علیهم السلام روایت شده، که در «کامل الزیارات» و غیر آن ذکر گردیده، برمی آید، که در زیارت حضرت رضاعلیه السلام پس از درود فرستادن بر یکایک امامان علیهم السلام چنین می خوانیم: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ وَوَلِيِّكَ الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ صَلَاةً تَأْمَنُ نَافِيَةً بَاقِيَةً تُعَجِّلُ بِهَا فَرَجَهُ وَتَنْصُرُهُ بِهَا...»؛ خدایا! بر حجت و ولی خویش که در میان آفریدگانت پیاست، درود فرست درود فرستادنی تمام، و با افزایش و همیشگی که به آن فرجش را زودتر برسانی و به آن پیروزش نمایی.

## نوزدهم

این که تعجیل و زودرسی برطرف شدن محنت از چهره اش

ص: ۳۵

و زدودن غم و اندوه از قلب مقدّسش علیه السلام را بخواهد، زیرا که این از لوازم تسلّط آن حضرت و نابودی دشمنانش می باشد.

بیستم

این که از خدای تعالی بخواهد که در امر خونخواهی برای مولای شهید مظلوممان حضرت ابی عبد الله الحسین علیه السلام تعجیل فرماید، زیرا که این در حقیقت دعا برای فرزندش حضرت حجّت علیه السلام است که خونخواه و انتقام گر از کشندگان آن حضرت است.

### ذکر بعضی از دعاهای روایت شده از امامان معصوم علیهم السلام در این باره

#### ۱ - دعای صلوات

و این دعاها غیر از دعاهایی است که در بخش ششم این کتاب آورده ایم از جمله:

در کتاب الغیبه، شیخ اجل ابوجعفر طوسی رحمه الله از حضرت صاحب الامر علیه السلام روایت شده و حکایتی طولانی دارد که به منظور رعایت اختصار آن را ترک کردیم. دعا این است: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، الْمُتَّجِبِ فِي الْمِثَاقِ، الْمُصَيِّطِ فِي الظَّلَامِ، الْمُطَهِّرِ مِنْ كُلِّ آفَةٍ، الْبَرِيءِ مِنْ كُلِّ عَيْبٍ، الْمُؤَمِّلِ لِلنَّجَاهِ، الْمُرْتَجِي لِلشَّفَاعَةِ، الْمُفَوِّضِ إِلَيْهِ دِينَ اللَّهِ. اللَّهُمَّ شَرِّفْ بُيُوتَهُ وَعَظِّمْ بُرْهَانَهُ وَأَفْلِحْ حُجَّتَهُ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ وَأَضِيءْ نُورَهُ وَبَيِّضْ وَجْهَهُ وَاعْطِهِ الْفَضْلَ وَالْفَضِيلَةَ وَالذَّرَجَةَ

ص: ۳۶

وَالْوَسِيلَةَ الرَّفِيعَةَ وَابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً يَغِطُّهُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ، وَصَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَقَائِدِ الْعُرِّ  
 الْمُحَجَّلِينَ وَسَيِّدِ الْوَصِيَّيْنِ وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،  
 وَصَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (سَيِّدِ الْعَابِدِينَ)  
 وَإِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّهِ رَبِّ  
 الْعَالَمِينَ، وَصَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ إِمَامِ  
 الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،  
 وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ  
 الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلِّ عَلَى  
 الْخَلْفِ الصَّالِحِ الْهَادِي الْمُهْدِي إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَيِّمَةِ  
 الْهَادِينَ الْمُهْدِيِّينَ، الْعُلَمَاءِ الصَّادِقِينَ، الْأَبْرَارِ الْمُتَّقِينَ، دَعَائِمِ دِينِكَ وَأَرْكَانِ تَوْحِيدِكَ وَتَرَاجِمِهِ وَحِيكَ، وَحُجَجِكَ عَلَى خَلْقِكَ  
 وَخُلَفَائِكَ فِي أَرْضِكَ، الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَأَصِطَفَيْتَهُمْ عَلَى عِبَادِكَ وَارْتَضَيْتَهُمْ لِإِدِينِكَ وَخَصَصْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ وَجَلَلْتَهُمْ  
 بِكَرَامَتِكَ وَغَشَّيْتَهُمْ بِرَحْمَتِكَ وَرَبَّيْتَهُمْ بِنِعْمَتِكَ وَغَذَّيْتَهُمْ بِحِكْمَتِكَ وَأَلْبَسْتَهُمْ نُورَكَ وَرَفَعْتَهُمْ فِي مَلَكُوتِكَ وَحَفَفْتَهُمْ  
 بِمَلَائِكَتِكَ وَشَرَّفْتَهُمْ بِنَبِيِّكَ

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِمْ صَلَواتَكَ كَثِيرَةً دَائِمَةً طَيِّبَةً لَا يُحِيطُ بِهَا إِلَّا أَنْتَ وَلَا يَسَعُهَا إِلَّا عِلْمُكَ وَلَا يُحْصِيهَا أَحَدٌ غَيْرُكَ. اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ الْمُحِبِّي سُنَّتِكَ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ الدَّاعِي إِلَيْكَ الدَّلِيلِ عَلَيْكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَخَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ وَشَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ. اللَّهُمَّ أَعِزِّ نَصْرَهُ وَمُدِّ فِي عُمُرِهِ وَزَيْنِ الْأَرْضِ بِطُولِ بَقَائِهِ. اللَّهُمَّ اكْفِهِ بَغْيَ الْحَاسِدِينَ وَأَعِزَّهُ مِنْ شَرِّ الْكَائِدِينَ وَازْجُرْ عَنْهُ إِرَادَةَ الظَّالِمِينَ وَخَلِّصْهُ مِنْ أَيْدِي الْجَبَّارِينَ. اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَشَرِيْعَتِهِ وَرِعِيَّتِهِ وَخَاصَّتِهِ وَعَامَّتِهِ وَعِدْوَهُ وَجَمِيعِ أَهْلِ الدُّنْيَا مَا تَقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ وَتَسِيرُ بِهِ نَفْسُهُ وَبَلَّغْهُ أَفْضَلَ أَمَلِهِ [مَا أَمَلَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ]. اللَّهُمَّ حِدِّدْ بِهِ مَا مَحَى مِنْ دِينِكَ وَأَحْيِ بِهِ مَا بَدَّلَ مِنْ كِتَابِكَ وَأَظْهِرْ بِهِ مَا غَيَّرَ مِنْ حُكْمِكَ حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيدًا خَالِصًا مُخْلِصًا لَا شَكَّ فِيهِ وَلَا شُبُهَةَ مَعَهُ وَلَا باطلَ عِنْدَهُ وَلَا بَدْعَهُ لَدَيْهِ. اللَّهُمَّ نَوِّرْ بِنُورِهِ كُلَّ ظُلْمَةٍ وَهَيِّدْ بِرُكْنِهِ كُلَّ بَدْعَةٍ وَاهْتَدِمْ بِعِزَّتِهِ كُلَّ ضَلَالَةٍ وَأَقْصِمْ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ وَأَخْمِدْ بِسَيِّفِهِ كُلَّ نَارٍ وَأَهْلِكْ بِعَدْلِهِ كُلَّ جَبَّارٍ (جَابِرٍ) وَأَجْرِ حُكْمَهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ وَأَذِلَّ بِسُلْطَانِهِ كُلَّ سُلْطَانٍ. اللَّهُمَّ أذِلَّ كُلَّ مَنْ نَآوَاهُ وَأَهْلِكْ كُلَّ مَنْ عَادَاهُ وَأَمْكُرْ بِمَنْ كَادَهُ وَاسْتَأْصِلْ مَنْ حَجَدَ حَقَّهُ وَاسْتَهَانَ بِأَمْرِهِ وَسَعَى فِي إِطْفَاءِ نُورِهِ وَأَرَادَ إِخْمَادَ ذِكْرِهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَعَلَى الْمُتَضَى وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَالْحَسَنِ الرُّضَا وَالْحُسَيْنِ الْمُصَيَّبِ (الْمُضَيَّفِ) وَجَمِيعِ الْأَوْصِيَاءِ مَصَابِيحِ الدُّجَى وَأَعْلَامِ الْهَيْدَى وَمَنَارِ التَّقَى وَالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَالْحَبْلِ الْمَتِينِ وَالصُّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ، وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَوَلَاةِ عَهْدِكَ وَالْأَيْمَةِ مِنْ وُلْدِهِ وَمُدِّ فِي أَعْمَارِهِمْ وَزِدْ فِي آجَالِهِمْ وَبَلِّغْهُمْ أَفْصَى [أَفْضَلَ] آمَالِهِمْ دِينًا وَدُنْيَاً وَآخِرَةً، إِنَّكَ

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»<sup>(۱)</sup>؛ به نام خداوند بخشنده بخشایشگر. خداوندا! درود بفرست بر محمد سرور رسولان و آخرین پیغمبران و حجت پروردگار عالمیان، که در [هنگام] ایمان بستن اختیار شده است در [عالم اشباح و سایه ها، از هر آفتی پاک و از هر عیب دور می باشد، آن که به او آرزوی نجات است و امید شفاعت، که دین خداوند به او واگذار گردیده. خدایا! بنیادش را بلند ساز و نورش را درخشنده کن و رویش را سپید گردان و به او فضل و بلندی مرتبه و درجه و رفعت وسیله را عطا فرما و او را بر مقام پسندیده ای برانگیز، که به سبب آن اولین و آخرین بر او غبطه خورند.

و درود بفرست بر علی امیر مؤمنان و وارث رسولان و پیشوای روسفیدان و سید اوصیا و حجت پروردگار عالمیان. و درود بفرست بر حسن بن علی امام مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار جهانیان. و درود بفرست بر حسین بن علی امام مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار عالمیان. و درود بفرست بر محمد بن علی بن حسین (سرور عبادت کنندگان) امام مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار عالمیان. و درود بفرست بر جعفر بن محمد امام مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار عالمیان. و درود بفرست بر موسی بن جعفر امام مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار عالمیان. و درود بفرست بر علی بن موسی امام مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار عالمیان. و درود بفرست بر محمد بن علی امام مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار عالمیان. و درود بفرست بر علی بن محمد امام مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار عالمیان.

ص: ۳۹

مؤمنان و وارث رسولان و حجّت پروردگار عالمیان. و درود بفرست بر حسن بن علی امام مؤمنان و وارث رسولان و حجّت پروردگار عالمیان. و درود بفرست بر خَلَف صالح هدایت کننده هدایت شده ات، امام مؤمنان و وارث رسولان و حجّت پروردگار عالمیان. بار الها! درود بفرست بر محمد و خاندانش امامان هدایت کننده هدایت شده، علمای راستگویی، نیکان تقوی پیشه، ستون ها و پایه های توحید و بازگو کنندگان وحی تو و حجّت های تو بر آفریدگان و جانشینان تو در زمین که آنان را برای خویش اختیار کردی و بر بندگانت برگزید و برای دینت پسندیده و به شناختن اختصاص دادی و جامه کرامت را بر اندامشان پوشاندی و به رحمت خود ایشان را فرا گرفتی و به نعمت آنان را پرورش دادی و حکمت را به آنان تغذیه کردی و نور خویش بر ایشان پوشاندی و در ملکوت آنان را بالا بردی و به وسیله فرشتگانت آنان را احاطه نمودی و به پیغمبرت شرافتشان بخشیدی. خداوندا! بر محمد و بر آل او درود فرست درودی بسیار دائم پاکیزه ای که جز ذات تو آن را احاطه نکند و جز علم تو آن را در نیابد و احدی جز تو آن را شمارش ننماید. بار الها! درود فرست بر ولیّ ات که زنده کننده سنّت تو، پیاخته به امر تو، دعوت کننده به سوی تو، دلالت کننده بر تو و حجّت تو بر خلقت و خلیفه ات در زمینت و گواهی بر بندگانت می باشد. خداوندا! پیروزی اش را برافراز و عمرش را دراز کن و زمین را با طولانی شدن بقای او زینت بخش. بار الها! از تجاوز حسودان او را نگهدار و از شرّ نیرنگ بازان او را در پناه خویش مصون گردان و خواسته های [شوم] [استمگران را از او دور فرمای و او را از دست سرکشان رها ساز. خداوندا! به او در مورد خودش و فرزندانش و شیعیانش و رعیتش و خاصّانش

و عوامش و دشمنش و تمام اهل دنیا، عطا فرمای آنچه را که چشمش را به آن روشن سازی و دلش را به آن خرسند گردانی و او را به برترین آرزویش در دنیا و آخرت برسان که تو بر هر چیز توانایی. بار الها! به [ظهور] او آنچه از دینت محو شده، تجدید گردان و آنچه از کتابت عوض شده، به او زنده کن و آنچه از احکامات تغییر یافته، به او آشکار ساز، تا این که دین تو به او و بر دست او باز آید، در حالی که تازه و شاداب و نو و خالص و بی پیرایه، که شکی در آن نباشد و شبهه ای به آن راه نیابد و باطلی کنارش نماند و بدعتی در پیشگاهش یافت نشود. خدایا! به نور او، هر تاریکی را روشن ساز و به پایه امر او، هر بدعتی را از جای برکن و به عزت او، هر گمراهی را منهدم گردان و هر سرکش را درهم شکن و به شمشیر او، هر آتشی را خاموش ساز و هر سرکش (ستمگر) را به عدالت او هلاک گردان و حکمش را بر هر فرمانی برتری ده و هر سلطه ای را برای حکومتش خوار فرمای. خدایا! هر آن که با او ستیزه کند، ذلیل کن و هر آن که با او دشمنی ورزد، هلاک گردان و به هر که با او نیرنگ بازد، مکر کن و هر که حقش را انکار نماید و امرش را سبک شمارد و در پی خاموش کردن نورش تلاش کند و بخواهد یادش را فرو نشاند، از ریشه برکن. خدایا! درود بفرست بر محمد مصطفی و علی مرتضی و فاطمه زهرا و حسن راضی به قضای تو و حسین مصفّی (برگزیده شده) و تمام اوصیا (جانشینان پیامبر) چراغ های روشنگر تاریکی و نشانه های هدایت و دلایل تقوی و گیره محکم و ریسمان قوی و راه راست. و درود بفرست بر ولیّ خودت و متصدّیان عهدت و امامان از فرزندان و عمرهایشان را طولانی گردان و بر اجل هایشان بیفزای و آنان را به آخرین مرحله آرزوهایشان در دنیا و آخرت برسان که به راستی تو بر هر چیز توانایی.



می‌گوییم: این دعای شریف از دعاهای ارزنده‌ای است، که شایسته است به آن مداومت شود و در هر وقت و هنگام، بر خواندنش مواظبت گردد، به ویژه اوقاتی که به مولایمان صاحب الزمان - علیه صلوات الله - اختصاص بیشتری دارد، مانند شب نیمه شعبان و روز آن، و شب و روز جمعه. و شاید از همین روی باشد که مؤلف کتاب «جمال الصالحین» این دعا را از اعمال آن شب برشمرده، با این که ظاهر روایتی که تذکر دادیم آن است که به وقت معینی اختصاص ندارد، بلکه برای مطلق اوقات وارد شده است، و سید اجل علی بن طاووس رحمه الله در کتاب «جمال الاسبوع» آن را در اعمال روز جمعه یاد کرده، در آنچه پس از نماز عصر آن روز دعا می‌شود، چنین فرموده: ذکر صلوات بر پیغمبر و آل او - که درود خداوند بر او و آنان باد - که از مولایمان حضرت مهدی - صلوات الله علیه - روایت شده، و اگر تعقیب عصر جمعه را به خاطر عذری ترک کردی پس این صلوات را هیچ گاه وا مگذار، به جهت امری که خدای - جل جلاله - ما را بر آن آگاه فرموده است.

سپس سند آن را به طور کامل با ذکر حکایتی آورده که از بیم طولانی شدن مطلب، از نقل آن‌ها خودداری نمودیم.

و از گفتار سید که: هیچ گاه آن را وا مگذار، به جهت امری که خدای - جل جلاله - ما را بر آن آگاه فرموده است. استفاده می‌شود که از سوی مولایمان صاحب الزمان - عجل الله فرجه الشریف - در این باره فرمانی به او رسیده، و این دلیل صحت روایت است، خداوند ولی نعمت و هدایت است.

قسمت اول

و از جمله دعاهایی که در این باب روایت شده آن است که جمعی از علمای ما از جمله سید اجل علی بن طاووس رحمه الله در همان کتاب - جمال الاسبوع - روایت کرده اند، وی فرموده است: ذکر دعایی که برای حضرت صاحب الأمر از حضرت رضا - که بر ایشان بهترین سلام باد - روایت گردیده است: حدیث گفته اند مرا عده ای - که پیش تر در چند جای این کتاب آن ها را یاد کرده ام - به سند متصلشان تا جدّم ابوجعفر طوسی، که خداوند - جلّ جلاله - او را روز قیامت در امان و رضوان خود قرار دهد، گفت: خبر داد ما را ابن ابی جید، از محمد بن الحسن بن سعید بن عبد الله و حمیری و علی بن ابراهیم و محمد بن الحسن صفّار، همگی اینان از ابراهیم بن هاشم، از اسماعیل بن مدار و صالح بن السنّدی، از یونس بن عبدالرحمن. سیدقدس سره گفته: و جدّم ابوجعفر طوسی این دعا را به چند طریق از یونس بن عبدالرحمن روایت آورده که در اینجا آنها را واگذاردم تا مبادا مطلب به طول انجامد. یونس بن عبدالرحمن گوید: حضرت امام رضاعلیه السلام دستور می فرمود که برای حضرت صاحب الأمر - عجل الله فرجه الشریف - چنین دعا شود: «اللَّهُمَّ اذْفَعْ عَنْ وَايِكَ وَخَلِيفَتِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَيَّ خَلْقِكَ، وَلسانِكَ الْمُعَبَّرِ عَنْكَ يَا ذِيكَ النَّاطِقِ بِحُكْمَتِكَ، وَعَيْنِكَ النَّاطِرَةِ عَلَيَّ بِرَبِّيَّتِكَ وَشَاهِدِكَ عَلَيَّ عِبَادِكَ، الْجَحْجَاحِ الْمُجَاهِدِ الْعَائِدِ بِكَ عِنْدَكَ، وَأَعَدُّهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَبَرَأْتَ وَأَنْشَأْتَ وَصَوَّرْتَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ بِحَفِظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ،

وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَآبَاءَهُ أُمَّتَكَ وَدَعَائِمَ دِينِكَ، وَاجْعَلْهُ فِي وَدِيعَتِكَ الَّتِي لَا تَضَيِّعُ وَفِي جِوَارِكَ الَّذِي لَا يُحَقَّرُ وَفِي مَنْعِكَ  
 وَعِزِّكَ الَّذِي لَا يُقَهَّرُ، وَآمِنَهُ بِأَمَانَتِكَ الْوَثِيقِ الَّذِي لَا يُخَذَلُ مِنْ أَمْنَتِهِ بِهِ، وَاجْعَلْهُ فِي كَنَفِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ مَنْ كَانَ فِيهِ، وَأَيْدُهُ  
 وَانْصِرْهُ بِنَصِيرِكَ الْعَزِيزِ، وَأَيْدُهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ وَقُوَّةِ بَقْوَتِكَ وَأَرْدِفُهُ بِمَلَائِكَتِكَ وَوَالٍ مِنْ وَالَاهُ وَعَادٍ مَنْ عَادَاهُ، وَالْبَسْهُ دِرْعَكَ  
 الْحَصِيَّةَ بَيْنَهُ وَحُفَّهُ بِالْمَلَائِكَةِ حَفَاً. اللَّهُمَّ وَبَلِّغْهُ أَفْضَلَ مَا بَلَغْتَ الْقَائِمِينَ بِقِسْطِكَ مِنْ أَتْبَاعِ النَّبِيِّينَ. اللَّهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ وَارْتُقْ بِهِ  
 الْفَتْقَ وَأَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ وَأَظْهِرْ بِهِ الْعِدْلَ وَزَيِّنْ بِطَوْلِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ، وَأَيْدُهُ بِالنَّصِيرِ وَانْصِرْهُ بِالرَّغْبِ، وَقَوِّ نَاصِرِيهِ وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ  
 وَدَمِّدْ عَلَى مَنْ نَصَبَ لَهُ وَدَمَّرْ مَنْ غَشَّهُ وَاقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَعَمِيدَهُ وَدَعَائِمَهُ، وَأَقْصِمْ بِهِ رُؤْسَ الضَّلَالَةِ وَشَارِعَةَ الْبِدْعِ وَمُيَمِّتَهُ  
 السُّنَّةِ وَمُقَوِّبَةَ الْبَاطِلِ وَذَلِّلْ بِهِ الْجَبَّارِينَ، وَأَبِرْ بِهِ الْكَافِرِينَ وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَسِيَاهِلِهَا  
 وَجَبَلِهَا حَتَّى لَا تَدَعَّ مِنْهُمْ دَيَّاراً وَلَا تُبْقِيَ لَهُمْ آثَاراً. اللَّهُمَّ طَهِّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ وَأَشْفِ مِنْهُمْ عِبَادَكَ وَأَعِزِّ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ وَأُحْيِ بِهِ سُنَنَ  
 الْمُرْسَلِينَ وَدَارِسَ حِكْمَةِ النَّبِيِّينَ، وَحَيِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ وَبُدِّلْ مِنْ حُكْمِكَ حَتَّى تُعِيدَ دِينَكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ جَدِيداً غَضّاً  
 مَخْضاً صَاحِحاً لَا عَوْجَ فِيهِ وَلَا بِدْعَةَ مَعَهُ وَحَتَّى تُنِيرَ بِعَدْلِهِ ظُلْمَ الْجَوْرِ وَتُطْفِئَ بِهِ نِيرَانَ الْكُفْرِ وَتُوضِّحَ بِهِ مَعَادِمَ الْحَقِّ وَمَجْهُولَ  
 الْعَدْلِ فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَأَصْرَ طَفَيْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ وَائْتَمَنْتَهُ عَلَى غَيْبِكَ وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَبَرَّأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ  
 وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ وَسَلَّمْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ. اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَوْمَ حُلُولِ الطَّامَّةِ أَنَّهُ لَمْ يُذْنِبْ ذَنْباً وَلَا أَتَى حُوباً وَلَمْ  
 يَزْتَكِبْ مَعْصِيَةً وَلَمْ يُضَيِّعْ

لَكَ طَاعَةٌ وَلَمْ يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَهُ وَلَمْ يَبْدُلْ لَكَ فَرِيضَةً وَلَمْ يُغَيِّرْ لَكَ شَرِيعَةً، وَأَنَّهُ الْهَادِي الْمَهْدِي الطَّاهِرُ التَّقِيُّ النَّقِيُّ الرَّضِيُّ  
الزَّكِيُّ. اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَأَهْلِهِ وَوُلْدِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَأُمَّتِهِ وَجَمِيعِ رَعِيَّتِهِ مَا تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ وَتُسِرُّ بِهِ نَفْسُهُ وَتَجْمَعُ لَهُ مُلْكُ الْمَمْلَكَاتِ  
كُلِّهَا قَرِيبَهَا وَبَعِيدَهَا وَعَزِيزَهَا وَذَلِيلَهَا حَتَّى يَجْرِيَ حُكْمُهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ وَيَغْلِبَ بِحَقِّهِ كُلَّ بَاطِلٍ. اللَّهُمَّ اسئلكُ بِنَا عَلَى يَدَيْهِ مِنْهَاجِ  
الْهُدَى وَالْمَحَجَّةِ الْعُظْمَى وَالطَّرِيقَةِ الْوَسْطَى الَّتِي يَرْجِعُ إِلَيْهَا الْعَالِي وَيَلْحَقُ بِهَا التَّالِي وَقَوْنَا عَلَى طَاعَتِهِ وَبَتْنَا عَلَى مُشَايَعَتِهِ وَأَمْنُنْ  
عَلَيْنَا بِمُتَابَعَتِهِ، وَاجْعَلْنَا فِي حَزْبِهِ الْقَوَامِينَ بِأَمْرِهِ الصَّابِرِينَ مَعَهُ الطَّالِبِينَ رِضَاكَ بِمُنَاصَبَةِ حَيْتِهِ حَتَّى تَحْشُرْنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَنْصَارِهِ  
وَأَعْوَانِهِ وَمَقْوِيهِ سُلْطَانِهِ. اللَّهُمَّ وَاجْعَلْ ذَلِكَ لَنَا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبُهَةٍ وَرِيَاءٍ وَسُمْعَةٍ حَتَّى لَا نَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَكَ وَلَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا  
وَجْهَكَ وَحَتَّى تُحَلِّنَا مَحَلَّهُ وَتَجْعَلْنَا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ وَأَعِدْنَا مِنَ السَّأْمَةِ وَالْكَسَلِ وَالْفِتْرَةِ وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ وَتُعَزُّ بِهِ نَصْرَ  
وَلِيِّكَ، وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِنَا غَيْرَنَا فَإِنَّ اسئبتدالكُ بِنَا غَيْرَنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ وَهُوَ عَلَيْنَا عَسِيرٌ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وُلاهِ عَهْدِهِ وَالْأَيْمَةِ مِنْ بَعْدِهِ  
وَبَلِّغْهُمْ آمَالَهُمْ وَزِدْ فِي آجَالِهِمْ وَأَعِزِّ نَصْرَهُمْ وَتَمِّمْ لَهُمْ مَا أَسْنَدْتَ إِلَيْهِمْ فِي [مِنْ أَمْرِكَ لَهُمْ وَبَتَّتْ دَعَائِمَهُمْ وَاجْعَلْنَا لَهُمْ أَعْوَانًا  
وَعَلَى دِينِكَ أَنْصَارًا فَإِنَّهُمْ مَعَادِنُ كَلِمَاتِكَ وَأَرْكَانُ تَوْحِيدِكَ وَدَعَائِمُ دِينِكَ وَوُلاهُ أَمْرِكَ وَخَالِصِيَّتِكَ مِنْ عِبَادِكَ وَصِيْفُوتِكَ  
مِنْ خَلْقِكَ وَأَوْلِيَاؤُكَ وَسَيِّئَاتُكَ وَأَوْلِيَاءُكَ وَصِيْفُوهُ أَوْلَادِ رُسُلِكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ؛ (١) خداوند! دور گردان  
هر گونه بلا را از ساحت ولی و خلیفه و حجت بر مخلوقات،

ص: ٤٥

زیانت که به اذن تو از تو سخن می گوید و به حکمت نطق کند، و دیده بینای تو بر آفریدگانت و گواه تو بر بندگانت، و بزرگ ترین مجاهدان پناه آورده به تو در محضرت می باشد، و او را در پناه خود از شرّ تمام آنچه آفریده ای و ایجاد کرده ای و انشاء و صورت گری فرموده ای محفوظ بدار، و او را از پیش رو و پشت سر و راست و چپ، از بالا و پایین [از تمام شرها] محفوظ بدار، حفظ کردنی که هر کس را آن طور محفوظ گردانی از بین نمی رود، و در وجود مبارک او (همه آثار) پیامبرت و پدرانش امامان منصوب از ناحیه تو و ستون های دینت را حفظ فرمای، و او را در گنجینه سپرده ات قرار ده که هرگز گم نمی شود، و در جوار خویش جای ده که به هیچ وجه کوچک نمی گردد، و مورد حمایت و عزت قرار ده که مقهور نمی شود، و او را به امان استوار خویش ایمنی ببخش که هر کس را در آن جایگاه بسیاری خواری نخواهد یافت، و او را در پرتو حمایتت بگیر که هر کس در آن مستقر شود رنجور و بی قرار نگردد، و او را تأیید و به نصرت توام با عزت پیروز گردان، و با سپاه چیره شونده ات پشتیبانی اش کن، و به نیروی خویش تقویتش فرمای، و فرشتگانت را همراهش ساز، و هر آن که او را دوست می دارد دوستش بدار و با هر کس که با وی دشمنی نماید دشمنی کن، و زره استوارت را بر اندام آن جناب بپوشان و او را با فرشتگانت فرا بگیر فرا گرفتی [همه جانبه] .

خدایا! و او را به برترین جایگاهی که بپاخاستگان به قسط از پیروان پیغمبرانت را در آن مستقر فرموده ای نایل ساز. خداوندا! پراکندگی ها و پریشانی ها را به وجود او فراهم آور، و رخنه ها را به (ظهور) او مسدود و ترمیم گردان، و ستم را به (دست باکفایت) او بمیران، و عدالت را به او آشکار فرمای، و زمین را با طول اقامتش [در آن] ازینت

بیخشی، و با پیروزی تأییدش کن، و به وسیله رُعب (وحشت در دل دشمنانش) پیروز گردان، و یاری کنندگان او را تقویت کن، و خوارکنندگان او را خوار ساز، و هر که با او به دشمنی برخیزد را هلاک گردان، و هر که با او به نیرنگ رفتار کند به نابودی رسان، و به (تیغ) او ستمگران اهل کفر و ستون ها و ارکان آن را بر خاک هلاکت بیفکن، و به (قدرت) او رؤسای گمراهی و بدعت گذاران و سنت زدایان و تقویت کنندگان باطل را درهم بشکن، و به (عظمت حکومت) او جباران را خوار گردان، و به (ظهور) او کافران و همه ملحدان را در خاورها و باخترهای زمین، خشکی و دریا، دشت ها و کوه ها ریشه کن ساز، تا دیگر هیچ فردی از آن ها را وامگذاری و هیچ نشان و اثری از آنان بر جای نسیاری. خداوندا! دیار خویش را از (لوٹ وجود) آنان پاک گردان، و دل های بندگان را از نابودیشان خرسند ساز، و به او مؤمنین را عزت ده، و به او سنت های مرسلین و حکمت مندرس پیغمبران را زنده بگردان، و به وجود مبارک او آنچه از دینت محو گشته و آنچه از احکامت تغییر یافته را تجدید فرمای، و تا این که دینت را به وجود آن بزرگوار و بر دست او، نو و تازه و خالص، راست بدون کجی و دور از بدعت بازگردانی، و تا این که به عدالت او تاریکی های ستم را روشن سازی، و آتش های کفر را خاموش نمایی، و به وجود او مشکلات برپایی حق و مجهولات اجرایی عدل را آشکار سازی، که به درستی او بنده تو است که برای خویش برگزیده ای و بر بندگان برتری داده ای و بر غیب خود امینش دانسته ای، و از گناهان معصومش ساخته ای و از عیب ها برکنارش داشته ای و از پلیدی پاک و از آلودگی سالم قرارش داده ای.

خدایا! پس، در روز قیامت که روز تحقق یافتن حادثه بزرگ است برای او گواهی

دهیم که او هیچ گناه نکرد و خلافی نیاورد و نافرمانی مرتکب نشد، و طاعتی از طاعات تو را ضایع نساخت، و حرمتی از تو را هتک نمود، و فریضه ای از تو را مبدل نکرد و برنامه ای از تو را تغییر نداد، و البته که او است هدایت گر هدایت شده، پاک باتقوای خالص پسندیده زبده. خداوندا! به آن جناب در وجود خودش و خاندانش و فرزندانش و ذریه اش و امتش و تمام رعیتش عطا فرما آنچه را که به آن، دیده اش روشن شود و دلش شادمان گردد و تسلط بر تمام ممالک دور و نزدیک و سخت و آسان را برایش فراهم سازی، تا حکم او بر هر حکمی برتری یابد و با حق خود بر هر باطلی چیره گردد.

خدایا! ما را به دست او در مسیر هدایت و راه گشاده و شیوه میانه که تند رفته، به سوی آن باز گردد و عقب مانده به آن برسد رهنمون ساز و ما را بر فرمانبرداری اش نیرومند و بر پیروی اش پایدار کن و به تبعیت از او بر ما منت بگذار و در حزب او قرارمان ده، که به امرش بپاخیزند، در کنار او صبر کنند، و با خیرخواهی برای او خشنودی ات را خواستار باشند، تا این که روز قیامت در شمار یاران و مددکاران و تحکیم کنندگان حکومتش محشورمان سازی.

خداوندا! و آن را برای ما خالص از هر گونه شک و شبهه و ریا و شهرت طلبی قرار ده، تا با آن جز بر تو اعتماد نکنیم و از آن، جز رضای تو را طلب ننماییم و تا آن که ما را به محلّ او وارد فرمایی و در پناه خود نگاه بداری، و ما را از کسانی قرار ده که به وسیله او دینت را یاری دهی و برای پیروزی باعزت ولیّ خویش خدمتگزارش گردانی، و غیر ما را به جای ما بر این کار مگذار که مبدل ساختن ما را به غیر ما بر تو آسان است، ولی بر ما بسیار ناگوار.

خداوند! درود فرست بر متولیان عهد او و امامان پس از او، و آنان را به آرمان ها و آرزوهای شان نایل گردان و بر عمرشان بیفزای و پیروزی باعزت به آنان عنایت فرمای، و آنچه از امر دینت را برعهده آنان قرار داده ای پایدار گردان، و پایه های حکومتش را استوار ساز، و ما را یاورهایی برای آنان و یارانی برای دینت قرار ده، که آنان به راستی کانون های کلمات تو و ستون های توحید تو و پایه های دین تو و متصدیان امر تو و برگزیدگان از بندگانت و نخبه های از خلق تو هستند و دوستان تو و فرزندان محبان خاص تو و برگزیدگان او، اولاد پیغمبر تواند، و سلام بر همگی آنان باد و رحمت و برکات خداوند شامل حال آنان باد.

سپس سید بن طاووس رحمه الله گفته: «این دعا متضمّن این جمله از فرموده امام علیه السلام است که: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وُلَاةِ عَهْدِهِ وَالْأَيْمَةِ مِنْ بَعْدِهِ»، و شاید منظور از این عبادت، درود فرستادن بر پیشوایانی باشد که امام عصر - عَجَلُ اللَّهِ فَرَجَهُ الشَّرِيفِ - در دوران خود برای اقامه نماز جماعت در شهرها می گمارد و پیشوایان در (بیان) احکام در آن روزگار، و این که درود فرستادن بر آنان پس از درود فرستادن بر آن حضرت - صلوات الله علیه - می باشد، به دلیل فرموده امام علیه السلام: «وُلَاةِ عَهْدِهِ»، زیرا که فرمانداران در زندگی شخص می باشند، پس گویی منظور چنین باشد: خدایا! پس از درود فرستادن بر او، درود فرست بر والیان عهد او و پیشوایان... و پیش تر روایتی از مولایمان حضرت رضاعلیه السلام گذشت که این عبارت در آن بود: «وَالْأَيْمَةِ مِنْ وُلْدِهِ»؛ و امامان از فرزندان او. که شاید این عبارت نیز چنین بوده: «صَلِّ عَلَى وُلَاةِ عَهْدِهِ وَالْأَيْمَةِ مِنْ وُلْدِهِ»، که این



را همین طور که ذکر شد، در نسخه دیگری غیر از آنچه روایت کردیم، یافتیم. و نیز روایت شده که آنان از بندگان نیک در زندگی آن بزرگوارند، و روایتی با سند متصل یافتیم به این که حضرت مهدی - صلوات الله علیه - را اولاد چندی است که در اطراف کشورهای دریاها ولایت و حکومت دارند، که در اوج صفات نیکان می باشند، توجیه و تأویل دیگری نیز در اخبار روایت گردیده است».

سپس سید بن طاووس رحمه الله گفته: «و این دعا را به روایت دیگری دیدم که از این توجیه بی نیاز است، و من آن را ذکر می کنم چون تفصیلش تمام تر می باشد، روایت این است که: شریف جلیل ابوالحسین زید بن جعفر علوی محمدی حدیث کرد، وی گوید: ما را حدیث گفت ابوالحسین اسحاق بن الحسن العفرانی (در نسخه ای: الحسین العلوی) گفت: محمد بن همام بن سهیل کاتب و محمد بن شعیب بن احمد مالکی هر دو حدیثمان دادند از شعیب بن احمد مالکی، از یونس بن عبد الرحمن، از مولایمان حضرت ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام که آن جناب امر می فرمود به دعا برای حضرت حجت صاحب الزمان علیه السلام، پس از جمله دعایش برای آن حضرت - که درود خداوند بر هر دوی آنان باد - چنین بود: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَادْفَعْ عَنَّا وَلِيَّتِكَ وَخَلِيفَتِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَلِسَانِكَ الْمُعَبَّرِ عَنْكَ بِإِذْنِكَ النَّاطِقِ بِحِكْمَتِكَ، وَعَيْنِكَ النَّاطِرَةِ فِي بَرِّيَّتِكَ وَشَاهِدًا عَلَى عِبَادِكَ، الْجَحْجَاحِ الْمُجَاهِدِ الْمُجْتَهِدِ عَبْدِكَ الْعَائِدِ بِكَ، اللَّهُمَّ وَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْتَ وَذَرَأَتْ وَبَرَأَتْ وَأَنْشَأَتْ وَصَوَّرَتْ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ

تَحْتَهُ بِحَفِظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَوَصِيَّ رَسُولِكَ وَأَبَاؤَهُ أَئِمَّتَكَ وَدَعَائِمَ دِينِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ  
أَجْمَعِينَ، وَاجْعَلْهُ فِي وَدِيعَتِكَ

## قسمت دوم

الَّتِي لَا تَضَيِّعُ وَفِي جِوَارِكَ الَّذِي لَا يُحْتَقَرُ وَفِي مَنَعِكَ وَعِزِّكَ الَّذِي لَا يُفْهَرُ، وَآمِنُهُ بِأَمَانِكَ الْوَثِيقِ الَّذِي لَا يُخَذَلُ مَنْ أَمِنْتَهُ بِهِ،  
وَاجْعَلْهُ فِي كَنَفِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ مَرِنٌ كَانَ فِيهِ، وَأَيْدُهُ وَأَنْصِرُهُ بِنَصِيرِكَ الْعَزِيزِ، وَأَيْدُهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ وَقَسْوِهِ بِقُوَّتِكَ وَأَزْدِفُهُ  
بِمَلَائِكَتِكَ وَوَالٍ مَنْ وَالَاهُ وَعَادٍ مَنْ عَادَاهُ، وَالْبِسْهُ دِرْعَكَ الْحَصِيَّةَ بَيْنَهُ وَخَفَّهُ بِالمَلَائِكَتِكَ حَفًّا. اللَّهُمَّ وَبَلِّغْهُ أَفْضَلَ مَا بَلَّغْتَ الْقَائِلِينَ  
بِقِسْطِكَ مِنْ أَتْبَاعِ النَّبِيِّينَ. اللَّهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ وَارْتُقْ بِهِ الْفَتْقَ وَأَمِتْ بِهِ الْجُورَ وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَزَيِّنْ بِطَوْلِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ، وَأَيْدُهُ  
بِالنَّصِيرِ وَأَنْصِرْهُ بِالرُّعْبِ، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِ سُلْطَانًا نَصِيرًا. اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الْقَائِمَ الْمُنْتَظَرَ  
وَالْإِمَامَ الَّذِي بِهِ تَنْتَصِرُ وَأَيْدُهُ بِنَصِيرِ عَزِيزٍ وَفَتْحِ قَرِيبٍ وَوَرِثَةِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا اللَّاتِي بَارَكْتَ فِيهَا، وَأُخِي بِهِ سُنَّةَ نَبِيِّكَ  
صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَهُ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ، وَقَوِّ نَاصِرَهُ وَاخْذُلْ خَاذِلَهُ وَدَمِّمْ عَلَى مَنْ نَصَبَ لَهُ  
وَدَمَّرَ عَلَى مَنْ غَشَّه. اللَّهُمَّ وَاقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَعَمِيدَهُ وَدَعَائِمَهُ وَالْقَوَامَ بِهِ، وَاقْصِمْ بِهِ رُؤْسَ الضَّلَالَةِ وَشَارِعَةَ الْبِدْعِ وَمُؤَمِّتَةَ السُّنَّةِ  
وَمُقَوِّيَةَ الْبَاطِلِ وَأَذِلُّلْ بِهِ الْجَبَّارِينَ، وَأَبِرْ بِهِ الْكَافِرِينَ وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا وَأَيْنَ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبَرِّهَا  
وَبَحْرِهَا وَسَيِّئِهَا وَجَلِيلِهَا حَتَّى لَا تَدَعُ مِنْهُمْ دَيَّارًا وَلَا تَبْقَى لَهُمْ آثَارًا. اللَّهُمَّ وَطَهِّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ وَاشْفِ مِنْهُمْ عِبَادَكَ وَأَعِزِّ بِهِ  
الْمُؤْمِنِينَ وَأُخِي بِهِ سُنَّةَ الْمُرْسَلِينَ وَدَارِسَ حِكْمِ النَّبِيِّينَ، وَجَدِّدْ بِهِ مَا مَحَى مِنْ دِينِكَ وَبَدِّلْ مِنْ حُكْمِكَ

حَتَّى تُعِيدَ دِينَكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيدًا صَاحِبًا مَخْضًا لَا عِوَجَ فِيهِ وَلَا بِدْعَةَ مَعَهُ حَتَّى تُنِيرَ بِعَدْلِهِ ظُلْمَ الْجَوْرِ وَتُطْفِئَ بِهِ نِيرَانَ  
 الْكُفْرِ وَتُظَهِّرَ بِهِ مَعَاقِدَ الْحَقِّ وَمَجْهُولَ الْعَدْلِ وَتُوضِحَ بِهِ مُشْكَلاتِ الْحُكْمِ. اللَّهُمَّ وَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَاضْطَفَيْتَهُ  
 عَلَى عِبَادِكَ وَاتَّمَنْتَهُ عَلَى غَيْبِكَ وَعَصَيْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَبَرَّأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ وَطَهَّرْتَهُ وَصَرَّفْتَهُ عَنِ الدَّنَسِ وَسَيِّئْتَهُ مِنَ الرِّيبِ. اللَّهُمَّ  
 فَإِنَّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَوْمَ حُلُولِ الطَّامَةِ أَنَّهُ لَمْ يُذْنِبْ وَلَمْ يَأْتِ حُوبًا وَلَمْ يَزْتَكِبْ مَعْصِيَةً وَلَمْ يُصَيِّغْ لَكَ طَاعَةً وَلَمْ يَهْتِكْ لَكَ  
 حُرْمَةً وَلَمْ يُبَدِّلْ لَكَ فَرِيضَةً وَلَمْ يُغَيِّرْ لَكَ شَرِيْعَةً، وَأَنَّهُ الْإِمَامُ التَّقِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ الطَّاهِرُ التَّقِيُّ الْوَفِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ. اللَّهُمَّ  
 فَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ وَأَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَوُلْدِهِ وَأَهْلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَأُمَّتِهِ وَجَمِيعِ رَعِيَّتِهِ مَا تَقَرَّرَ بِهِ عَيْنُهُ وَتَسَيَّرَ بِهِ نَفْسُهُ وَتَجْمَعُ لَهُ مُلْكُ  
 الْمَمْلَكَاتِ كُلِّهَا قَرِيْبًا وَبَعِيدًا وَعَزِيْزًا وَذَلِيْلًا حَتَّى يَجْرِيَ حُكْمُهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ وَيَغْلِبَ بِحَقِّهِ عَلَى كُلِّ بَاطِلٍ. اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِنَا  
 عَلَى يَدَيْهِ مِنْهَاجِ الْهُدَى وَالْمَحَجَّةِ الْعُظْمَى وَالطَّرِيقَةِ الْوَسْطَى الَّتِي يَرْجِعُ إِلَيْهَا الْعَالِي وَيَلْحَقُ بِهَا التَّالِي. اللَّهُمَّ وَقَوْنَا عَلَى طَاعَتِهِ  
 وَتَبَنَّا عَلَى مُشَايَعَتِهِ وَآمَنَّا عَلَيْهِ بِمُتَابَعَتِهِ، وَاجْعَلْنَا فِي حَزْبِهِ الْقَوَامِينَ بِأَمْرِهِ الصَّابِرِينَ مَعَهُ الطَّالِبِينَ رِضَاكَ بِمَنَاصِبِ حَتَّى تَحْشُرْنَا  
 يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَمُقَوِّبِيهِ سُلْطَانِهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ ذَلِكَ كُلَّهُ مِنَّا لَكَ خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ  
 وَشُبُهَةٍ وَرِيَاءٍ وَسِيْمَعَةٍ حَتَّى لَا نَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَكَ وَلَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ وَحَتَّى تُحَلِّقَنَا مَحَلَّهُ وَتَجْعَلَنَا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ وَلَا تَبْتَلِنَا فِي أَمْرِهِ  
 بِالسَّأْمَةِ وَالْكَسَلِ وَالْفِتْرَةِ وَالْفَشْلِ وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ وَتُعَزُّ بِهِ نَصْرَ وَلِيِّكَ، وَلَا تَسْتَبْدِلُ بِنَا غَيْرَنَا

فَإِنَّ اسْتِبدَالَكَ بِنَا غَيْرِنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ وَهُوَ عَلَيْنَا كَبِيرٌ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ وَصَلْ عَلَى وُلاهِ عُهُودِهِ وَبَلِّغُهُمْ آمَالَهُمْ وَزِدْ فِي آجَالِهِمْ وَأَنْصِرْهُمْ وَتَمِّمْ لَهُمْ مَا أَسَدَدْتَ إِلَيْهِمْ مِنْ أَمْرِ دِينِكَ وَاجْعَلْنَا لَهُمْ أَعْوَانًا وَعَلَى دِينِكَ أَنْصَارًا، وَصَلِّ عَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَيِّمَةِ الرَّاشِدِينَ. اللَّهُمَّ فَإِنَّهُمْ مَعَادِنُ كَلِمَاتِكَ وَخُزَّانُ عِلْمِكَ وَوُلاهُ أَمْرِكَ وَخَالِصَةُ تَكِّ مِنْ عِبَادِكَ وَخَيْرُ تَكِّ مِنْ خَلْقِكَ وَأَوْلِيَاءُ تَكِّ وَسَيِّئَاتُ أَوْلِيَاءِكَ وَصِيْفُوتِكَ وَأَوْلَادُ أَصْفِيَاءِكَ صِيْلَوَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. اللَّهُمَّ وَشَرَّكَآؤُهُ فِي أَمْرِهِ وَمُعَاوَنُوهُ عَلَى طَاعَتِكَ الَّذِينَ جَعَلْتَهُمْ حِصْنَهُ وَسِلاَحَهُ وَمَفْزَعَهُ وَأُنْسَهُ الَّذِينَ سِيَلَوْا عَنِ الْأَهْلِ وَالْأَوْلَادِ وَتَجَافَوْا الْوَطْنَ وَعَطَلُوا الْوَثِيرَ مِنَ الْمِهَادِ قَدْ رَفَضُوا تِجَارَاتِهِمْ وَأَضْرَبُوا بِمَعَايِشَتِهِمْ وَفَقَدُوا فِي أَنْدِيَّتِهِمْ بَغِيرَ غَيْبِهِ عَنْ مِصْرِهِمْ وَحَالَفُوا الْبَعِيدَ مِمَّنْ عَاذَ لَهُمْ عَلَى أَمْرِهِمْ وَخَالَفُوا الْقَرِيبَ مِمَّنْ صَدَّ عَنْ وَجْهِتِهِمْ وَاتْتَلَفُوا بَعِيدَ التَّدَابُرِ وَالتَّقَاتُحِ فِي دَهْرِهِمْ وَقَطَعُوا الْأَسْبَابَ الْمُتَّصِلَةَ بِعَاجِلِ حُطَامِ الدُّنْيَا. فَاجْعَلْهُمْ اللَّهُمَّ فِي حِرْزِكَ وَفِي ظِلِّ كَنْفِكَ وَرُدِّ عَنْهُمْ بِأَسْ مَنْ قَصَدَ إِلَيْهِمْ بِالْعَدَاوَةِ مِنْ خَلْقِكَ وَأَجْزِلْ لَهُمْ مِنْ دَعْوَتِكَ مِنْ كِفَايَتِكَ وَمَعُونَتِكَ لَهُمْ وَتَأْيِيدِكَ وَنَصْرِكَ إِيَّاهُمْ مَا تُعِينُهُمْ بِهِ عَلَى طَاعَتِكَ وَأَزْهِقْ بِحَقِّهِمْ بِاطِلَ مَنْ أَرَادَ إِطْفَاءَ نُورِكَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَامْلَأْ بِهِمْ كُلَّ أَفْقٍ مِنَ الْأَفَاقِ وَقَطْرٍ مِنَ الْأَقْطَارِ قِسِيًّا وَعَدْلًا وَرَحْمَةً وَفَضْلًا وَاشْكُرْ لَهُمْ عَلَى حَسَبِ كَرَمِكَ وَجُودِكَ وَمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَى الْقَائِمِينَ بِالْقِسْطِ مِنْ عِبَادِكَ وَادْخُرْ لَهُمْ مِنْ ثَوَابِكَ مَا تَرْفَعُ لَهُمْ بِهِ الدَّرَجَاتِ إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ؛ (١) خدایا بر محمد و آل محمد علیهم السلام درود

ص: ٥٣

فرست و همه بلاها را دفع کن از ولّی و خلیفه و حجّت و زبان بازگو کننده از سوی تو به اذن تو، نطق کننده به حکمت تو، و دیده بینای تو در آفریدگانت، و گواه تو بر بندگانت، بزرگ مجاهدان تلاشگر، بنده تو که پناهنده به تو است. خداوندا! و او را از شرّ تمام آنچه آفریده و به وجود آورده و ایجاد نموده و انشاء کرده و صورتگری فرموده ای در پناه خویش (مصون) بدار، و او را از پیش رویش و از پشت سرش و از سمت راست و چپ او، از بالا و پایین محافظت کن به همان حفاظتی که هر کس را به آن حفظ فرمایی ضایع نشود، و در وجود مبارک او، فرستاده ات و جانشین فرستاده ات و پدرانش - که امامان منصوب از سوی تو و ستون های دین تو هستند درود تو بر همه ایشان باد - را حفظ بفرمای، و او را در سپرده گم ناشدنی خویش بسیار و در جوار خودت که تحقیر نگردد و مورد حمایت و عزّت که مقهور نمی شود قرار ده.

خدایا! و او را به امان محکم خود که هر کس را به آن ایمنی بخشی خوار نخواهد گشت ایمن فرمای، و او را زیر بال مراقبت خویش که دسترسی به آن نیست فراگیر، و او را به نصرت عزیزانه خودت یاری کن، و با سپاه پیروزت تأییدش فرمای، و به قوّت خویش نیرویش ببخشای و فرشتگانت را با او همراهی گردان. خداوندا! هر کس که دوستش می دارد دوست بدار و با هر که با وی دشمنی ورزد دشمنی کن، و زره استوارت را بر اندام آن جناب ببوشان، و با فرشتگانت اطرافش را احاطه کن و او را به برترین جایگاه هایی که بپاخاستگان به قسط تو از پیروان پیغمبران را به آن ها رسانیده ای نایل گردان.

خداوندا! پراکندگی ها را به او فراهم ساز و جدایی ها و رخنه ها را به (ظهور) او

التیام بخش، و ستم را به او بمیران، و عدل و داد را به او آشکار گردان، و با عمر طولانی و دوام زندگانی اش زمین را زینت بخش، و با پیروزی تأییدش کن و با رعب و ترس (در دل دشمنانش) یاریش بنمای و فتح آسانی برایش فراهم ساز، و برای او از ناحیه خویش بر دشمن خودت و دشمن خودش تسلط پیروزمندانه ای قرار ده.

خدایا! او را قیام کننده مورد انتظار قرار ده و امامی که به وسیله او نصرت یابی و او را با پیروزی عزیزانه و فتح زودرسی تأیید بفرمای. و تمام شرق ها و غرب های زمین که در آن ها برکت قرار داده ای را تیول او گردان، و به وسیله او سنت پیغمبرت - که درود تو بر او و آتش باد - را زنده بساز، تا این که هیچ چیزی از حق را از بیم احدی مخفی ننماید، و یاری کننده اش را نیرو ببخشی و خوار کننده اش را خوار گردان، و هر که با او ستیزد به هلاکت رسان، و هر کس که با او دورنگی نماید نابود کن. خدایا! و به (دست قدرتمند) او جباران کفر پیشه و سردمداران و ستون ها و برپا کنندگان کفر را به قتل برسان، و سران گمراهی و سنت کنندگان بدعت و میرانندگان سنت و نیرو دهندگان به باطل را درهم بشکن، و ستمگران جبار را به (حکومت باعظمتش) ذلیل گردان، و کافران و منافقان و تمام ملحدان را در هر گوشه و کنار و هر کجا که هستند، از شرق و غرب زمین، در خشکی و دریا و دشت و کوه به دست او ریشه کن ساز، تا این که دیگر هیچ احدی و هیچ اثر و نشانی از آن ها را بر جای نگذاری.

خدایا! و بلاد خویش را از آنان پاک، و دل های (زخم خورده) بندگان را از نابودیشان راحت ساز، و به (ظهور) آن جناب مؤمنان را عزت بده، و به دست او سنت ها و حکمت مندرس شده پیغمبران را زنده بگردان، و به (دست) او آنچه از دینت

محو گردیده و از احکامات مبدل گشته تجدید فرمای، تا آن که دینت را به وجود او و بر دست او تازه و شاداب، صحیح و خالص، به دور از هر گونه کجی و بدعت بازگردانی، تا آن جا که با عدل او تاریکی های ستم را روشن سازی و آتش های کفر را به او خاموش نمایی و بندهای حق و مجهول های عدل را به (علم) او ظاهر کنی و مشکلات حکم را به (بیان) او واضح گردانی.

خدایا! و او است بنده تو که برای خویش برگزیدی و از میان خلقت انتخابش نمودی و بر بندگانت برتری اش بخشیدی و بر غیب خود امانتدارش دانستی و از گناهان معصومش داشتی و از عیب ها مبرایش ساختی و پاکیزه و به دور از آلودگی قرارش دادی و از تردید سالمش فرمودی.

خدایا! پس ما روز قیامت و روز حلول پدیده بزرگ، برای او گواهی دهیم که البته او هیچ گناه نکرد و خلافتی نیاورد و معصیتی نمود و طاعتی از تو ضایع نساخت و حرمتی از تو را هتک نکرد و فریضه ای از فرایضت را مبدل نمود و شریعتی از دستورات تو را تغییر نداد، و به راستی او است امام با تقوای رهبر ره یافته پاک و پاکیزه باوفای پسندیده زبده.

خدایا! پس بر او و بر پدران او درود فرست و به او، در وجود او و فرزندانش و خاندانش و ذریه اش و امتش و تمام رعیتش عطا فرمای آنچه را که دیده اش را به آن روشن و دلش را خرسند سازی و برای او تسلط بر همه ممالک دور و نزدیک و خرد و کلان را فراهم آوری تا این که حکم او بر هر فرمانی برتری یابد و با حق خویش بر هر باطلی غالب آید.

خدایا! و ما را به دست او در مسیر شیوه هدایت و بزرگراه حقیقت و روش میانه رهرو گردان که تندروان به آن بازگردند و عقب ماندگان به آن رسند.

خدایا! و ما را بر فرمانبرداری از او نیرو بخش و بر پیروی اش پایدار ساز و بر متابعتش بر ما ممت بگذار و ما را در شمار حزب او - که به امرش برخیزند؛ با او صبر کنند و با خیرخواهی برای او رضای تو را جویند - قرار بده، تا این که روز قیامت در گروه انصار و کمک کاران و تقویت کنندگان حکومتش محشورمان بداری.

خدایا! بر محمد و آل محمد علیهم السلام درود فرست و تمام این امور را از ناحیه ما خالص از هرگونه شک و شبهه و ریا و شهرت خواهی [تنها برای خودت] قرار ده تا به آن ها جز بر تو اعتماد نکنیم و جز رضای تو را نخواهیم، و تا این که بر جایگاه مقدّسش ما را وارد سازی و در بهشت، با او (در جوارش) ما را منزل دهی، و در امر او ما را دچار ملال و کسالت و سستی و سرخوردگی مگردان، و ما را از کسانی قرار ده که به وسیله آنان دینت را یاری دهی و پیروزی عزّت مندانه ولیّ ات را به (همکاری) آن ها فراهم سازی، و به جای ما دیگری را مگمار که جایگزین ساختن تو غیر ما را به جای ما، بر تو آسان است ولی برای ما بسیار (گران)، که البته تو بر هر چیز توانایی.

خدایا! و بر متولیان فرمان هایش درود فرست و آنان را به آرمان هایشان برسان و بر عمرشان بیفزای و ایشان را پیروز گردان، و آنچه از امر دینت را به آن ها مربوط ساخته ای به مرحله تمام برسان، و ما را یاران آنان قرار ده و برای دینت یاور ساز، و بر پدران پاکیزه آن جناب امامانِ راهنما درود بفرست.

خدایا! آنان کانون های کلمات تو و گنجینه داران علم تو، و متولیان امر تو، و زبده از



بندگان و بهترین افراد خلقت، و دوستان تو و برگزیدگان تو، و فرزندان برگزیدگان تو هستند درود و رحمت و برکات تو بر همه آنان باد. خدایا! و شریکان او در امرش و یاری کنندگان بر اطاعتت که آنان را دژ و اسلحه و پناهگاه و مایه انس او قرار داده ای، آنان که خانواده و فرزندان خود را ترک گفتند و از وطن کناره گرفتند و بسترهای راحت را وا گذاشتند و از تجارت هایشان روی گرداندند و به زندگی دنیوی و امر معاش خویش بی اعتنا شدند، و بی آن که از شهر و دیار خود غایب شده باشند از مجالسشان دور ماندند، و با افراد بیگانه ای که در امرشان یار آنان شدند هم پیمان گشتند و با خویشاوندان و نزدیکانی که از شیوه ایشان برکنارند مخالفت نمودند و پس از پشت به هم کردن و جدایی در روزگار با هم الفت گرفتند و از وسایل مربوط به زندگی ناچیز دنیا یکباره بریدند.

خدایا! پس آنان را در امان محکم خویش بسپار و در سایه حمایت قرار ده، و از آنان آزار هر کس از خلقت که قصد دشمنی با ایشان را دارد بازگردان، و از جهت دعوت، کفایت و یاری و تأیید و پیروزی ات را نسبت به آنان بسیار ساز، آن قدر که ایشان را بر طاعت خویش یاری بخشی و با حق آنان باطل هر کس که بخواهد نورت را خاموش نماید زایل کن، و بر محمد و آل او درود فرست و به وسیله آنان تمام آفاق و اقطار و هر شهر و دیار را از قسط و عدل و رحمت و فضل آکنده بفرمای. و به آنچه شایسته کرم وجود تو است و آنچه بر بندگان پیاخته به قسط خویش منت نهاده ای، اینان را پاداش عطا فرمای، و از ثواب خود آنچه که در جاتشان را بلند گردانی برایشان ذخیره کن، به درستی که تو آنچه بخواهی انجام می دهی و آنچه اراده کنی حکم می فرمایی، اجابت کن ای پروردگار عالمیان.

و از جمله شیخ صدوق رحمه الله در کتاب «کمال الدین و تمام النعمه» از ابو محمد حسین بن احمد مکتب روایت آورده که گفت: حدیث کرد ما را ابوعلی بن همام به این دعا، و یاد آور شد که شیخ عمری - که خداوند روانش را شاد فرماید - این دعا را بر وی املا کرده و او را امر نموده که آن را بخواند و آن دعا در غیبت قائم علیه السلام می باشد.

و سید اجل علی بن طاووس رحمه الله در کتاب «جمال الاسبوع» به سند خود از شیخ طوسی، از عده ای، از ابو محمد هارون بن موسی تلکبری روایت آورده که: ابوعلی محمد بن همام آن دعا را به او خبر داده، و یاد آور شده که شیخ ابو عمرو عمری - که خداوند روحش را گرامی بدارد - آن را بر وی املا نموده و امر کرده که آن را بخواند، و این همان دعای غیبت قائم آل محمد - که بر او و بر ایشان سلام باد - می باشد، دعا این است: «اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ إِنْ لَمْ أَعْرِفْكَ وَلَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ. اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ. اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَبِيَّكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَبِيَّكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي. اللَّهُمَّ لَا تُمِتَّنِي مِيتَةً جَاهِلِيَّةً وَلَا تُرِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي. اللَّهُمَّ فَكَمَا هَدَيْتَنِي لِوَلَايَةِ مَنْ فَرَضْتَ طَاعَتَهُ عَلَيَّ مِنْ وُلَاةِ أَمْرِكَ بَعْدَ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى وَالَيْتُ وُلَاةَ أَمْرِكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَجَعَفَرًا وَمُوسَى وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَالْحَسَنَ وَالْحُجَّةَ الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ

أَجْمَعِينَ. اللَّهُمَّ فَتَّبِنِي عَلَى دِينِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَكُنْ قَلْبِي لَوْلِي أَمْرِكَ وَعَافِنِي مِمَّا امْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَكَ وَتَّبِنِي عَلَى طَاعِهِ  
وَلِي أَمْرِكَ الَّذِي سَتَرْتَهُ عَن خَلْقِكَ فَبِإِذْنِكَ غَابَ عَن بَرِيَّتِكَ وَأَمْرِكَ يَنْتَظِرُ وَأَنْتَ الْعَالِمُ غَيْرُ مُعَلَّمٍ بِالْوَقْتِ الَّذِي فِيهِ صَاحِبُ أَمْرِ  
وَلِيكَ فِي الْإِذْنِ لَهُ بِإِظْهَارِ أَمْرِهِ وَكَشْفِ سِتْرِهِ فَصَبِّرْنِي عَلَى ذَلِكَ حَتَّى لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أُخْرَجْتُ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتُ وَلَا أَكْشِفَ  
عَمَّا سَتَرْتَهُ وَلَا أُبْحَثَ عَمَّا كَتَمْتَهُ وَلَا أَنْزِعَكَ فِي تَدْبِيرِكَ وَلَا أَقُولَ لِمَ وَكَيْفَ وَمَا بَالُ وَلِي الْأَمْرِ لَا يَظْهَرُ وَقَدْ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ  
الْجَوْرِ وَأَفْوَضَ أُمُورِي كُلَّهَا إِلَيْكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُرِينِي وَلِي أَمْرِكَ ظَاهِرًا نَافِذًا لِأَمْرِكَ مَعَ عِلْمِي بِأَنَّ لَكَ السُّلْطَانَ  
وَالْقُدْرَةَ وَالْبُرْهَانَ وَالْحُجَّةَ وَالْمَشِيئَةَ وَالْإِرَادَةَ وَالْحَوْلَ وَالْقُوَّةَ، فَافْعَلْ ذَلِكَ بِي وَبِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ حَتَّى نَنْظُرَ إِلَى وَلِيكَ صَاحِبِ أَمْرِكَ  
عَلَيْهِ وَآلِهِ ظَاهِرِ الْمَقَالَةِ وَاضِحِ الدَّلَالَةِ هَادِيًا مِنَ الضَّلَالَةِ شَافِيًا مِنَ الْجَهَالَةِ أُبْرِزُ يَا رَبِّ مَشَاهِدَهُ [مُشَاهِدَتُهُ] وَأَوْثَقْتُ قَوَاعِدَهُ وَاجْعَلْنَا  
مِمَّنْ تَقَرُّ عَيْنُهُ بِرُؤْيِيهِ وَأَقِمْنَا بِحُدُودِهِ وَتَوَفَّنَا عَلَى مِلَّتِهِ وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ. اللَّهُمَّ أَعِزَّهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَبَرَأَتْ وَذَرَأَتْ  
وَأَنْشَأَتْ وَصَيَّرَتْ وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيحُ مَنْ  
حَفِظْتَهُ بِهِ وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَوَصِيَّ رَسُولِكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. اللَّهُمَّ وَمِيدًا فِي عُمُرِهِ وَزِدْ فِي أَجَلِهِ وَأَعِنُّهُ عَلَى مَا أَوْلَيْتَهُ وَاسْتَوْعَيْتَهُ  
وَزِدْ فِي كَرَامَتِكَ لَهُ فَإِنَّهُ الْهَادِي وَالْمُهْتَدِي وَالْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ الطَّاهِرُ التَّقِيُّ النَّقِيُّ الزَّكِيُّ الرَّضِيُّ الْمَرْضِيُّ الصَّابِرُ الْمُجْتَهِدُ الشَّكُورُ.  
اللَّهُمَّ وَلَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لِطُولِ الْأَمَدِ فِي غَيْبَتِهِ وَانْقِطَاعِ خَبْرِهِ عَنَّا وَلَا تُنْسِنَا ذِكْرَهُ وَانْتِظَارَهُ وَالْإِيمَانَ [بِهِ وَقُوَّةَ الْيَقِينَ فِي

ظُهُورِهِ وَالِدُعَاءَ لَهُ وَالصَّلَاةَ عَلَيْهِ حَتَّى لَا يُقَنَّنَا طُولُ غَيْبَتِهِ مِنْ ظُهُورِهِ وَقِيَامِهِ وَيَكُونَ يَقِينًا فِي ذَلِكَ كَيْفِينَا فِي قِيَامِ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَا جَاءَ بِهِ مِنْ وَحْيِكَ وَتَنْزِيلِكَ، وَقَوُّ قُلُوبِنَا عَلَى الْإِيمَانِ بِهِ حَتَّى تَسِيلُكَ بِنَا عَلَى يَدِهِ [يَدَيْهِ] مِنْهَاجِ الْهُدَى وَالْمَحَجَّةِ الْعُظْمَى وَالطَّرِيقَةِ الْوَسْطَى وَقَوْنَا عَلَى طَاعَتِهِ وَبَتْنَا عَلَى مُتَابَعَتِهِ وَاجْعَلْنَا فِي حَزْبِهِ وَأَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ وَلَا تَسِيلْنَا ذَلِكَ فِي حَيَاتِنَا وَلَا عِنْدَ وَفَاتِنَا حَتَّى تَتَوَفَّانَا وَنَحْنُ عَلَى ذَلِكَ غَيْرَ شَاكِينَ وَلَا نَاكِثِينَ وَلَا مُرْتَابِينَ وَلَا مُكَذِّبِينَ. اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَأَيِّدْهُ بِالنَّصِيرِ وَأَنْصِرْ نَاصِرِيهِ وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ وَدَمِّرْ [دَمِيرِمْ] عَلَى مَنْ نَصَبَ لَهُ وَكَذَّبَ بِهِ، وَأَظْهِرْ بِهِ الْحَقَّ وَأَمِتْ بِهِ الْبَاطِلَ [الْجُورَ] وَأَسِئْتِغْذُ بِهِ عِبَادَكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الذُّلِّ وَانْعَشْ بِهِ الْبِلَادَ وَأَقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَأَقْصِمْ بِهِ رُؤْسَ الضَّلَالَةِ وَذَلِّلْ بِهِ الْجَبَّارِينَ وَالْكَافِرِينَ، وَأَبِرْ [أَفِنْ] إِيَّاهُ الْمُنَافِقِينَ وَالنَّيَّاكِثِينَ وَجَمِيعَ الْمُخَالِفِينَ وَالْمُلْحِدِينَ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَسِئْهَا وَجَبَلِهَا حَتَّى لَا تَدْعَ مِنْهُمْ دِيَارًا وَلَا تَبْقَى لَهُمْ آثَارًا، وَطَهِّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ وَأَشْفِ مِنْهُمْ صِدُورَ عِبَادِكَ وَخَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ وَأَصْلِحْ بِهِ مَا بَدَّلَ مِنْ حُكْمِكَ وَغَيَّرَ مِنْ سُنَّتِكَ حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيدًا صَحِيحًا لَا عَوَجَ فِيهِ وَلَا بَدْعَ مَعَهُ حَتَّى تُطْفِئَ بِعَدْلِهِ نِيرَانَ الْكَافِرِينَ فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَأَرْتَضِيْتَهُ لِنَصِيرِهِ نَبِيِّكَ (دِينِكَ) وَأَصِيْطَفَيْتَهُ بِعِلْمِكَ وَعَصِيْمَتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَبَرَّأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ وَأَطْلَعْتَهُ عَلَى الْغُيُوبِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ وَنَقَيْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ. اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الْأَيْمَةِ الظَّاهِرِينَ وَعَلَى شَيْعَتِهِمُ الْمُتَتَجِبِينَ وَبَلِّغْهُمْ مِنْ آمَالِهِمْ أَفْضَلَ مَا يَأْمُلُونَ وَاجْعَلْ

ذَلِكَ مِنَّا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبُهَةٍ وَرِيَاءٍ وَسُمُوعَةٍ حَتَّى لَا نُزِيدَ بِهِ غَيْرَكَ وَلَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبِينَا وَعَيْبَهُ وَلِينَا وَشِدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا وَتَظَاهَرَ الْأَعْدَاءِ عَلَيْنَا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَقَلَّةَ عَدَدِنَا. اللَّهُمَّ فَاخْرُجْ ذَلِكَ بِفَتْحِ مِنْكَ تُعَجِّلْهُ وَنَصْرِ مِنْكَ تُعِزُّهُ وَإِمَامٍ عَدِلٍ تُظَهِّرُهُ إِلَهَ الْحَقِّ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ أَنْ تَأْذِنَ لَوْلِيِّكَ فِي إِظْهَارِ عَدْلِكَ فِي عِبَادِكَ وَقَتْلِ أَعْدَائِكَ فِي بِلَادِكَ حَتَّى لَا تَدَعَ لِلجُورِ يَا رَبِّ دَعَامَهُ إِلَّا قَصَصَ مَتَهَا وَلَا بَقِيَّةَ إِلَّا أَفْنَيْتَهَا وَلَا قُوَّةَ إِلَّا أَوْهَنْتَهَا وَلَا رُكْنًا إِلَّا هَدَدْتَهُ [هَدَمْتَهُ] وَلَا حَدًّا إِلَّا فَالَلْتَهُ وَلَا سَبًّا إِلَّا أَكَلَلْتَهُ وَلَا رَايَةً إِلَّا نَكَّسْتَهَا وَلَا شُجَاعًا إِلَّا قَتَلْتَهُ وَلَا جَيْشًا إِلَّا خَدَلْتَهُ، وَارْمِهِمْ يَا رَبِّ بِحَجْرِكَ الدَّمَاعِ وَاضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ القَاطِعِ وَبِأَسْكَ الَّذِي لَا تَرُدُّهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ وَعَذِّبْ أَعْدَائِكَ وَأَعِدْ آءَ دِينِكَ وَأَعِدْ آءَ رَسُولِكَ بِيَدِ وَلِيِّكَ وَأَيِّدِ عِبَادَكَ الْمُؤْمِنِينَ. اللَّهُمَّ اكْفِ وَلِيِّكَ وَحُجَّتَكَ فِي أَرْضِكَ هَؤُلَاءِ عَدُوَّهُ وَكَذِبْ [وَكَيْدِ] مَنْ كَادَهُ وَامْكُرْ مَنْ [بِمَنْ] مَكَرَ بِهِ وَاجْعَلْ دَآئِرَةَ السُّوءِ عَلَى مَنْ أَرَادَ بِهِ سُوءًا وَقَطِّعْ عَنْهُ مَا دَتَّهُمْ وَأَرْدِعْ لَهُ قُلُوبَهُمْ وَزَلِّزْ لَهُ أَقْدَامَهُمْ وَخُذْهُمْ جَهْرَةً وَبَعْتَةً، وَشَدِّدْ عَلَيْهِمْ عِقَابِيكَ وَاخْزِهِمْ فِي عِبَادِكَ وَالْعَنَّهُمْ فِي بِلَادِكَ وَأَسِـئِكْنَهُمْ أَسْفَلَ نَارِكَ وَأَحْطِ بِهِمْ أَشَدَّ عَذَابِكَ وَأَضْلِهِمْ نَارًا وَاحْشُ قُبُورَ مَوْتَاهُمْ نَارًا وَأَضْلِهِمْ حَرَّ نَارِكَ فَإِنَّهُمْ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ وَأَذَلُّوا (أَضَلُّوا) عِبَادَكَ. اللَّهُمَّ وَأَحْيِ بَوْلِيكَ الْقُرْآنَ وَأَرِنَا نُورَهُ سِرِّمَدًا لَا ظُلْمَةَ فِيهِ، وَأَحْيِ بِهِ الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ وَأَشْفِ بِهِ الصُّدُورَ الْوَعِزَّةَ وَاجْمَعْ بِهِ الْأَهْوَاءَ الْمُخْتَلَفَةَ عَلَى الْحَقِّ وَأَقِمَّ بِهِ الْجُدُودَ الْمُعْطَلَةَ وَالْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ حَتَّى لَا يَبْقَى حَقٌّ إِلَّا ظَهَرَ وَلَا عَدْلٌ إِلَّا زَهَرَ، وَاجْعَلْنَا يَا رَبِّ مِنْ أَعْوَانِهِ وَمُقَوِّبِيهِ سُلْطَانِهِ وَالْمُؤْتَمِرِينَ

لِأَمْرِهِ وَالرَّاضِيَةَ يَنْ بِفِعْلِهِ وَالْمُسَيِّئِينَ لِأَحْكَامِهِ، وَمِمَّنْ لَا- حَاجَةَ لَهُ بِهِ إِلَى التَّقِيَّةِ مِنْ خَلْقِكَ أَنْتَ يَا رَبِّ الَّذِي تَكْشِفُ السُّوءَ (الضَّرَّ) وَتُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاكَ وَتُنْجِي مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ فَكْشِفْ يَا رَبِّ الضَّرَّ عَنِّي وَلِيَّكَ وَاجْعَلْهُ خَلِيفَةً فِي أَرْضِكَ كَمَا ضَمِنْتَ لَهُ. اللَّهُمَّ وَلَا- تَجْعَلْنِي مِنْ خُصَمَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ وَلَا- تَجْعَلْنِي مِنْ أَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ وَلَا- تَجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ، وَالْغَيْظِ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَلِكُكَ فَأَعِزَّنِي وَأَسْتَجِيرُ بِكَ فَأَجِزْنِي. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي بِهِمْ فَائِزًا عِنْدَكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ [آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ]؛(۱) بار الها! خودت را به من بشناسان که البته اگر خود را به من نشناسانی، پیغمبرت را نخواهم شناخت. بار الها! پیغمبرت را به من بشناسان که اگر پیغمبرت را به من نشناسانی، حجت تو را نخواهم شناخت. بار الها! حجت خود را به من بشناسان که اگر حجت را به من نشناسانی، از دینم گمراه می گردم. خداوندا! مرا به مرگ جاهلیت نمیران و دلم را [از حق] پس از آن که هدایت فرمودی، منحرف مگردان.

خداوندا! همچنان که مرا به ولایت کسانی که طاعتشان را بر من حتم فرموده ای، از والیان امرت بعد از فرستاده ات - که درود تو بر او و ایشان باد - هدایت کرده ای و من ولایت والیان امرت را در دل گرفتم، [ولایت : امیر مؤمنان و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و حجت قائم مهدی - که درود

ص: ۶۳

---

۱- ۴۴. کمال الدین و تمام النعمه، ۲/۵۱۲ - ۵۱۵؛ جمال الأسبوع، ۵۲۲ - ۵۲۹، شایان ذکر است که نسخه کمال الدین با جمال الاسبوع تفاوتی دارد که در متن دعا مشخص گردیده است. {مترجم}.

تو بر تمامی ایشان باد - . خداوندا! پس مرا بر دینم پایدار ساز و به طاعتت به کار گیر و دلم را برای ولیّ امرت نرم ساز و از آنچه خلقت را آزموده ای، مرا معاف دار و بر طاعت ولیّ امرت، مرا ثابت قدم بدار، آن که از خلق خویش پنهانش کرده ای پس به اذن تو از مردمان غایب گردیده و [فقط] در انتظار فرمان تو است و تو دانایی، بدون این که به کسی اعلام کرده باشی که کدامین وقت امر (قیام) ولیّ تو صلاحیت دارد، که او را اجازه فرمایی تا امر خویش را آشکار سازد و پرده [غیبت از خود برگردد، پس مرا بر آن [غیبت] شکیبایی ده، تا دوست نداشته باشم زودتر شدن آنچه تو تأخیر انداخته ای و تأخیر افتادن آنچه تو پیش انداخته ای، و از آنچه تو پوشیده داشته ای پرده برنگیرم و از آنچه کتمان فرموده ای کاوش نکنم، و در تدبیری که داری با تو ستیز ننمایم و نگویم چرا و چگونه و به چه جهت ولیّ امر آشکار نمی شود و حال آن که زمین از ستم پُر گشته است و [بلکه تمام امور خویش را به تو واگذار نمایم. بار الها! از تو می خواهم ولیّ امرت را آشکارا و در حالی که امرت جاری شده باشد به من بنمایانی، با آگاهی ام به این که چیرگی و قدرت و دلیل و برهان و خواست و اراده و توان و قوّت از آن تو است، پس آن چنان لطفی در حقّ من و تمام مؤمنین بفرمای تا به ولیّ تو - که درودهایت بر او و خاندانش باد - بنگریم، در حالی که گفتارش آشکار، دلالتش روشن، هدایتگر از گمراهی و شفا دهنده از نادانی آمده باشد. پروردگارا! دیدارش [یا مکان دیدارش را آشکار ساز و پایگاه هایش را استوار گردان و ما را از کسانی قرار بده که دیده آن ها به دیدارش روشن می شود، و ما را به خدمت او بدار و بر کیش او بمیران و در زمره او محشور گردان. خداوندا! او را از شرّ چیزهایی که آفریده ای و پدیدار نموده ای و به

وجود آورده ای و انشاء کرده ای و صورتگری فرموده ای، در پناه خویش قرار ده و از پیش روی و پشت سر و از سمت راست و سمت چپ و از طرف بالا و پایینش محفوظش بدار به حفظ خودت، که هر کس را به آن نگهداری کنی گم نشود، و به او [در وجود او] رسولت و جانشین رسولت را حفظ فرما.

بار الها! و عمرش را دراز کن و در [مدّت اجل او بیفزای و او را بر آنچه و آن که ولایت و سرپرستی داده ای یاری کن و در گرامیداشتت نسبت به او بیفزای، که او است هدایت کننده راه یافته و بپاخاسته هدایت شده، و پاکیزه باتقوای منزّه [از هر عیب و نقص] پاکیزه صفات، دارای مقام رضا و خشنودی خداوند، بردبار، تلاشگر، سپاسگزار. بار الها! و به سبب طولانی شدن دوران غیبت او و قطع گردیدن خبرش از ما، یقینمان را مگیر و یادش را از خاطرمان مبر و انتظار و ایمان به او و نیروی یقین در ظهورش و دعا برای حضرتش و درود فرستادن بر او را از ما مگیر، تا به درازا کشیدن غیبتش، ما را از ظهور و قیامش ناامید نسازد و باورمان در مورد آن همچون باور داشتن مان نسبت به قیام فرستاده ات - که درود تو بر او و آتش باد - بوده باشد، [و همچون یقین مان] بر آنچه از وحی و تنزیل آورده محکم بماند، و دل هایمان را بر ایمان به او قوّت ده، تا ما را به دست او در مسیر هدایت سلوک دهی و به برترین دلیل و میانه ترین راه نایل سازی و ما را بر فرمانبرداری از او نیرو عطا فرمای و بر پیروی او پایدار گردان و ما را در حزب و یاران و انصار او، و از خشنودان به کارهای حضرتش قرار ده، و این [عقاید] را نه در زندگی و نه در هنگام مرگ، از ما سلب مکن، تا این که ما را بمیرانی در حالی که بر همین باور باشیم، بی آن که در شکّ افتیم و نه پیمان شکنیم و نه در تردید واقع شویم و نه دروغ شماریم.



خدایا! فرجش را زودتر برسان و به یاری ات او را تأیید فرمای و یارانش را یاری ده و مخالفانش را خوار و ذلیل ساز و کسانی که با او به ستیز برخیزند و تکذیبش کنند، نابود گردان و حق را به او آشکار کن و باطل را به او نابود ساز، و به [ظهور] او بندگان مؤمنت را از مذلت و خواری رهایی بخش و شهرهای جهان را به او [با نعمت ها و آسایش ها] شاداب گردان و به [تیغ عدل] او [سرکشان کفر پیشه را به قتل برسان و سران گمراهی را درهم بشکن و جباران و کافران عالم را به او خوار گردان، و منافقین و پیمان شکنان و تمام مخالفان و ملحدان را در شرق و غرب زمین و خشکی و دریا و کوه و دشت آن به باد فنا ده، تا این که احدی از آن ها را باقی مگذاری و اثری از آنان برقرار نداری و از لوٹ وجودشان بلاد خویش را پاک سازی، و سینه های بندگان را از آنان شفا ده و به وجود او، آنچه از دینت محو شده دوباره تجدید کن، و به [حکومت] او آنچه از حکمت تبدیل گشته و از سنتت تغییر یافته اصلاح فرمای، تا دین تو به [وجود] او و بر دست او، تر و تازه و راست که هیچ گونه کجی در آن و هیچ بدعتی با آن نباشد باز گردد، تا به وسیله عدالت او، آتش های کافران را خاموش سازی، راستی که اوست بنده تو، که برای خودت خالص گردانیده ای و به منظور یاری پیامبرت [دینت انتخاب فرموده ای و به علم خویش او را برگزیده ای و از گناهان محفوظ و معصومش ساخته ای و از عیب ها مبرایش نموده ای و بر غیب ها آگاهش کرده ای و بر وی نعمت داده ای و از پلیدی پاکیزه اش داشته ای و از آلودگی برکنارش قرار داده ای.

خداوندا! پس بر او و بر پدراننش، امامان پاکیزه و بر شیعیان برگزیده شان درود فرست و آنان را به برترین آرزوهایشان برسان و آن را خالص از هر گونه شک و شبهه

و ریا و شهرت طلبی قرار ده، تا جز تو از آن منظور دیگری نداشته باشیم و غیر از رضای تو چیزی نخواهیم.

بار الها! ما به درگاه تو شکوه می کنیم فقدان پیامبران و غیبت ولیّ و سرپرستمان و افتادن فتنه ها در میانمان و همداستانی دشمنان علیه ما و کمی افرادمان را. خداوندا! پس آن را گشایش ده با پیروزی زودرسی و یاری شکست ناپذیری از سوی خودت و امام عدل و دادی که آشکارش سازی، ای پروردگار عالمیان!.

خدایا! ما از تو می خواهیم که به ولیّ خودت فرمان دهی به آشکار نمودن عدل تو در بندگانت و کشتن دشمنان تو در سرزمینت، تا برای ستم هیچ ستونی را و مگذاری - ای پروردگار! - مگر این که آن را درهم شکنی، و هیچ بنایی را جز این که نابود سازی، و هیچ نیرویی را مگر این که سُست گردانی، و هیچ پایه ای را مگر این که ویران کنی، و هیچ حدّی مگر این که بی اثر سازی، و هیچ سلاحی مگر این که کُند نمایی، و هیچ پرچمی مگر این که سرنگون گردانی، و هیچ قهرمانی مگر این که بر خاک هلاکت افکنی، و هیچ ارتشی مگر این که خوار و زبون سازی، و ای پروردگار! آنان را با سنگ (قهر و غضب) سنگباران کن و از دم شمشیر بَرای انتقامت بگذران، و به عقوبت و بَأس خویش - که از مردمان مجرم باز نمی داری - هلاکشان گردان، و دشمنان خودت و دشمنان فرستاده ات را به دست ولیّ خویش و دست بندگان مؤمنت عذاب فرمای.

خدایا! ولیّ و حجت در زمینت را، از بیم دشمنش ایمن بدار و هر آن کس با وی مکر و حيله کند، به او مکر کن و با هر که با وی نیرنگ باز، نیرنگ بباز و تمام بدی ها را بر بدخواهانش وارد ساز و ماده و ریشه فسادشان را، از وجود مبارک او دور گردان

و دل هایشان را نسبت به آن جناب، مرعوب و ترسان ساز و گام های آنان را برای حضرتش، لرزان فرمای و آشکارا و ناگهانی آنان را [به عذاب بگیر و عقوبتت را بر آن ها شدید گردان و در میان بندگانت، خویشان ساز و در بلاد خویش لعنتشان کن و در پست ترین ذرک های جهنم جایشان ده و سخت ترین عذابت را بر آن ها فرود آور و به آتششان بسوزان و گورهای مردگانشان را پر آتش کن و آن ها را به دوزخ واصل ساز، که آن ها نماز راضای گذاشتند و پیروی از شهوت ها نمودند و بندگانت را خوار (گمراه) ساختند.

خدایا! و به وجود ولی خودت (حضرت حجت علیه السلام) قرآن را زنده کن و نور سرمدی اش را آن گونه که هیچ تاریکی در آن راه نیابد. به ما بنمایان و به (ظهور) آن بزرگوار، دل های مرده را زنده بگردان و سینه های مؤمنین را که از فراق او مجروح شده، شفا ده و آرای مختلف را به وسیله او بر حق جمع گردان و به (دست باکفایت) او، حدود تعطیل شده و احکام متروک مانده را برپای فرما، تا هیچ حقی نماند مگر این که آشکار شود، و هیچ عدلی مگر این که درخشان گردد. و ای پروردگار! ما را از یاران و تقویت کنندگان حکومتش و ممتثلین امرش و خشنودان از فعلش و تسلیم شوندگان نسبت به فرمان هایش قرار ده و از کسانی که هیچ نیازی به تقیه ندارند و (در اجرای احکام الهی) از خلق تو بیمی به دل راه ندهند. تو هستی ای پروردگار! که بدی (سختی) را برطرف می سازی و بیچاره را هرگاه تو را بخواند اجابت می نمایی و از بالای سخت نجات می دهی. پس ای پروردگار! هرگونه گزند را از ولی خویش برطرف فرمای و او را خلیفه در زمینت قرار ده، چنان که برایش تضمین کرده ای.

خدایا! مرا از ستیزجویان با آل محمد و از دشمنان آل محمد قرار مده و مرا از

کینه توزان و خشم کنندگان بر آل محمدعلیهم السلام قرار مده، که البته من از این امر به تو پناه می برم، پس مرا پناه ده. و به درگاه تو پناهنده می شوم، پس مرا در حمایت خود بدار. خدایا! بر محمد و آل محمدعلیهم السلام درود فرست و مرا به وجود آنان نزد خودت، در دنیا و آخرت رستگار و پیروز گردان و از مقرّبان در گاهت قرار ده. و ای پروردگار عالمیان! دعایم را مستجاب فرمای.

توجه: سید اجل علی بن طاووس رحمه الله در کتاب «جمال الاسبوع» هنگام یاد کردن دعای فوق و تشویق و ترغیب بر آن در روز جمعه بعد از نماز عصر، چنین گفته: «و این چیزی است که شایسته است هر گاه از تمام آنچه یاد آور شدیم، از تعقیب عصر روز جمعه عذری داشته باشی، مبدا که این دعا را واگذاری، که ما البتّه این را از فضل خداوند - جلّ جلاله - دانستیم که آن را به ما اختصاص داده، پس بر آن اعتماد کن...» (۱) سپس دعای یاد شده را با سندی که پیش تر آوردیم ذکر کرده، و این سخن دلالت می کند بر این که فرمانی در این باره از سوی مولایمان حضرت صاحب الزمان - عجل الله فرجه الشریف - به او صادر گردیده است، و این از کرامت ها و مقامات سید بن طاووس رحمه الله بعید نیست که خداوند از برکات والای خویش بر او افزای فرماید.

## ۴ - دعای قنوت

### دعای قنوت

و از جمله دعاهاى رسیده در طلب فرج مولایمان حضرت قائم مهدی

ص: ۶۹

- عَجَلُ اللَّهِ فرجه الشريف - دعای قنوت است که از مولایمان حضرت امام حسن بن علی عسکری علیهما السلام روایت شده، که شیخ طوسی رحمه الله در کتاب های «مصباح» و «مختصر المصباح» در باب دعاهاى قنوت نماز وتر آورده، و نیز سید بن طاووس رحمه الله در کتاب «مهج الدعوات» در باب قنوت های امامان معصوم علیهم السلام یاد کرده. و ظاهر بعضی روایات چنین است که به وقت خاصی محدود نیست، هرچند، بهتر آن است که در بهترین اوقات و احوال به آن دعا گردد. و از روایت سید و غیر او، چنین به دست می آید که این دعا در دفع ظلم و یاری جستن برای مظلوم تأثیر تامی دارد، بلکه می توان از آن استفاده کرد که از جمله فواید دعا برای فرج حضرت صاحب الزمان علیه السلام و درخواست ظهور و پیروزی آن جناب، دفع ستمگر و خلاصی از آزار و سلطه او می باشد. سید بن طاووس رحمه الله هنگام یاد آوردن دعای مشارالیه گفته: «و آن حضرت - یعنی امام زکّی حسن بن علی عسکری علیهما السلام - در قنوت خود چنین دعا فرمود و اهل قم را به آن امر نمود، هنگامی که از موسی بن بُغا شکایت داشتند».

مؤلف کتاب «مَنَح البرکات» - که شرح مهج الدعوات است - از کتاب «اعلام الوری فی تسمیه القری» تألیف ابوسعید اسماعیل بن علی سمعانی حنفی حکایت کرده که: موسی بن بُغا، فرزند کَلیب فرزند شمر فرزند مروان فرزند عمرو بن غطه از دژخیمان متوکل و امرای آن پلید بود و فرمانداری قم را از سوی متوکل به عهده داشت، و این خبیث همان کسی است که متوکل را بر می انگیخت که قبر مولای مظلوممان حضرت ابی عبد الله الحسین علیه السلام را خراب و کشت نماید، و او ستمگری خونخوار و لجام گسیخته بود، بیش از ده

سال بر شهر و مردم قم حکومت داشت، مردم قم از او به شدت می ترسیدند، چون او دشمن سرسخت امامان علیهم السلام بود و در میان مردم فساد ایجاد می کرد و آن ها را به کشتن تهدید می نمود و تصمیم این کار را هم گرفته بود، که از دست او، به مولایمان حضرت حسن بن علی عسکری علیهما السلام شکایت کردند، پس آن حضرت آنان را امر فرمود تا نماز مظلوم به جای آرند و با این دعا بر او نفرین کنند، هنگامی که این فرمان را به جای آوردند، خداوند او را نابود کرد و خدای عزیز مقتدر او را به ناگاه از میان برداشت و یک چشم برهم زدن هم او را مهلت نداد.

می گویم: این بود گفتار صاحب کتاب «مَنَحَ الْبَرَكَاتِ» که چون فارسی بود معنی آن را نقل کردم، و او چگونگی نماز مظلوم را یاد نکرده، و ما آنچه را در کتاب «مَکَارِمِ الْأَخْلَاقِ» یافته ایم در اینجا یاد آور می شویم. یک جای کتاب مذکور از جمله نمازهایی که یاد آورده از امام صادق علیه السلام ضمن حدیثی است که: «هر گاه بر تو ظلم شد، پس غسل کن و دو رکعت نماز بگزار در جایی که چیزی تو را از آسمان محجوب نسازد، سپس بگو: «اللَّهُمَّ إِنَّ فُلَانًا بَنَ فُلَانٍ ظَلَمَنِي وَلَيْسَ لِي أَحَدٌ أَصُولُ بِهِ غَيْرُكَ، فَاسْتَوْفِ لِي ظُلَامَتِي السَّاعَةَ بِالْإِسْمِ الَّذِي سَأَلْتُكَ بِهِ الْمُضْطَرُّ، فَكَشَفْتَ مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَمَكَّنْتَ لَهُ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْتَهُ خَلِيفَتِكَ عَلَى خَلْقِكَ فَاسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَسْتَوْفِيَ لِي ظُلَامَتِي السَّاعَةَ» (۱)؛ خداوندا! فلانی پسر فلانی به من ظلم کرد و هیچ

ص: ۷۱

کس جز تو را ندارم که به وسیله او چیره شوم، پس برای من حقی که به ستم از من گرفته شده، به طور کامل بازستان، همین ساعت، همین ساعت، به آن اسمی که بیچاره مضطرّ به آن تو را برخواند، پس آنچه ناراحتی داشت از او برطرف ساختی و او را در زمین توان بخشیدی و او را خلیفه بر خلقت قرار دادی، پس از تو مسألت دارم که بر محمد و آل محمد علیهم السلام درود فرستی و حقّ به ستم گرفته شده مرا به طور تمام و کمال همین ساعت بازستانی، همین ساعت».

امام صادق علیه السلام فرمود: پس به درستی که دیری بر تو نخواهد گذشت تا این که آنچه دوست داری ببینی.

و در جای دیگر از کتاب «مکارم الاخلاق» گفته: «نماز مظلوم: دو رکعت نماز با هر سوره ای از قرآن که بخواهی به جای می آوری و هر قدر که بتوانی بر محمد و آل او درود می فرستی سپس می گویی: «اللَّهُمَّ إِنَّ لَكَ يَوْمًا تَنْتَقِمُ فِيهِ لِمَظْلُومٍ مِنَ الظَّالِمِ لَكِنَّ هَلَعِي وَجَزَعِي لَا يَبْلُغَانِ بِي الصَّبْرَ عَلَى أَنَا تَتَّكُ وَحِلْمِكَ، وَقَدْ عَلِمْتِ أَنَّ فُلَانًا ظَلَمَنِي وَاعْتَدَى عَلَيَّ بِقُوَّتِهِ عَلَى ضَعْفِي فَأَسْأَلُكَ يَا رَبَّ الْعِزَّةِ وَقَاسِمِ الْأَزْزَاقِ وَقَاصِمِ الْجَبَابِرَةِ وَنَاصِرِ الْمَظْلُومِينَ أَنْ تُرِيَهُ قُدْرَتَكَ أَفْسَيْتُ عَلَيْكَ يَا رَبَّ الْعِزَّةِ السَّاعَةَ»؛ (۱) خدایا! به درستی که تو را روزی هست که در آن روز برای مظلوم از ظالم انتقام می گیری، ولی ناشکیبایی و بیتابی ام نمی گذارند که بر حلم و بردباری تو صبر کنم، و البته تو می دانی که فلانی بر من ستم نموده و با زورمندی اش بر ناتوانی ام تعدّی کرده است، پس ای پروردگار عزیز و تقسیم کننده روزی ها و درهم

ص: ۷۲

کوبنده ستمگران و یاری کننده مظلومان! از تو می خواهیم که قدرتت را به او نشان دهی. تو را سوگند می دهم ای صاحب عزت! همین ساعت، همین ساعت.

### نماز دیگر

محمد بن الحسن صفار به طور مرفوع روایت کرده که راوی گوید: به او (امام علیه السلام) عرضه داشتم: فلانی ستم کننده بر من است، فرمود: وضوی درست بگیر و دو رکعت نماز به جای آور و خدای متعال را ثنا بگو و بر محمد و آل او درود بفرست، سپس بگو: «اللَّهُمَّ إِنَّ فُلَانًا ظَلَمَنِي وَبَغَى عَلَيَّ فَأَبْلِهِ بِفَقْرٍ لَا تُجْبِرُهُ وَبِسُوءٍ لَا تَسْتُرُهُ»

خدایا! به درستی که فلانی بر من ستم و بر حَقِّم تجاوز کرده است، پس او را به فقری که جبرانش نکنی و بدی که از او برکنار نسازی دچار گردان. راوی گوید: همین کار را کردم، آن ظالم به پیسی گرفتار شد.

و در روایت دیگری آمده که (امام علیه السلام) فرمود: هر مؤمنی که بر وی ظلم شود، پس وضو گرفته و دو رکعت نماز به جای آورد، سپس بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي مَظْلُومٌ فَانْتَصِرْ»؛ پروردگارا! من مظلوم هستم، مرا یاری کن. و ساکت شود، جز این نیست که خداوند به زودی او را نصرت دهد. (۱)

و در جای دیگر همان کتاب، از یونس بن عمار آمده که گفت: به حضرت ابی عبد الله امام صادق علیه السلام از دست مردی که مرا اذیت می کرد، شکایت کردم، فرمود: بر او نفرین کن. عرضه داشتم: او را نفرین کردم. فرمود: نه این چنین، بلکه از گناهان کنده شو و روزه بگیر و نماز بخوان و صدقه بده، پس هرگاه

ص: ۷۳



آخر شب شود وضوی کاملی بگیر، سپس برخیز دو رکعت نماز به جای آور، آن گاه در حال سجده بگو: «اللَّهُمَّ إِنَّ فُلَانَ بْنَ فُلَانٍ قَدْ آذَانِي. اللَّهُمَّ اسْقِمْ يَدَيْهِ وَأَقْطَعْ أَثَرَهُ وَأَنْقِضْ أَجَلَهُ وَعَجِّلْ ذَلِكَ فِي عَامِهِ هَذَا»؛ (۱) خدایا! همانا فلانی پسر فلانی مرا اذیت کرده. خداوندا! بدنش را بیمار و اثرش را قطع و عمرش را کوتاه کن و این را در همین سال بر او برسان. راوی گوید: پس این کار را کردم، دیری نیاید که هلاک گشت.

و در جای دیگر همان کتاب آمده، فرمود: غسل کن و دو رکعت نماز بگزار و زانوهایت را بیرون آور و در جلو جای نماز قرار بده و صد بار بگو: «يا حَيُّ يا قَيُّوْمُ يا حَيُّ لا اِلهَ اِلاَّ اَنْتَ بِرَحْمَتِكَ اَسْتَنْعِثُ فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْنِنِي السَّاعَةَ السَّاعَةَ»؛ ای خدای زنده پایدار! ای زنده ای که هیچ معبود حقی جز تو نیست! به رحمت تو پناه می برم، پس بر محمد و آل محمد علیهم السلام درود فرست و همین ساعت، همین ساعت به فریادم برس. پس هر گاه از آن فراغت یافتی، بگو: «أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَلْطِيفَ لِي وَأَنْ تَغْلِبَ لِي وَأَنْ تَمُكِّرَ لِي وَأَنْ تَخْدَعَ لِي وَأَنْ تَكْفِينِي مَوْتَهُ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ»؛ (۲) بار خدایا! از تو مسألت دارم که بر محمد و آل محمد علیهم السلام درود فرستی و این که درباره من لطف کنی و مرا چیره سازی و برای من مکر فرمایی و برای من خدعه کنی و کید نمایی و از شر فلانی پسر فلانی خلاصم سازی. فرمود: این دعای پیغمبر صلی الله علیه و آله روز اُحد بود.

## دعای قنوت

### قسمت اول

و اما دعای مورد بحث چنین است: «الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا لِنِعْمَاتِهِ وَاسْتِئْذَانًا لِمَزِيدِهِ وَاسْتِخْلَاصًا بِهِ دُونَ غَيْرِهِ وَعِيَاذًا بِهِ مِنْ كُفْرَانِهِ وَالْإِلْحَادِ فِيهِ

ص: ۷۴

۱- ۴۹. مکارم الأخلاق، ۳۳۲.

۲- ۵۰. مکارم الأخلاق، ۳۳۹.

عَظَمَتِهِ وَكِبْرِيَاءِهِ حَمِيدٌ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّ مَا بِهِ مِنْ نِعْمَائِهِ [نِعْمَاءٌ] أَفْضَلُ مِنْ عِنْدِ رَبِّهِ وَمَا مَسَّهُ مِنْ عُقُوبَتِهِ فَبَسُوهُ جِنَايَهُ يَدِهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِهِ وَرَسُولِهِ وَخَيْرَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ وَذَرِيعَةِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى رَحْمَتِهِ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَوَلَاةِ أَمْرِهِ. اللَّهُمَّ إِنَّكَ نَدَبْتَ إِلَى فَضْلِكَ وَأَمَرْتَ بِعُدَائِكَ وَضَمَنْتَ الْإِجَابَةَ لِعِبَادِكَ وَلَمْ تُخَيِّبْ مَنْ فَرَعَ إِلَيْكَ بِرَغْبَتِهِ وَقَصَدَ إِلَيْكَ بِحَاجَتِهِ وَلَمْ تَرْجِعْ يَدَ طَالِبِهِ صَفْراً مِنْ عَطَايَتِكَ وَلَا خَائِبَهُ مِنْ نَحْلِ هَيَاتِكَ، وَأَيُّ رَاحِلٍ رَاحِلٍ إِلَيْكَ فَلَمْ يَجِدْكَ قَرِيباً أَوْ [أَيُّ] [وَأَوْتِدٍ] وَفَدَّ عَلَيْكَ فَاقْتَطَعْتُهُ عَوَاقِبُ الرَّدِّ دُونَكَ بَلْ أَيُّ مُخْتَفِرٍ مِنْ فَضْلِكَ لَمْ يُمْهِهِ فَيُضْضِ جُودَكَ، وَأَيُّ مُسْتَنْبِطٍ لِمَزِيدِكَ أَكْدَى دُونَ اسْتِمَاحِهِ سِجَالِ عَطِيَّتِكَ. اللَّهُمَّ وَقَدْ قَصَيْدْتُ إِلَيْكَ بِرَغْبَتِي وَقَرَعْتُ بَابَ فَضْلِكَ يَدُ مَسْأَلَتِي وَنَاجَاكَ بِخُشُوعِ الْإِسْتِثْنَاءِ قَلْبِي وَوَجَّهْتُكَ خَيْرَ شَفِيعٍ لِي إِلَيْكَ وَقَدْ عَلِمْتُ مَا يَحْدُثُ مِنْ طَلِبَتِي قَبْلَ أَنْ يَخْطُرَ بِفِكْرِي أَوْ يَقَعَ فِي خَلْمِي، فَصَلِّ اللَّهُمَّ دُعَائِي إِيَّاكَ بِإِجَابَتِي وَأَشْفَعْ مَسْأَلَتِي بِنُجْحِ طَلِبَتِي. اللَّهُمَّ وَقَدْ شَمَلْنَا زَيْغَ الْفِتَنِ وَاسْتَتَوَلَّتْ عَلَيْنَا عَشْوَةُ الْحِيرَةِ وَقَارَعَنَا الذُّلُّ وَالصَّغَارُ وَحَكَمَ عَلَيْنَا غَيْرُ الْمَأْمُومِينَ فِي دِينِكَ وَابْتَرَّ أُمُورَنَا مَعَادِنُ الْأَبْنِ مِمَّنْ عَطَّلَ حُكْمَكَ وَسَيَّحَى فِي إِتْلَافِ عِبَادِكَ وَإِفْسَادِ بِلَادِكَ. اللَّهُمَّ وَقَدْ عَادَ فَيْئْنَا دَوْلَهُ بَعْدَ الْقِسْمِ وَإِمَارَتُنَا غَلَبَهُ بَعْدَ الْمَشُورَةِ وَعَمِدْنَا مِيرَاثاً بَعْدَ الْإِخْتِيَارِ لِلأُمَّةِ فَاشْتَرَيْتِ الْمَلَاهِي وَالْمِعَازِفُ بِسَيِّئِهِمُ الْيَتِيمِ وَالْأَرْمَلِ وَحَكَمَ فِي أَبْشَارِ الْمُؤْمِنِينَ أَهْلُ الذَّمِّ وَوَلَّى الْقِيَامَ بِأُمُورِهِمْ فَاسْتَقُ كُلُّ قَبِيلِهِ فَلَا ذَائِدَ يَذُودُهُمْ عَنْ هَلَكِهِ وَلَا رَاعٍ يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ بِعَيْنِ الرَّحْمَةِ وَلَا ذُو شَفَقَةٍ يُشْفِعُ الْكَبِدَ الْحَرِيَّ مِنْ مَسْخَعِهِ، فَهَمْ أُولُو ضَرْعٍ بَدَارٍ مُضَيَّعِهِ وَأُسْرَاءُ مَسْكَنِهِ وَحُلَفَاءُ كَأَبِهِ وَذَلَّهُ. اللَّهُمَّ وَقَدْ اسْتَحْصَدَ زَرْعَ الْبَاطِلِ وَبَلَغَ نَهَايَتَهُ

وَاسِدٍ تَحْكَمَ عَمُودُهُ وَاسِدٍ تَجْمَعُ طَرِيدُهُ وَخَذِرَفَ وَوَيْدَهُ وَبَسَقَ فَرْعُهُ وَضَرِبَ بِجِرَانِهِ. اللَّهُمَّ فَأَنْخِ لَهُ مِنَ الْحَقِّ يَدًا حَاصِدَةً تُصْعِدُ [تَصْرَعُ  
 ] قَائِمَهُ وَتَهْشِمُ سُوقَهُ وَتَجْبُ سِنَانَهُ وَتَجْدَعُ مَرَاغِمَهُ لَيْسَ تَخْفَى الْبَاطِلُ بِقُبْحِ صُورَتِهِ وَيُظْهِرَ الْحَقُّ بِحُسْنِ حَلِيَّتِهِ. اللَّهُمَّ وَلَا تَدْعُ لِلْجُورِ  
 دِعَامَهُ إِلَّا قَصَمْتَهَا وَلَا جُنَّةً إِلَّا هَتَكْتَهَا وَلَا كَلِمَةً مُجْتَمِعَةً إِلَّا فَرَقْتَهَا وَلَا سَرِيَّةً ثَقِيلًا إِلَّا خَفَفْتَهَا وَلَا قَائِمَةً عَلُوًّا إِلَّا حَطَطْتَهَا وَلَا رَافِعَةً عِلْمَ  
 إِلَّا نَكَّسْتَهَا وَلَا- خَضْرَاءَ إِلَّا أَبْرَتَهَا. اللَّهُمَّ فَكَوِّرْ شَمْسَهُ وَحُطِّ نُورَهُ وَأَطْمِسْ ذِكْرَهُ وَارْزَمْ بِالْحَقِّ رَأْسَهُ وَفُضِّ جُيُوشَهُ وَأَرْعِبْ قُلُوبَ  
 أَهْلِهِ. اللَّهُمَّ وَلَا تَدْعُ مِنْهُ بَقِيَّةً إِلَّا أَفْنَيْتَ وَلَا بُنْيَةً إِلَّا سَوَيْتَ وَلَا حَلَقَةً إِلَّا قَصَيْتَ [فَصَيْمَتْ] وَلَا سِلَاحًا إِلَّا أَكَلْتِ وَلَا حَيْدًا إِلَّا فَلَكَتِ  
 ] أَفْلَكَتِ وَلَا- كُرَاعًا إِلَّا اجْتَحَتِ وَلَا حَامِلَةً عِلْمَ إِلَّا نَكَّسَتْ. اللَّهُمَّ وَأَرِنَا أَنْصَارَهُ عِبَادِيَدَ بَعِيدَ أَلْفِهِ وَشَتَّى بَعِيدَ اجْتِمَاعِ الْكَلِمَةِ وَمُقْنَعِي  
 الرُّؤْسِ بَعِيدَ الظُّهُورِ عَلَى الْأُمَّةِ وَأَسْفِرْ لَنَا عَنْ نَهَارِ الْعَدْلِ وَأَرِنَاهُ سَيْرَ مَدَائِلِ ظُلْمِهِ فِيهِ وَنُورًا لَا شُوبَ مَعَهُ وَأَهْطِلْ عَلَيْنَا نَاشِدَتَهُ وَأَنْزِلْ  
 عَلَيْنَا بَرَكَتَهُ وَأَدِلْ لَهُ مِمَّنْ نَاوَاهُ وَأَنْصِرْهُ عَلَى مَنْ عَادَاهُ. اللَّهُمَّ وَأُظْهِرْ [بِهِ الْحَقَّ وَأَضْيِجْ بِهِ فِي غَسَقِ الظُّلْمِ وَبُهْمِ الْحَيْرَةِ. اللَّهُمَّ وَأَحْيِ  
 بِهِنَّ الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ وَاجْمَعْ بِهِنَّ الْأَهْوَاءَ الْمُتَفَرِّقَةَ وَالْأَرْءَاءَ الْمُخْتَلِفَةَ وَأَقِمْ بِهِنَّ الْحُدُودَ الْمُعْطَلَةَ وَالْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ وَأَشْبِعْ بِهِنَّ الْخِمَاصَ  
 السَّاعِبَةَ وَأَرْخِ بِهِنَّ الْأَبْدَانَ اللَّاعِبَةَ الْمُتَعَبَةَ، كَمَا أَلْهَجْتَنَا بِذِكْرِهِ وَأَخْطَرْتَ بِإِلَانَا دُعَاؤَكَ لَهُ وَوَفَّقْتَنَا لِلدُّعَاءِ إِلَيْهِ وَحْيَاشَهُ أَهْلَ الْغَفْلَةِ عَنْهُ  
 وَأَسِيكَتَ فِي قُلُوبِنَا مَحَبَّتَهُ وَالطَّمَعِ فِيهِ وَحُسْنَ الظَّنِّ بِحُكِّ لِقَامِهِ مَرَاسِمِهِ. اللَّهُمَّ فَآتِ لَنَا مِنْهُ عَلَى أَحْسَنِ يَقِينٍ يَا مُحَقِّقَ الظُّنُونِ  
 الْحَسَنَةِ وَيَا مُصَدِّقَ الْأَمَالِ الْمُبْطِنَةِ [الْمُبْطِنَةِ]. اللَّهُمَّ وَأَكْذِبْ بِهِنَّ الْمُتَأَلِّينَ عَلَيْكَ فِيهِ وَاخْلُفْ بِهِنَّ الظُّنُونَ الْقَانِطِينَ مِنْ

رَحْمَتِكَ وَالْآيِسِينَ مِنْهُ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا سَبِيًّا مِنْ أَسْيَابِهِ وَعَلَمًا مِنْ أَعْلَامِهِ وَمَعْقَلًا مِنْ مَعَاقِلِهِ وَنَضْرًا وَجُوهَنَا بِتَحْلِيلَتِهِ وَأَكْرَمَنَا بِنُضْرَتِهِ  
وَاجْعَلْ فِيْنَا خَيْرًا تُظَهِّرُنَا لَهُ وَبِهِ وَلَا تُشْمِتْ بِنَا حَاسِدِي النِّعَمِ وَالْمُتَرَبِّصِينَ بِنَا حُلُولِ النَّدَمِ وَنُزُولِ الْمَثَلِ فَقَدْ تَرَى يَا رَبُّ بِرَأْتِهِ سَاحَتِنَا  
وَخُلُوقَ ذُرْعِنَا مِنَ الْإِضْمَارِ لَهُمْ عَلَى إِحْنِهِ وَالتَّمَنَّى لَهُمْ وَقُوعِ جَائِحِهِ وَمَا تَنَازَلَ مِنْ تَخَصُّصِهِمْ بِالْعَافِيَةِ وَمَا أَضْبَعُوا لَنَا مِنْ انْتِهَازِ  
الْفُرْصَةِ وَطَلَبِ الْوُثُوبِ بِنَا عِنْدَ الْغَفْلَةِ، اللَّهُمَّ وَقَدْ عَرَفْنَا مِنْ أَنْفُسِنَا وَبَصَّرْنَا مِنْ عُيُوبِنَا خِلَالَ- نَخْشَى أَنْ تَقْعِدَ بِنَا عَنْ اِشْتِهَارِ  
[اِسْتِيهَالِ] اِجَابَتِكَ وَأَنْتَ الْمُتَفَضِّلُ عَلَى غَيْرِ الْمُسْتَحِقِّينَ وَالْمُتَبَدِّئِ بِالْإِحْسَانِ غَيْرِ السَّائِلِينَ، فَأْتِ لَنَا فِي أَمْرِنَا عَلَى حَسَبِ كَرَمِكَ  
وَجُودِكَ وَفَضْلِكَ وَامْتِنَانِكَ إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ إِنَّا إِلَيْكَ رَاغِبُونَ وَمِنْ جَمِيعِ ذُنُوبِنَا تَائِبُونَ. اللَّهُمَّ وَالِدَاعِي  
إِلَيْكَ وَالْقَائِمِ بِالْقِسْطِ مِنْ عِبَادِكَ الْفَقِيرِ إِلَى رَحْمَتِكَ الْمُحْتَاجِ إِلَى مَعُونَتِكَ عَلَى طَاعَتِكَ، إِذِ ابْتَدَأْتَهُ بِنِعْمَتِكَ وَالْبَسَيْتَهُ أَثْوَابَ  
كَرَامَتِكَ وَالْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةَ طَاعَتِكَ وَثَبَّتْ وَطَأَتْهُ فِي الْقُلُوبِ مِنْ مَحَبَّتِكَ وَوَفَّقْتَهُ لِلْقِيَامِ بِمَا أَعْمَضَ فِيهِ أَهْلُ زَمَانِهِ مِنْ أَمْرِكَ  
وَجَعَلْتَهُ مَفْرَعًا لِمَظْلُومِي عِبَادِكَ وَنَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ [لَهُ] نَاصِرًا غَيْرَكَ وَمُجَدِّدًا لِمَا عَطَلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ وَمُشِيدًا لِمَا دُثِرَ [رُدًّا]  
مِنْ أَعْلَامِ سِنِينَ نَبِيِّكَ [دِينِكَ] عَلَيْهِ وَآلِهِ سِيَلامِكَ وَصَلَمَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ فَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ فِي حِصَانِهِ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ  
وَأَشْرَقِ بِهِ الْقُلُوبَ الْمُخْتَلِفَةَ مِنْ بَعَاهِ الدِّينِ وَبَلِّغْ بِهِ أَفْضَلَ مَا بَلَّغْتَ بِهِ الْقَائِمِينَ بِقِسْمِكَ مِنْ أَتْبَاعِ النَّبِيِّينَ. اللَّهُمَّ وَأَذِلِّ بِهِ مَنْ لَمْ  
تُشِيهِمْ لَهُ فِي الرُّجُوعِ إِلَى مَحَبَّتِكَ وَمَنْ نَصَبَ لَهُ الْعِدَاوَةَ وَارْزَمْ بِحَجْرِكَ الدَّمَاعِ مَنْ أَرَادَ التَّأْلِيْبَ عَلَى دِينِكَ بِإِذْلَالِهِ وَتَشْتِيْبِ أَمْرِهِ  
[جَمْعِهِ] وَأَغْضَبْ

لِمَنْ لَا تَرَهُ لَهُ وَلَا طَائِلَهُ وَعَادَى الْأَقْرَبِينَ وَالْأَبْعَدِينَ فِيكَ مَنًّا مِنْكَ عَلَيْهِ لَا مَنًّا مِنْهُ عَلَيْكَ. اللَّهُمَّ فَكَمَا نَصَبَ نَفْسَهُ عَرْضًا فِيكَ  
لِلْأَبْعَدِينَ وَجَادَ بِيَدِلٍ مُهَجَّتِهِ لَكَ فِي الدَّبِّ عَنْ حَرِيمِ الْمُؤْمِنِينَ وَرَدَّ شَرَّ بُعَاةِ الْمُزْتَدِينَ الْمُرَبِّينَ حَتَّى أَخْفَى مَا كَانَ جُهِرَ بِهِ مِنْ  
الْمَعَاصِي وَأَبْدَى مَا كَانَ نَيْدَهُ الْعُلَمَاءُ وَرَأَى ظُهُورِهِمْ مِمَّا أَخَذَتْ مِيثَاقَهُمْ عَلَى أَنْ يُبَيِّنُوهُ لِلنَّاسِ وَلَا يَكْتُمُوهُ وَدَعَا إِلَى إِفْرَادِكَ  
بِالطَّاعَةِ وَأَنْ لَا يَجْعَلَ لِمَكَ شَرِيكًا مِنْ خَلْقِكَ، يَغْلُو أَمْرُهُ عَلَى أَمْرِكَ مَعَ مَا يَتَجَرَّعُهُ فِيكَ مِنْ مِرَارَاتِ الْغَيْظِ الْجَارِحِ بِمَوَاسٍ  
[بِحَوَاسٍ، بِحَوَاشِي الْقُلُوبِ وَمَا يَغْتَوِرُهُ مِنَ الْغُيُومِ وَيَفْرُغُ عَلَيْهِ مِنْ أَحْدَاثِ الْخُطُوبِ وَيَشْرَقُ بِهِ مِنَ الْغُصَصِ الَّتِي لَا تَبْتَلِعُهَا الْحُلُوقُ  
وَلَا تَخْنُو عَلَيْهَا الضُّلُوعُ مِنْ نَظَرِهِ إِلَى أَمْرٍ مِنْ أَمْرِكَ وَلَا تَنَالُهُ يَدُهُ بِتَغْيِيرِهِ وَرَدَّهُ إِلَى مَحِيَّتِكَ. فَاشْدُدِ اللَّهُمَّ أَرْزُهُ بِنَصِيرِكَ وَأَطْلُ  
بَاعَهُ فِيمَا قَصُرَ عَنْهُ مِنْ أَطْرَادِ الزَّاتِعِينَ حِمَاكَ وَزِدَّهُ فِي قُوَّتِهِ بِسَيْطِهِ مِنْ تَأْيِيدِكَ وَلَا تُوحِشْنَا مِنْ أَنْسِهِ وَلَا تَخْتَرِمُهُ دُونَ أَمَلِهِ مِنْ  
الصَّلَاحِ الْفَاشِي فِي أَهْلِ مِلَّتِهِ وَالْعِيْدِلِ الظَّاهِرِ فِي أُمَّتِهِ. اللَّهُمَّ وَشَرِّفْ بِمَا اسْتَقْبَلَ بِهِ مِنَ الْقِيَامِ بِأَمْرِكَ لَدَى مَوْقِفِ الْحِسَابِ مَقَامَهُ  
وَسِرِّ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى لِمَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤُوسِهِ وَمَنْ تَبِعَهُ عَلَى دَعْوَتِهِ وَأَجْزِلَ لَهُ عَلَى مَا رَأَيْتَهُ قَائِمًا بِهِ مِنْ أَمْرِكَ ثَوَابَهُ وَأَبْنِ قُرْبَ  
دُنُوهِ مِنْكَ فِي حَيَاتِهِ وَارْحَمْ اسْتِكَانَتَنَا مِنْ بُعْدِهِ وَاسْتِخْذَانَنَا لِمَنْ كُنَّا نَقْمَعُهُ بِهِ إِذْ أَفْقَدْنَا وَجْهَهُ وَبَسَطْتَ أَيْدِي مَنْ كُنَّا نَبْسُطُ أَيْدِيَنَا  
عَلَيْهِ لِنَرُدَّهُ عَنْ مَعْصِيَتِهِ وَافْتِرَاقَنَا بَعْدَ الْأَلْفِ وَالْإِجْتِمَاعِ تَحْتَ ظِلِّ كَنْفِهِ وَتَلَهْفُنَا عِنْدَ الْفَوْتِ عَلَى مَا أَفْقَدْنَا عَنْهُ مِنْ نَصِيرَتِهِ وَطَلَبْنَا مِنَ  
الْقِيَامِ بِحَقِّ مَا لَا سَبِيلَ لَنَا إِلَى رَجْعَتِهِ. وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ فِي أَمْنٍ مِمَّا يُشْفِقُ عَلَيْهِ مِنْهُ وَرُدَّ عَنْهُ مِنْ سِهَامِ الْمَكَائِدِ مَا يُوجِّهُهُ أَهْلُ الشَّنَانِ  
إِلَيْهِ وَإِلَى شُرَكَائِهِ فِي

أَمْرِهِ وَمُعَاوِنِيهِ عَلَى طَاعَةِ رَبِّهِ الَّذِينَ جَعَلْتَهُمْ سِلَاحَهُ وَحِصْنَهُ وَمَفْرَعَهُ وَأَنْسَهُ الَّذِينَ سَلَوْا عَنِ الْأَهْلِ وَالْأَوْلَادِ وَجَفَوْا الْوَطْنَ عَطَلُوا  
 الْوَتِيرَ مِنَ الْمِهَادِ وَرَفَضُوا تِجَارَاتِهِمْ وَأَصْرُوا بِمَعَايِشِهِمْ وَقَفَدُوا فِي أَنْدِيَّتِهِمْ بِغَيْرِ غَيْبِهِ عَنْ مَضِيرِهِمْ وَحَالَفُوا الْبَعِيدَ مِمَّنْ عَاذَهُمْ  
 عَلَى أَمْرِهِمْ وَقَلَبُوا الْقَرِيبَ مِمَّنْ صَدَّ عَيْنَ وَجْهِتِهِمْ [عَنْهُمْ وَعَنْ جِهَتِهِمْ] فَهَاتِلُوا بَعِيدَ التَّدَابُرِ وَالتَّقَاتِعِ فِي دَهْرِهِمْ وَقَطَعُوا [قَلَعُوا  
 الْأَسْيَابَ الْمُتَّصِلَةَ بِعَاجِلِ حُطَامِ الدُّنْيَا فَاجْعَلُهُمُ اللَّهُمَّ فِي أَمْنٍ حَزْرِكَ وَظِلِّ كَنْفِكَ وَرُدِّ عَنْهُمْ بَأْسَ مَنْ قَصِدَ إِلَيْهِمْ بِالْعَدَاوَةِ مِنْ  
 عِبَادِكَ وَأَجْزِلْ لَهُمْ عَلَى دَعْوَتِهِمْ مِنْ كِفَايَتِكَ وَمَعُونَتِكَ وَأَمِدَّهُمْ [أَيِّدُهُمْ] بِتَأْيِيدِكَ وَنَصْرِكَ وَأَزْهِقْ بِحَقِّهِمْ بَاطِلَ مَنْ أَرَادَ  
 إِطْفَاءَ نُورِكَ. اللَّهُمَّ وَاثِقْ بِهِمْ كُلَّ أَفْقٍ مِنَ الْأَفَاقِ وَقُطْرٍ مِنَ الْأَقْطَارِ قَسِيطًا وَعِيدَلًا وَمَرْحَمَةً وَفَضْلًا وَاشْكُرْهُمْ عَلَى حَسَبِ كَرَمِكَ  
 وَجُودِكَ وَمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ الْقَائِمِينَ بِالْقِسْطِ مِنْ عِبَادِكَ وَأَذْخَرْتَ لَهُمْ مِنْ ثَوَابِكَ مَا تَرَفَعَ لَهُمْ بِهِ الدَّرَجَاتِ إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ  
 وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ (١) وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ [الْأَطْهَارَ]. اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُ هَذِهِ النُّدْبَةَ امْتَحَتْ دَلَالَتَهَا  
 وَدَرَسَتْ أَعْلَامُهَا وَعَفَتْ آلَاءُ ذِكْرِهَا وَتَلَاوَهَ الْحُجَّةُ بِهَا. اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُ بَيْنِي وَبَيْنَكَ مُشْتَبِهَاتٍ تَقْطَعُنِي دُونَكَ، وَمُبْطِنَاتٍ تُقْعِدُنِي  
 عَنْ إِجَابَتِكَ، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ عَيْدَكَ لَا يَزْحَلُ إِلَيْكَ إِلَّا بَزَادٍ وَإِنَّكَ لَا تُحْجِبُ عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ تُحْجِبَهُمُ الْأَعْمَالُ دُونَكَ، وَقَدْ  
 عَلِمْتُ أَنَّ زَادَ الرَّاحِلِ إِلَيْكَ، عَزْمُ إِرَادِهِ يَخْتَارُكَ بِهَا وَيَصْتَبِرُ [فَيَصْتَبِرُ] بِهَا إِلَى مَا يُؤَدِّي إِلَيْكَ. اللَّهُمَّ وَقَدْ نَادَاكَ بِعَزْمٍ إِرَادَهُ قَلْبِي  
 وَاسْتَبَقِي نِعْمَتَكَ

ص: ٧٩

١ - ٥١. تا اینجا طبق روایت مهج الدعوات پایان دعا است. و بقیه در مصباح المتعجد ١٣٧ - ١٤٤ و مختصر المصباح آمده است. { مؤلف }

بِفَهْمِ حُجَّتِكَ لِسَانِي وَمَا تَيْسَّرَ لِي مِنْ إِرَادَتِكَ. اللَّهُمَّ فَلَا اخْتِرَالَ عَنكَ وَأَنَا أُوْمُكُ، وَلَا اخْتِلَاجَ عَنكَ وَأَنَا أَتَحْرَاكُ. اللَّهُمَّ وَأَيُّدُنَا بِمَا تَسْتَخْرِجُ بِهِ فَاقَهُ الدُّنْيَا مِنْ قُلُوبِنَا وَتَنْعَشُنَا مِنْ مَصَارِعِ هَوَانِهَا [هَوَاهَا] وَتَهْدِمُ بِهِ عَنَّا مَا شِيدَ مِنْ بُيَانِهَا، وَتَسْقِينَا بِكَأْسِ السَّلْوَةِ عَنهَا حَتَّى تُخَلِّصَنَا لِعِبَادَتِكَ وَتُورِثَنَا مِيرَاثَ أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ ضَرَبْتَ لَهُمُ الْمَنَازِلَ إِلَى قَصِيدِكَ وَأَنْسَتَ وَحَشَتَهُمْ حَتَّى وَصَلُوا إِلَيْكَ. اللَّهُمَّ وَإِنْ كَانَ هَيَوَى مِنْ هَوَى الدُّنْيَا أَوْ فِتْنَةٌ مِنْ فِتْنِهَا عَلِقَ بِقُلُوبِنَا حَيْتِي فَطَعْنَا عَنكَ أَوْ حَجَبْنَا عَنْ رِضْوَانِكَ أَوْ قَعِدْنَا عَنَ إِجَابَتِكَ. اللَّهُمَّ فَاقْطَعْ كُلَّ حَبَلٍ مِنْ حِبَالِهَا جَذَبْنَا عَنْ طَاعَتِكَ وَأَعْرَضَ بِقُلُوبِنَا عَنْ أَدَاءِ فَرَائِضِكَ وَاسْتَقِينَا عَنْ ذَلِكَ سَلْوَةً وَصَبْرًا يُورِدُنَا عَلَى عَفْوِكَ وَيُقَوِّمُنَا [وَيُقَدِّمُنَا] عَلَى مَرْضَاتِكَ إِنَّكَ وَلِيُّ ذَلِكَ. اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنَا قَائِمِينَ عَلَى أَنْفُسِنَا بِأَحْكَامِكَ، حَتَّى تَسْقِطَ عَنَّا مَوْنَ الْمَعَاصِي وَاقْمَعَ الْأَهْوَاءَ أَنْ تَكُونَ مُشَاوِرَةً [مُسَاوِرَةً] وَهَبْ لَنَا وَطِيَّ آثَارِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَاللُّحُوقَ بِهِمْ حَتَّى يَرْفَعَ الدِّينَ [حَتَّى تَرْفَعَ لِلدِّينِ أَعْلَامًا] أَعْلَامَهُ ائْتِنَاءَ الْيَوْمِ الَّذِي عِنْدَكَ. اللَّهُمَّ فَامُنَّنْ [فَمَنْ عَلَيْنَا بِوَطِيَّ آثَارِ سَلْفِنَا وَاجْعَلْنَا خَيْرَ فَرْطٍ لِمَنْ ائْتَمَّ بِنَا فَإِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَذَلِكَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ [النَّبِيِّ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَبْرَارَ] وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا]؛ حمد مخصوص خداوند است به جهت شکر نعمت هایش، و به خاطر استدعای فزونی اش و خالص شدن تنها برای او به عنایت او و به ذات اقدسش پناه بردن، از این که کفران نعمت هایش انجام گردد، و به عظمت و کبریایی اش الحاد شود، حمد کسی که می داند آنچه نعمت دارد، از پروردگارش می باشد و هر آنچه از عقوبت او به وی می رسد، بر اثر کارهای ناشایست

خودش و از دست اعمالش می رسد. و درود خداوند بر حضرت محمد بنده و رسول او، برگزیده از خلقش و وسیله مؤمنین به سوی رحمت الهی، و بر آل اوعلیهم السلام که ولی امر اویند.

خدایا! تو به فضلت فرا خواندی و به دعایت امر فرمودی و برای بندگانت اجابت دعا را ضمانت کردی، و هرکس که با رغبت به سوی تو آمد و حاجت به درگاه تو آورد، ناامید نساختی و هیچ دست حاجت خواهی را خالی از عطایت بازنگردانیدی و از بخشش ها و مراحمت ناامید نفرمودی، و کدام رَوَندۀ ای به درگاه تو روی آورد و تو را نزدیک نیافت، یا کدام وارد شونده بر تو وارد گردید و مواعی او را از رسیدن به تو بازداشت؟! بلکه کدام کاوشگر از فضل تو به فیض جود تو سیراب نگشت و کدام تلاشگر افزون خواه از عطای سیل آسای تو نومید باز گردید؟!

خدایا! و من با درخواستم به سوی تو روی آورده ام و درر فضل تو را با دست مسألت خویش کوییده ام، و دلم با خشوع بیچارگی با تو راز همی گوید و تو را بهترین شفیع خودم نزد تو یافته ام، هر حاجت که برایم پدید می آید، پیش از آن که به اندیشه ام راه یابد یا از ذهنم بگذرد، می دانی. پس ای پروردگار! دعایم را به اجابت مقرون و متصل گردان و درخواستم را با رسیدنم به مقصود همراه ساز.

خدایا! و همانا انحراف فتنه ها ما را فرا گرفت و پرده حیرت بر ما فرو افتاد و خواری و کوچکی بر سر ما کوفته شد، و کسانی که در امر دین تو امانتدار نیستند، بر ما حکومت کردند و امور ما را کانون های ابنه در ربودند؛ کسانی که حکم تو را تعطیل گذاشته و به از بین بردن بندگان و به فساد کشیدن بلاد تو اهتمام نموده اند.



خدایا! و به درستی که حق ما، پس از تقسیم شدن در دست غاصبان متداول گشت و حکومت بر ما، پس از مشورت به چیره شدن و زورمندی واقع شد و پس از آن که برگزیده ائت بودیم، میراث آن ها شدیم که وسایل لهُو و بازیگری با سهم یتیم و بیوه خریداری گردید و اهل ذمه بر مردم مؤمن حکومت یافتند و فاسقان هر قبيله عهده دار امور آنان گشتند، که نه دفاع کننده ای هست، تا آن ها را از هلاکت دور سازد و نه سرپرستی که به آنان، با دیده مهر بنگرد و نه صاحب مهربانی که جگر تفتیده را از گرسنگی برهاند و آن را سیر کند. پس آنان با خواری در خانه گمشده ای واقع شده اند و گرفتار فقر و همنشین اندوه و ذلت می باشند.

خدایا! و کشتار باطل را فصل درو فرار رسید و رشد آن مرحله نهایی اش را طی کرد و پایه اش را محکم ساخت و فراریانش را فراهم آورد و نوزادش به سرعت بزرگ و شاخه اش بلند گردید و همه جا را فرا گرفت.

خدایا! دست درو کننده ای از حق برآور که آن را فرو افکند و ساقه اش را خرد سازد و مواضع قدرتش را منهدم کند و بینی اش را به خاک بمالد، تا باطل باچهره کریهش مخفی گردد و حق با صورت زیبایش آشکار شود.

خدایا! و برای ستم هیچ ستونی بر جای نگذار، مگر این که آن را درهم بشکنی و هیچ سپری را، مگر این که از میان برداری و هیچ مجمع باطلی را، مگر این که پراکنده سازی و هیچ دسته مسلّحی را، مگر این که خلع سلاح فرمایی و هیچ پایه بلندی، مگر این که آن را فرو افکنی و هیچ پرچم افراشته ای را، مگر این که سرنگونش سازی و هیچ سرسبزی را، مگر این که نابود گردانی.

خدایا! خورشید ستم را تاریک و روشنی اش را زایل و یادش را محو گردان، و به وسیله حق، سر آن را جدا کن و لشکریانش را هلاک ساز و دل های اهل آن را ترسان فرمای.

خدایا! و از برای آن باقیمانده ای مگذار، جز این که بر باد فنا دهی و هیچ بنیادی، مگر این که با خاک یکسان نمایی و هیچ رشته ای را، مگر این که از هم بگسلی و هیچ اسلحه ای، مگر این که آن را ضعیف سازی و هیچ تیزی را، مگر این که گند نمایی و هیچ زمین دوردستی را، مگر این که تحت نفوذ حق قرار دهی و هیچ بردارنده پرچمی، مگر این که سرنگون سازی.

خدایا! و یاران باطل را پس از الفت به هم، در حالی که دشمن یکدیگر شده باشند، به ما بنمایان و بعد از آن که با یکدیگر متحدند، پراکنده شان ساز و پس از آن که بر ائمت غالب گردیده اند، سرافکنده گردان و روز عدل و داد را آشکار فرمای و آن را همیشگی قرار ده،

### قسمت دوم

که شبی در پی آن نیاید و نوری که هیچ چیز دیگری، بر آن نیامیزد و از نخستین ابر آن، ما را برخوردار ساز و برکتش را بر ما فرو ریز و آن را بر ستیزه جویان با وی غالب گردان و بر هر کس که با وی دشمن باشد، پیروزش بگردان.

خدایا! و حق را به وی آشکار و صبح آن را در تاریکی های سخت و حیرت های دشوار تابناک فرمای. خداوندا! و دل های مرده را به او زنده کن و هواهای پراکنده و آراء مختلف را به او جمع و فراهم گردان و حدود تعطیل شده و احکام متروک مانده را به او برپا ساز و شکم های گرسنه مستمند را به او سیر گردان و بدن های خسته شده را به او راحت ببخشی، همچنان که زبان ما را به یاد او گرداندی و دعا کردن برای او را در

اندیشه هایمان نشاندی و دعوت کردن و جمع نمودن و سوق دادن غافلان را به سوی او، به ما توفیق دادی و محبتش را در دل های ما افکندی و خواستن او و گمان نیک نسبت به تو برای برپا ساختن مراسمش را در وجود او قرار دادی.

خدایا! پس برای ما وجود او را بر بهترین باورها پدید آور، ای تحقق دهنده گمان های نیک و ای راست آورنده امیدهای پوشیده!

خدایا! و بر کسانی که درباره او نسبت به کار تو به تردید افتاده اند، حقیقت امر را روشن ساز و گمان های ناامیدان از رحمت تو و مأیوسان از او را برخلاف درآور.

خدایا! ما را وسیله ای از وسایل او و نشانه ای از نشانه های او و پناه گاهی از پناه گاه های او قرار ده، و ما را از آبرومندان دوران او به شمار آور و به یاری کردنش گرامیمان بدار و به برکت او در وجود ما سودی برای او قرار ده و مگذار که حسودان نعمت ها و آنان که در انتظار شکستمان نشسته اند و آرزوی گرفتار شدنمان را دارند، ما را شماتت کنند که ای پروردگار! تو می بینی که از قدرت ما خارج است و از دستمان بر نمی آید، که با دشمنان در آویزیم و در پی نابودی و هلاکتشان بر آییم؛ و نیز می بینی که تمام وسایل راحتی برای آن ها فراهم است و نسبت به ما، چه کینه ها که پنهان داشته اند و در انتظار فرصت هستند و در پی یورش بردن علیه ما، هنگام غافل ماندنمان می باشند.

خدایا! و تو ما را از خودمان آگاه ساخته ای و از عیب هایمان، خصلت هایی را به ما نشان داده ای، که بیم داریم آن ها شایستگی اجابت تو را از ما سلب کنند و همانا تو بر کسانی که سزاوار نیستند تفضّل داری و بر غیر خواهندگان نیز، احسان آغاز می کنی؛

پس بر اساس کرم و جود و فضل و مرحمت، نیاز ما را برآورده ساز، که به درستی تو، آنچه بخواهی انجام می دهی و هر آنچه اراده کنی حکم می نمایی، ما به سوی تو زاری می کنیم و از تمام گناهانمان توبه می نماییم.

خدایا! و آن دعوت کننده به سوی تو، و برپا کننده قسط و داد از بندگان تو، که نیازمند رحمت تو و محتاج کمک به تو بر اطاعت، که تو نعمت را بر او آغاز فرموده ای و جامه های گرامیداشتت را بر اندامش پوشانیده ای، و مهر فرمانبرداری ات را بر او افکنده ای و جایگاه محبتت را در دل ها، به وسیله او محکم فرموده ای و به برپا داشتن آنچه اهل زمانش از امر تو چشم پوشیده اند، توفیقش داده ای، و پناه گاه بندگان مظلومت ساخته ای، و یاری کننده هر آن کس که یآوری جز تو نمی یابد، و تجدید کننده هر آنچه از احکام کتاب تو تعطیل مانده، و بنا کننده آنچه از نشانه های سنت پیغمبرت - که بر او و خاندانش سلام و درود و رحمت و برکات تو باد - خراب (یا ردّ) شده است. پس ای پروردگار! او را از شرّ تجاوزگران در حفظ و حمایت بگیر، و دل هایی که از دست ستم کنندگان به دین انحراف یافته، به او درخشان ساز و به (دست) او به برترین جایگاه هایی که بپاخاستگان به قسط تو، از پیروان پیغمبران رسیده اند، نایل فرمای.

خدایا! و هر آن کس را که سهمی از بازگشت به محبتت برایش قرار نداده ای و هر که در پی دشمنی با او است، به [دست او خوار گردان و هر کس که با خواری او، می خواهد بر دین تو فساد ایجاد کند و جمع او را پراکنده سازد، را به سنگ شکننده ات گرفتار کن و به خاطر کسی که به جهت خودش، با هیچ نزدیک و دور و خویشاوند و بیگانه کینه و دشمنی ندارد و دشمنی او با خویش و بیگانه در راه تو است، به خاطر او غضب کن؛ البته تو بر او منت داری نه این که از او بر تو منتی باشد.

خدایا! پس همچنان که او خود را در راه تو، معرض آزار بیگانگان قرار داد و جان خویش را به خاطر حمایت از حریم مؤمنین، به راه تو سپرد و شرّ ستمگران مرتدّ تردید کننده را دفع کرد، تا این که گناہانی که آشکار شده بود مخفی داشت و آنچه علما پشت سر افکنده بودند - از اموری که پیمان گرفته بودی آن ها را برای مردم بیان سازند و کتمان نکنند - آشکار نمود و به اقرار به اطاعت تو (یا تنها تو را اطاعت کردن) و این که احدی از آفریدگانت را با تو شریک نمایند - که او بر امر تو برتری داده شود - دعوت کرد، با چشیدن همه تلخی های خشم، که دل ها را جریحه دار می سازد و آنچه پیاپی از غم ها برای او پیش می آید و مصیبت های تازه ای که پیوسته بر او فرو می ریزد و غصّه های غیر قابل تحمّلی که از گلوها فرو نمی شوند و مردمان تاب کشیدن بار آن ها را ندارند، از جهت نظر افکندنی بر یکی از دستورات مخالفت شده تو، که [به سبب حجاب غیبت تغییر و بازگرداندنش به آنچه خواسته تو است، از دستش بر نمی آید.

خدایا! پس کمرش را با یاری ات بر بند و نسبت به آنچه پیش از این نمی توانست انجام دهد، یعنی دور راندن چرا کنندگان در نعمت هایت، دستش را باز گردان و نیرویش را با تأییدت گسترش بخش و ما را با محروم شدن از انس به او، به وحشت مینداز و او را از آرزوی صلاح فراگیرنده اهل آیین او و عدالت آشکار شونده در امتش باز مدار.

خدایا! و به جهت آنچه از امر تو پیداشته، در ایستگاه حساب (روز قیامت) جایگاهش را والا قرار ده، و پیغمبرت محمد - که درود تو بر او و آل او باد - را به دیدارش شاد گردان و نیز پیروان دعوت آن حضرت را (به دیدار او) مسرور ساز و بر

آنچه از امرت که می بینی او به پای می دارد، پاداشش را افزون کن و نزدیک بودنش را نسبت به خویش، در زندگانی اش آشکار فرمای و به بیچارگی ما در غیبت او و سر فرود آوردنمان برای کسی که به وجود آن جناب او را خوار می داشتیم، چون چهره اش را از ما پنهان ساختی بر ما رحم کن؛ و نیز کسانی که دست های ما بر آن ها باز بود تا از عصیان تو آنان را بازداریم، دست هایشان را بر ما گستردی و بعد از اجتماع و اُلفت در زیر سایه عنایت او پراکنده شدیم و افسوسمان را به هنگام مرگ، به جهت این که توفیق یاری او نصیبمان نشد و درخواستمان حقوقی را که ضایع گردیده و قابل تدارک نیست، رحم کن.

خدایا! و او را از آنچه بر وی از آن ترسیده می شود، در امان بدار و تیرهای نیرنگی که دشمنان به سوی او و شریکان در امر او و یارانش بر فرمانبرداری پروردگارش متوجه می سازند، از آنان دور گردان، [یارانی] که سلاح و دژ و پناه گاه و مایه انس او قرار داده ای، آنان که خاندان و فرزندان خویش را ترک گفتند و در وطن قرار نگرفتند و بسترهای راحت را وا گذاشتند، از تجارت هایشان روی برگرفتند و به زندگی دنیوی و امر معاش خود بی اعتنا شدند و بی آن که از شهر و دیارشان غایب (و یا بی نیاز) شده باشند از مجالسشان دور ماندند و با افراد بیگانه ای که در امرشان آنان را یاری کنند هم پیمان گشتند و نزدیکانشان را، که از آنان و شیوه شان روی تافتند، ترک نمودند و پس از پشت به هم کردن و جدایی در روزگار، با هم اُلفت گرفتند و از وسایل مربوط به زندگی ناچیز و گذرای دنیا یک باره بریدند.

خدایا! پس آنان را در امان محکم خویش بسپار و در سایه حمایتت قرار ده و آزار

هر کس از بندگانت که قصد دشمنی با ایشان را دارد، از آنان باز گردان و از جهت دعوتشان به سوی تو، کفایت و یاری و تأیید و پیروزی ات را نسبت به آنان بسیار ساز و با یاری و تأییدت آنان را مدد (یاری) کن و با حقّ آنان باطل هر کس که می خواهد نور تو را خاموش سازد، نابود گردان.

خدایا! و هر شهر و دیار و تمام آفاق و اقطار را از قسط و عدل و رحمت و فضل آکنده ساز و بر آنچه سزاوار کرم و جود تو است، آن چنان که بر بپاخاستگان به قسط از بندگانت منت نهاده ای و از ثوابت برایشان ذخیره فرموده ای، اینان را پاداش عطا کن، آن چنان که درجاتشان را بالا ببری، که البته تو آنچه بخواهی انجام می دهی و آنچه اراده کنی حکم می فرمایی؛ و درود خداوند بر برگزیدگان از خلقش حضرت محمد و خاندان پاکیزه اش باد.

خدایا! چنین می یابم که این دعوت دلالت و برکاتش محو گردیده و نیز احتجاج به آن زایل گشت.

خدایا! من میان خودم و تو موارد شبهه ناکی را می یابم، که مرا از تو جدا می سازند و کارهای ناپسندی، که از اجابت تو باز می دارند و من به یقین دانسته ام که بنده تو، جز با همراهی توشه، به سوی تو رهسپار نگردد و تو از خلق خویش پوشیده نمی مانی، جز این که کارهای آنان، ایشان را از تو محجوب می سازد؛ و البته دانسته ام که توشه رهرو به سوی تو، اراده نیرومندی است که تو را به آن اختیار می کند و به وسیله آن در راهی که به تو منتهی می شود، واقع می گردد.

خدایا! و به درستی که با اراده قوی، دلم تو را ندا می کند و زبانم با شناخت حجّت باقی نعمت و آنچه از اراده ات فراهم آید، را می خواهد.

خدایا! پس من از تو بریده نشوم و حال آن که به تو روی می آورم و از تو رانده نگردم، در حالی که در جستجوی تو هستم.

خدایا! و ما را یاری فرمای به وسیله چیزی که به آن، توجه به دنیا را از دل هایمان بیرون کنی و از افتادن به پستی آن، ما را نگهداری و آنچه از دنیا بر زندگی ما ساخته شده، منهدم سازی و جام تسلی یافتن از آن را، به ما بنوشانی، تا این که ما را برای عبادت خالص گردانی و میراث دوستانت را به ما بسپاری، دوستانی که منزلگاه هایی تا به مقصد خودت، برایشان قرار دادی و وحشت آنان را با انس گرفتن با خویش زایل نمودی، تا این که به تو رسیدند.

خدایا! و چنانچه یکی از هواهای دنیوی یا فتنه ای از فتنه های آن، به دل های ما بسته شده است، تا ما را از تو جدا ساخته، یا از خشنودی ات ما را بازداشته، یا از پاسخگویی تو محروممان نموده است، پس ای خدا! هر رشته از رشته های دنیا که ما را از اطاعت کنار کشیده و دل هایمان را از انجام فرایض تو منحرف ساخته، آن را قطع کن و به جای آن، جرعه تسلی و صبر به ما بچشان، که ما را به کنار دریای بخشش برساند و با خشنودی ات ما را پیش برد، که این امر به دست تو است.

خدایا! و ما را با احکام خویش بر خودمان مسلط گردان، تا این که رنج گناهان را از ما کنار زنی و هوس هایمان را از این که مورد مشورت قرار گیرند، سرکوب کن و پیروی از آثار محمد و آل او - که سلام بر او و آنان باد - و پیوستن به آنان را به ما عنایت کن، تا آن که دین پرچم هایش را برافرازد (تا آن که پرچم هایی برای دین برافرازی) به طلب روزی که نزد تو است.



خدایا! بر ما منت بگذار که از آثار پیشینیانمان پیروی کنیم و ما را بهترین پیشگامانی از پیروانشان قرار ده، که تو بر هر چیز توانایی و این بر تو آسان است و تو مهربان ترین مهربانانی! و درود خداوند بر آقایمان حضرت محمد و خاندان پاک پاکیزه نیکوی او باد و سلام خاص خداوند بر آنان باد.

## ۵- دعای ندبه (۱)

از جمله دعاهای ارزنده ای که در این باب روایت شده دعای ندبه است، که در کتاب «زاد المعاد»<sup>(۱)</sup> به حذف سند، از ششمین امامان معصوم علیهم السلام روایت گردیده و خواندن آن در چهار عید - جمعه و فطر و قربان و غدیر - تأکید شده است.

و در «مزار بحار»<sup>(۲)</sup> آن را از سید بن طاووس، از بعضی علمای ما روایت آورده، که گفت: محمد بن علی بن ابی قره گوید: دعای ندبه را از کتاب محمد بن الحسین بن سفیان بزوفری نقل نمودم و یادآور شده که این دعا برای صاحب الزمان - صلوات الله علیه - است و مستحب است که در عیدهای چهارگانه این دعا خوانده شود.

و نیز عالم اجل نوری رحمه الله در کتاب «تحیة الزائر» از «مصباح الزائر»<sup>(۳)</sup> سید بن طاووس و «مزار» محمد بن المشهدی، از محمد بن علی بن ابی قره، به نقل از

ص: ۹۰

---

۱- ۵۲. زادالمعاد، ۴۹۱ - ۵۰۴.

۲- ۵۳. بحارالانوار، ۱۰۲ / ۱۱۰ - ۱۰۴.

۳- ۵۴. مصباح الزائر. ۲۳۰ - ۲۳۴.

کتاب «بزوفری» این دعا را روایت نموده است. و همچنین نوری رحمه الله آن را از کتاب «مزار» قدیم روایت کرده و افزوده که در شب جمعه نیز - همچون عیدهای چهارگانه - خواندنش مستحب می باشد.

سَمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ [الَّذِیْ لَا اِلهَ اِلَّا هُوَ وَ لَهُ الْحَمْدُ] رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلٰی [سَیِّدِنَا] مُحَمَّدٍ نَبِیِّهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ  
تَسْلِیْمًا، اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلٰی مَا جَرٰی بِهٖ قَضَاؤُكَ فِیْ اَوْلِیَاۤئِكَ الَّذِیْنَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَ دِیْنِكَ اِذْ اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزِیْلَ مَا  
عِنْدَكَ مِنَ النِّعَمِ الْمُقِیْمِ الَّذِیْ لَا زَوَالَ لَهٗ وَ لَا اَضْمِحْلَالَ بَعِیْدٍ اَنْ شَرَطْتَ عَلَیْهِمُ الرَّهْیْدَ فِیْ دَرَجَاتِ هَذِهِ الدُّنْیَا الدَّیْنِیَّةِ وَ زُخْرُفِهَا  
زِبْرَجِهَا فَشَرَطُوا لَكَ ذَلِكَ وَ عَلِمْتَ مِنْهُمْ الْوَفَاۤءَ بِهٖ فَقَبِلْتَهُمْ وَ قَرَّبْتَهُمْ وَ قَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِیَّ وَ الثَّنَاءَ الْجَلِیَّ وَ اَهْبَطْتَ عَلَیْهِمْ  
مَلَائِكَتِكَ وَ اَكْرَمْتَهُمْ [اَكْرَمْتَهُمْ بِوَحِیِّكَ وَ رَفَدْتَهُمْ بِعِلْمِكَ وَ جَعَلْتَهُمُ الدَّرِیْعَةَ [الذَّرَائِعَ] اِلَیْكَ وَ الْوَسِیْلَةَ اِلٰی رِضْوَانِكَ فَبَعْضُ  
سَكَتِكَ جَنَّتَكَ اِلٰی اَنْ اُخْرِجْتَهُ مِنْهَا وَ بَعْضُ حَمَلْتَهُ فِیْ فَلَکِكَ وَ نَجَّیْتَهُ وَ مَنْ اَمَّنْ مَعَهُ مِنَ الْهَلٰكَةِ بِرَحْمَتِكَ وَ بَعْضُ اِتَّخَذْتَهُ لِنَفْسِكَ  
خَلِیْلًا- وَ سَمَلْتَكَ لِسَانَ صِدْقٍ فِی الْاٰخِرِیْنَ فَمَا جَبَّتْهُ وَ جَعَلْتَ ذَلِكَ عَلَیْنَا وَ بَعْضُ كَلَّمْتَهُ مِنْ شَجَرَةٍ تَكْلِیْمًا وَ جَعَلْتَ لَهٗ مِنْ اَخِیهِ رِذًا  
وَ وَزِیْرًا وَ بَعْضُ اَوْلَدْتَهُ مِنْ غَیْرِ اَبٍ وَ اَتَّيْنَتْهُ الْبِیِّنَاتِ وَ اَیَّدْتَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَ كَلَّا [كُلُّ] اَشْرَعْتَ لَهٗ شَرِیْعَةً وَ نَهَجْتَ لَهٗ مِنْهَا جَا وَ تَخَيَّرْتَ  
لَهٗ اَوْصِیَاءً مُّسْتَحْفِظًا بَعِیْدَ مُسْتَحْفِظٍ مِنْ مُدَّةٍ اِلٰی مُدَّةٍ اِقَامَهُ لِدِیْنِكَ وَ حُجَّهً عَلٰی عِبَادِكَ وَ لِنَلَّا یَزُولُ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ وَ یَغْلِبُ الْبَاطِلُ  
عَلٰی اَهْلِهِ وَ لَا یَقُوْلُ اَحَدٌ لَوْ لَا اَرْسَلْتَ اِلَیْنَا رَسُوْلًا مُّنْذِرًا وَ اَقَمْتَ لَنَا عُلَمًا هَادِیًا فَتَتَّبِعْ اٰیَاتِكَ مِنْ قَبْلِ اَنْ نَذَلَّ وَ نَخْزٰی اِلٰی اَنْ اُنْتَهٰیْتَ  
بِالْاَمْرِ اِلٰی حَبِیْبِكَ وَ نَجِیْبِكَ مُحَمَّدٍ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَكَانَ كَمَا انْتَجَبْتُهُ سَيِّدَ مَنْ خَلَقْتُهُ وَصِفْوَهُ مِنْ اصْطَفَيْتُهُ وَأَفْضَلَ مَنْ اجْتَبَيْتُهُ وَأَكْرَمَ مَنْ اعْتَمَدْتُهُ قَدَمْتُهُ عَلَى أَنْبِيَائِكَ وَبَعَثْتُهُ إِلَى الثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبَادِكَ وَأَوْطَأْتُهُ مَشَارِقَكَ وَمَغَارِبَكَ وَسَخَّرْتَ لَهُ السُّبْرَةَ وَعَرَّجْتَ بِهِ [بِرُوحِهِ] إِلَى سَمَائِكَ وَأَوْدَعْتُهُ عِلْمَ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ إِلَى انْقِضَاءِ خَلْقِكَ ثُمَّ نَصَرْتَهُ بِالرُّعْبِ وَخَفَّفْتَهُ بِجَبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَالْمُسَوِّمِينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَوَعَدْتَهُ أَنْ تُظَهَرَ دِينُهُ عَلَى السَّادِينَ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ وَذَلِكَ بَعْدَ أَنْ بَوَّأْتَهُ مَبُوءَ صِدْقٍ مِنْ أَهْلِهِ وَجَعَلْتَ لَهُ وَلَهُمْ أَوْلَ بَيْتٍ ضَعَّ لِلنَّاسِ لِلَّذِي بِيَكِّهِ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامَ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَقُلْتَ «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» [ثُمَّ] وَجَعَلْتَ أَجْرَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَرُودَتُهُمْ فِي كِتَابِكَ فَقُلْتَ: «قُلْ لَأَسْئَلَنَّكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَقُلْتَ: «مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ» وَقُلْتَ: «مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَى رَبِّهِ سَبِيلًا» فَكَانُوا هُمْ السَّبِيلَ إِلَيْكَ وَالْمَسِيلَ إِلَى رِضْوَانِكَ فَلَمَّا انْقَضَتْ أَيَّامُهُ أَقَامَ وَلِيُّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا هَادِيًا إِذْ كَانَ هُوَ الْمُنْذِرُ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ فَقَالَ وَالْمَلَأُ أَمَامَهُ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَانصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَقَالَ: مَنْ كُنْتُ أَنَا نَبِيَّهُ فَعَلِيٌّ أَمِيرُهُ، وَقَالَ: أَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ شَجَرِهِ وَاحِدِهِ وَسَائِرِ النَّاسِ مِنْ شَجَرِ شَتَّى وَأَحَلَّهُ مَحَلَّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى فَقَالَ: أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَزَوْجُهُ ابْنَتُهُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَأَحَلَّ لَهُ مِنْ مَسْجِدِهِ مَا حَلَّ لَهُ وَسَيِّدَ الْأَبْوَابِ إِلَّا بَابَهُ ثُمَّ أَوْدَعَهُ عِلْمَهُ وَحِكْمَتَهُ فَقَالَ: أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا فَمَنْ أَرَادَ [الْمَدِينَةَ وَ] الْحِكْمَةَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا ثُمَّ قَالَ:

أَنْتَ أَخِي وَوَصِيِّي وَوَارِثِي لِحَمِّكَ مِنْ لَحْمِي وَدَمِّكَ مِنْ دَمِي وَسَلْمُكَ سَلْمِي وَحَرْبُكَ حَرْبِي وَالْإِيمَانُ مُخَالِطُ لِحَمِّكَ وَدَمِّكَ  
كَمَا خَالَطَ لَحْمِي وَدَمِّي وَأَنْتَ غَدًا عَلَى الْحَوْضِ خَلِيفَتِي وَأَنْتَ تَقْضِي دِينِي وَتُنْجِزُ عِدَاتِي وَتَشْتَعُتْكَ عَلَى مَنْابِرٍ مِنْ نُورِ مُبِيضَةٍ  
وَجُوهُهُمْ حَوْلِي فِي الْجَنَّةِ وَهُمْ جِيرَانِي، وَلَوْلَا- أَنْتَ يَا عَلِيُّ لَمْ يُعْرِفِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِي وَكَانَ بَعْدَهُ هَيْدَى مِنَ الضَّلَالِ وَنُورًا مِنَ  
الْعَمَى وَحَبِيبَ اللَّهِ الْمَيِّتِينَ وَصِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمَ لَا- يُسْبِقُ بِقَرَابِهِ فِي رَحِمٍ وَلَا- بِسَابِقِهِ فِي دِينٍ وَلَا- يُلْحَقُ فِي مَنْقَبِهِ مِنْ مَنْاقِبِهِ يَخِذُوا  
خِيَارَ الرُّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا وَيُقَاتِلُ عَلَى التَّوْبِيلِ وَلَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ قَدْ وَتَرَ فِيهِ صَاحِبَ نَادِيدِ الْعَرَبِ وَقَتْلَ أَبْطَالِهِمْ  
وَنَاوَشَ ذُؤَابَانَهُمْ فَأَوْدَعَ قُلُوبَهُمْ أَحْقَادًا بَدْرِيَّةً وَخَيْبَرِيَّةً وَحَنْبِيَّةً وَغَيْرَهُنَّ فَأَضَبَّتْ عَلَى عِدَاوَتِهِ وَأَكْبَتْ عَلَى مُنَابَذَتِهِ حَتَّى قَتَلَ النَّاكِثِينَ  
وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ وَلَمَّا قَضَى نَحْبَهُ وَقَتْلَهُ أَشَقَى الْآخِرِينَ يَشْبَعُ أَشَقَى الْأَوَّلِينَ لَمْ يُمْتَلِ أَمْرُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي  
الْهَادِينَ بَعْدَ الْهَادِينَ وَالْأُمَّةُ مُصْطَرَّةٌ عَلَى مَقْتِهِ مُجْتَمِعَةٌ عَلَى قَطِيعِهِ رَحِمِهِ وَإِقْصَاءِ وَلَعْدِهِ إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفِي لِرِعَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ فَكُتِلَ  
مَنْ قُتِلَ وَسَبِيَ مِنْ سُبَى وَأُقْصِيَ مِنْ أُقْصَى وَجَزَى الْقَضَاءَ لَهُمْ بِمَا يُرْجَى لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَةِ إِذْ كَانَتِ الْأَرْضُ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ  
مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَسُبْحَانَ رَبَّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبَّنَا لَمَفْعُولًا وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ فَعَلَى الْأَطَائِبِ مِنْ  
أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا فَلْيَبْكُوا الْبَاكُونَ وَإِيَاهُمْ فَلْيَنْدُبِ النَّادِبُونَ وَلِمِثْلِهِمْ فَلْيَذْرِفِ الدَّمُوعَ وَلْيَضْرِبْ رُخَّ  
الصَّارِخُونَ وَيَضْحَكُوا الضَّاحِكُونَ وَيَعْجَبُوا الْعَاجِبُونَ أَيْنَ الْحَسَنُ أَيْنَ الْحُسَيْنُ أَيْنَ أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ وَصَادِقٌ بَعْدَ صَادِقٍ أَيْنَ  
السَّبِيلُ بَعْدَ

السَّبِيلِ أَيْنَ الْخَيْرِ بَعِيدَ الْخَيْرِ أَيْنَ الشَّمْسِ الطَّالِعِ أَيْنَ الْأَقْمَارِ الْمُنِيرِ أَيْنَ الْأَنْجُمِ الزَّاهِرِ أَيْنَ أَعْلَامِ الدِّينِ وَقَوَاعِدِ الْعِلْمِ أَيْنَ بَقِيَّةِ  
اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ عِثْرِهِ الطَّاهِرِ [الْهَادِيَةِ] أَيْنَ الْمُعِيدِ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمِ أَيْنَ الْمُنتَظِرِ لِإِقَامَةِ الْأَمْنِ وَالْعَوَجِ أَيْنَ الْمُزْتَجِي لِإِزَالِهِ  
الْجَوْرِ وَالْعِيدُونَ أَيْنَ الْمُدْخِرِ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ أَيْنَ الْمُتَخَيِّرِ لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ أَيْنَ الْمُؤَمِّلِ لِإِحْيَاءِ الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ  
أَيْنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِهِ أَيْنَ قَاصِمِ شَوْكِهِ الْمُعْتَدِينَ أَيْنَ هَادِمِ أُبْتِيهِ الشُّرُوكِ وَالنِّفَاقِ أَيْنَ مُبِيدِ أَهْلِ الْفُسُوقِ وَالْعِضْيَانِ  
وَالطُّغْيَانِ أَيْنَ حَاصِدِ فُرُوعِ الْغَيِّ وَالشَّقَاقِ أَيْنَ طَامِسِ آثَارِ الزَّرِيعِ وَالْأَهْوَاءِ أَيْنَ قَاطِعِ حَبَائِلِ الْكِذْبِ وَالْإِفْتِرَاءِ أَيْنَ مُبِيدِ الْعِتَاهِ وَالْمَرَدِّ  
أَيْنَ مُسْتَأْصِلِ أَهْلِ الْعِنَادِ وَالْتِضْمِيلِ وَالْإِلْحَادِ أَيْنَ مُعْزِ الْأَوْلِيَاءِ وَمُذِلِّ الْأَعْدَاءِ أَيْنَ جَامِعِ الْكَلِمِ [الْكَلِمَةِ] عَلَى التَّقْوَى أَيْنَ بَابِ اللَّهِ  
الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى أَيْنَ وَجْهِ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ أَيْنَ السَّبَبِ الْمُتَّصِلِ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ أَيْنَ صَاحِبِ يَوْمِ الْفَتْحِ وَنَاشِئِ  
رَايَاتِ [رَايَةِ] الْهُدَى أَيْنَ مُؤَلَّفِ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَالرِّضَا أَيْنَ الطَّالِبِ بِذُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَأَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ أَيْنَ الطَّالِبِ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءِ  
أَيْنَ الْمَنْصُورِ عَلَى مَنْ اعْتَدَى عَلَيْهِ وَأَفْتَرَى أَيْنَ الْمُضْطَرِّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَى أَيْنَ صِدْرِ الْخَلَائِقِ ذُو الْبِرِّ وَالتَّقْوَى أَيْنَ ابْنِ النَّبِيِّ  
الْمُضِيغِ وَابْنِ عَلِيِّ الْمُزْتَضَى وَابْنِ خَدِيجَةَ الْعَرَاءِ وَابْنِ فَاطِمَةَ الْكُبْرَى بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي وَنَفْسِي لَكَ الْوَقَاءُ وَالْحِمَى يَا بَنِي السَّادَةِ  
الْمُقَرَّبِينَ يَا بَنِي النَّجْبَاءِ الْأَكْرَمِينَ يَا بَنِي الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ يَا بَنِي الْخَيْرِ الْمُهَيَّبِينَ يَا بَنِي الْغَطَارِفَةِ الْأَنْجَبِينَ يَا بَنِي الْأَطَائِبِ الْمُطَهَّرِينَ يَا بَنِي  
الْخَضَارِمَةِ الْمُتَجَبِّينَ يَا بَنِي الْقِمَاقِمَةِ الْأَكْرَمِينَ يَا بَنِي الْبُدُورِ الْمُنِيرِ يَا بَنِي السُّرُجِ الْمُضِيئِ يَا بَنِي الشُّهْبِ الثَّقِيهِ يَا بَنِي

الأَنْجَمِ الزَّاهِرِ يَابْنَ السُّبُلِ الْوَاضِحِ يَابْنَ الْأَعْلَامِ اللَّائِحِ يَابْنَ الْعُلُومِ الْكَامِلِ يَابْنَ السُّنَنِ الْمَشْهُورِ يَابْنَ الْمَعَالِمِ الْمَأْثُورِ يَابْنَ  
 الْمُعْجَزَاتِ الْمَوْجُودِ [يَابْنَ الدَّلَائِلِ الْمَشْهُودِ] يَابْنَ الصَّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ [يَابْنَ النَّبَأِ الْعَظِيمِ يَابْنَ مَنْ هُوَ فِي أُمَّ الْكِتَابِ لَدَى اللَّهِ عَلِيٌّ  
 حَكِيمٌ يَابْنَ الْآيَاتِ وَالْبَيِّنَاتِ يَابْنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ يَابْنَ الْبِرَاهِينِ [الوَاضِحَاتِ] الْبَاهِرَاتِ يَابْنَ الْحُجُجِ الْبَالِغَاتِ [يَابْنَ النَّعْمِ  
 السَّابِغَاتِ يَابْنَ طَهَ وَالْمُحْكَمَاتِ يَابْنَ يَسَ وَالذَّارِيَاتِ [يَابْنَ الطُّورِ وَالْعَادِيَاتِ يَابْنَ مَنْ دَنَى فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى دُنُوًّا  
 وَاقْتِرَابًا مِنَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى لَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ اسْتَفَرَّتْ بِكَ النَّوَى بَلْ أَىْ أَرْضٍ تُقْلِكُ أَوْ الثَّرَى [أَوْ ثَرَى] أَوْ بَرَضَوَى أَوْ غَيْرِهَا أَمْ ذَى  
 طُوَى عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَلَا تُرَى وَلَا أَسْمَعُ لَكَ حَسِيسًا وَلَا نَجْوَى عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ تُحِيطَ بِكَ دُونَى الْبَلْوَى [عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ لَا  
 يُحِيطَ بِي دُونَكَ الْبَلْوَى وَلَا يَنَالُكَ مِنِّي ضَعِيجٌ وَلَا شَكْوَى بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُغَيَّبٍ لَمْ يَخْلُ مِنَّا بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَارِحٍ مَا نَزَحَ عَنَّا  
 بِنَفْسِي أَنْتَ أُمَّتِيهِ شَائِقٌ تَمَنَّى [يَتَمَنَّى مِنْ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنِهِ ذَكَرًا فَحَنَّا بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ عَقِيدٍ عَزٌّ لَا يُسَامَى بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ أَثِيلٍ مَجْدٍ لَا  
 يُجَارَى] [لَا- يُحَادِثُ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ تِلَادٍ نَعَمَ لَا تُضَاهَى بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَصِيفٍ شَرَفٍ لَا يُسَاوَى إِلَى مَتَى أَجَارٌ [أَحَارٌ] فِيكَ يَا  
 مَوْلَايَ وَإِلَى مَتَى وَأَىْ خِطَابٍ أَصْفَ فِيكَ وَأَىْ نَجْوَى عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَجَابَ دُونَكَ وَأَنَاغَى عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَبْكِيكَ وَيَخْذُكَ  
 الْوَرَى عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ يَجْرَى عَلِيَّكَ دُونَهُمْ مَا جَرَى هَلْ مِنْ مُعِينٍ فَأُطِيلَ مَعَهُ الْعَوِيلَ وَالْبُكَاءَ هَلْ مِنْ جَزُوعٍ فَأُسَاعِدَ جَزَعَهُ إِذَا خَلَا  
 هَيْلٌ قَدِيدٌ عَيْنٌ فَسَاعِدَتْهَا [فَتَسِدْهَا] عَيْنِي عَلَى الْقَدَى هَيْلٌ إِلَيْكَ يَابْنَ أَحْمَدَ سَبِيلٌ فَتَلْقَى [فَيَلْقَى] هَيْلٌ يَنْصَلُّ يَوْمًا مِنْكَ  
 بَعْدَهُ [بَعْدَهُ فَنَحْطَى

متى نرُدُّ مناهلكَ الرّويّه فنزوى متى ننتقع من عذب مائك فقد طال الصدى متى نغاديك ونراوحك فتقرُّ [فقرُّ] عينا [عِينا] متى  
 ترانا ونراك وقد نشرت لواء النصير ترى أترانا نحف بك وأنت تأم الملاء وقد ملأت الأرض عدلاً وأذقت أعدائك هواناً وعقاباً  
 وأبرت العتاه وجرده الحيق وقطعت دابر المتكبرين واجتشت أصول الظالمين ونحن نقول الحميد لله رب العالمين اللهم أنت  
 كشاف الكرب والبلوى وإليك أسيتعدى عندك العدو وأنت رب الآخرة والدنيا [والأولى] أفاغث يا غياث المستغيثين عبيدك  
 المبتلى وأره سيده يا شديد القوى وأزل عنه [إبه] الأسي والجوى وبرذ غليله يا من على العرش استوى ومن إليه الرجعى والمنتهى  
 اللهم ونحن عبيدك التائبون إلى وليك المذكر بك وبنيك [الذي خلقته لنا عصمه وملاذاً وأقمته لنا قواماً ومعاداً وجعلته  
 للمؤمنين مناً إماماً فبلغه عنا [منياً] تحية وسلاماً وزدنا بذلك يا رب إكراماً واجعل مسيقره [لنا] مسيقراً ومقاماً وأتمم نعمتك  
 بتقديمك إياه أمامنا حتى توردنا جنانك ومرافقه الشهيد آء من خلصائك. اللهم صل على محمد وآل محمد وصل على محمد  
 جدّه ورَسُولِكَ السَّيِّدِ الْأَكْبَرِ وَعَلَى أَبِيهِ السَّيِّدِ الْأَصْغَرِ وَجَدَّتِهِ الصَّديْقَةِ الْكُبْرَى فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. [اللَّهُمَّ صَلِّ  
 عَلَى حُجَّتِكَ وَوَلِيِّ أَمْرِكَ وَصَلِّ عَلَى جَدِّهِ مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ السَّيِّدِ الْأَكْبَرِ وَصَلِّ عَلَى أَبِيهِ السَّيِّدِ الْقَسْوَرِ وَحَامِلِ اللُّوَاءِ فِي الْمَحْشَرِ  
 وَسَاقِي أَوْلِيائِهِ مِنْ نَهْرِ الْكَوْثَرِ وَالْأَمِيرِ عَلَى سَائِرِ الْبَشَرِ الَّذِي مَنْ آمَنَ بِهِ فَقَدْ ظَفَرَ وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِهِ فَقَدْ خَطَرَ وَكَفَرَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ  
 وَعَلَى أُخِيهِ وَعَلَى نَجْلِهِمَا الْمَيَامِينِ الْغُرَرِ مَا طَلَعَتْ شَمْسٌ وَمَا أَضَاءَ قَمَرٌ وَعَلَى جَدَّتِهِ الصَّديْقَةِ الْكُبْرَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ بِنْتِ

مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ [وَعَلَى مَنْ اصْطَفَيْتَ مِنْ آبَائِهِ الْبِرِّرَةِ وَعَلَيْهِ أَفْضَلُ وَأَكْمَلُ وَأَتَمُّ وَأَدْوَمُ وَأَكْثَرُ] [وَأَكْبَرُ] [وَأَوْفَرُ] مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَائِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَصَلَّ عَلَيْهِ صَلْوَةٌ لَا غَايَةَ لِعَدِّهَا وَلَا نِهَايَةَ لِمَدِّهَا وَلَا نَفَادَ لِأَمْدِهَا. اللَّهُمَّ وَأَقِمْ بِهِ الْحَقَّ وَأُدْحِضْ بِهِ الْبَاطِلَ وَأَدِلْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَأَذِلِّمْ بِهِ أَعْدَائَكَ وَصَلِّ اللَّهُمَّ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ وَصَلِّ لَهُ تُوْدِي إِلَى مُرَافَقِهِ سَلْفِهِ وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجْرَتِهِمْ وَيَمُكُّ فِي ظِلِّهِمْ وَأَعِنَّا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ وَالْإِجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ وَاجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ [وَالِاجْتِنَابِ عَنِ مَعْصِيَتِهِ وَامْتِنُ عَلَيْنَا بِرِضَاهُ وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَدُعَاءَهُ وَخَيْرَهُ مَا نَنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ وَفَوْزاً عِنْدَكَ وَاجْعَلْ صَلَوَتَنَا بِهِ مَقْبُولَةً وَدُنُوبَنَا بِهِ مَغْفُورَةً وَدُعَائَنَا بِهِ مُسْتَجَاباً وَاجْعَلْ أَرْزَاقَنَا بِهِ مَبْسُوطَةً وَهُمُومَنَا بِهِ مَكْفُوتَةً وَخَوَاجِنَا بِهِ مَقْضِيَةً وَأَقْبِلْ إِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَأَقْبِلْ تَقَرُّبَنَا إِلَيْكَ وَانْظُرْ إِلَيْنَا نَظْرَةَ رَحِيمَةٍ نَسْتَتَكَمَّلُ بِهَا الْكِرَامَةَ عِنْدَكَ ثُمَّ لَا تَصْرِفْهَا عَنَّا بِجُودِكَ وَاسْتَقِنَا مِنْ حَوْضِ حَيْدِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِكَأْسِهِ وَيَبْدِهِ رِيّاً رَوِيّاً هَنِيئاً سَائِغاً لَا ظَمّاً بَعْدَهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛ بنام خداوند بخشنده مهربان حمد مخصوص خداوندی است که هیچ معبود حقی جز او نیست، و حمد او را [سزا] است که پروردگار عالمیان است، و درود خداوند بر آقای ما محمد، پیامبر او و خاندانش باد، و سلام خاصی از سوی خداوند [بر او و خاندانش باد].

خداوندا! حمد تو را است بر آنچه قضای تو در مورد اولیای جاری شد، آنانی که برای خودت و دینت خالص کردی، آن گاه که برای ایشان فراوانی نعمت هایت را انتخاب فرمودی، نعمت هایی پایدار که نیستی و از هم گسستگی در آن ها راه نمی یابد،



پس از آن که بر آنان شرط نمودی که نسبت به درجات این دنیای پست و زرق و برق‌ها و زیورهای آن زهد ورزند [و از آن‌ها بپسندند]، پس آنان این شرط را پذیرفتند و دانستی که به آن وفا خواهند کرد، پس ایشان را قبول فرمودی و مقرب درگاه خویش ساختی و یاد بلند و ستایش آشکاری برایشان مقدم داشتی و فرشتگان را بر آنان فرو فرستادی و به وحی خویش گرامیشان داشتی و به علم خود یاریشان فرمودی و ایشان را سبب‌هایی به سوی خویش و وسیله‌ای به رضوانت قرار دادی. آن‌گاه یکی از ایشان را در بهشت خودت سکونت دادی تا آن‌که از آن بیرونش بردی، و یکی را در کشتی [نجات خود نشانده] و او و همراهان با ایمانش را به رحمت خویش از هلاکت نجات دادی، و بعضی از ایشان را خلیل (= دوست صمیمی) برگزیدی و از توی زبانی راستین درخواست کردی، پس خواهشش را به اجابت رساندی و آن زبان راستین را بلندمرتبه قرار دادی، و یکی را از درختی [بدون واسطه سخن‌گفتی و برای او از (وجود) برادرش پشتوانه و وزیری قرار دادی، و یکی را بدون پدر متولد ساختی و دلایل روشنی به او دادی و به روح القدس تأییدش فرمودی، و از برای هر کدام آیینی پدید آوردی و شیوه‌ای ارایه دادی و برای هر یک از آنان جانشینانی اختیار کردی، که یکی پس از دیگری نگهبان آن آیین باشند و مدت معینی این مسؤولیت را به عهده گیرند، تا دین تو پایدار ماند و حجت بر بندگان تمام گردد. و به جهت این که حق از جایگاه خود کنار زده نشود و باطل بر اهل آن چیره نگردد و تا این که مبادا کسی (روز قیامت) بگوید: چرا فرستاده هشدار دهنده‌ای به سوی ما نفرستادی

## دعای ندبه (۲)

و نشانه راهنمایی برایمان برپای نداشتی، تا پیش از آن که به ذلت (گمراهی) و خواری (گناه) واقع شویم، از آیات تو پیروی کنیم.

تا این که امر (دین) را به دوست و برگزیده ات محمد صلی الله علیه و آله سپردی، پس او همچنان که تو او را برگزیدی، آقای مخلوقات تو و عصاره برگزیدگان و بهترین منتخبانت بود، و گرامی ترین کسانی که مورد اعتماد تو بوده اند، او را بر پیغمبرانت (از لحاظ رتبه و مقام) پیشی دادی و به سوی هر دو گروه (انس و جن) از بندگانت برانگیختی و خاورها و باخترهای زمین را از زیر گام هایش گذراندی و بُراق را برای وی مسخر ساختی و او را به آسمان بالا بردی و علم آنچه بود و آنچه خواهد بود تا هنگام به آخر رسیدن آفرینش را به او سپردی، سپس به وسیله هراس (افکندن در دل دشمنانش) یاری اش کردی، و جبرئیل و میکائیل و فرشتگان نشاندارت را پیرامونش قرار دادی و او را وعده فرمودی که دینش را بر همه دین ها چیره و آشکار سازی، هر چند که مشرکین را ناخوش آید. و آن پس از این بود که جایگاه راستینی از جهت خاندانش برایش قرار دادی و برای او و خاندانش نخستین خانه ای که برای مردم نهاده شده بود، مقرر ساختی، [خانه ای که در مکه است بابرکت و هدایتگر جهانیان، در آن است نشانه های روشن مقام ابراهیم، و هر کس در آن وارد شود ایمن خواهد بود. و فرمودی: «به درستی که خداوند می خواهد رجس و پلیدی را از شما اهل بیت دور سازد و شما را پاک گرداند پاک کردنی به سزا». آن گاه مزد محمد - که درود تو بر او و خاندانش باد - را موذت ایشان (اهل بیت) مقرر ساختی، پس در کتاب خویش فرمودی: «بگو [ای پیغمبر!] که بر رسالت مزدی از شما نمی طلبم مگر موذت در حق نزدیکانم را» و فرمودی: «آنچه به عنوان مزد رسالت از شما خواستم به سود خود شما است». و فرمودی: «من از شما مزدی نمی خواهم مگر این که کسی بخواهد به سوی پروردگارش راهی در پیش گیرد» پس آنان (= خاندان پیغمبر) بودند راه به سوی تو

و وسیله رسیدن به رضوان تو. پس چون روزگار [رسالت پیغمبر صلی الله علیه و آله و] دوران عمرش سپری گشت، ولی خودش علی بن ابی طالب - که درود تو بر ایشان و خاندانشان باد - را هدایتگری [برای بعد از خودش] پیداداشت، چه این که او هشدار دهنده بود و هر قومی را هدایت کننده ای هست، پس در حالی که انبوه جمعیت پیش رویش بودند چنین گفت: «هر کس را من مولی هستم، پس علی مولای او است، بار الها! دوست بدار هر که از او پیروی کند و دشمن بدار هر که را که با او به ستیز برخیزد و پیروزمند کن هر که را یاری اش کند و خوار گردان هر که خواری اش خواهد». و فرمود: «هر کس که من پیغمبر او هستم، پس علی امیر او می باشد». و فرمود: «من و علی از یک درخت هستیم، و سایر مردم از درخت های گوناگون». و او را نسبت به خود در منزلت هارون نسبت به موسی قرار داد، پس فرمود: «تو نسبت به من در منزلت و رتبه هارون هستی نسبت به موسی، مگر این که پیغمبری پس از من نیست». و دخترش بزرگ زنان عالمیان را به او تزویج کرد و آنچه از مسجدهش برایش حلال بود، برای او حلال نمود و تمام درها را [که به مسجد باز می شد] بر بست مگر در [منزل او را، و علم و حکمتش را در او به ودیعت سپرد، که فرمود: «من شهر علم هستم و علی در آن شهر است، پس هر آن که مقصدش رسیدن به شهر است و حکمت می خواهد باید که از آن در داخل شود». و به او فرمود: «تو برادر و وصی و وارث من هستی، گوشت تو، از گوشت من است و خون تو، از خون من و مسالمت با تو، مسالمت با من و جنگ با تو، جنگ با من می باشد و ایمان با گوشت و خون تو آمیخته، همچنان که با گوشت و خون من آمیزش یافته است. و تو فردا [ی قیامت] بر حوض [کوثر] [با من و جانشین منی و تو قرض مرا ادا می کنی و وعده هایم را تحقق می بخشی و شیعیان تو بر منبرهایی از نور، چهره هایشان

سپید، پیرامون من در بهشت خواهند بود و همسایگان من هستند. و اگر تو نبودی ای علی! مؤمنین پس از من شناخته نمی شدند، پس [امیر مؤمنان علی علیه السلام بعد از او] پیغمبر صلی الله علیه و آله [هدایتگر از گمراهی و روشنگر از نابینایی بود و ریسمان محکم الهی و راه راست او، نه کسی در نزدیکی او به پیغمبر پیش تر بود و نه احدی در دین از او سابقه دار تر و نه به هیچ یک از افتخار آفرینی هایش دست می رسید، مو به مو در جای پای حضرت رسول گام می نهاد - که درود خداوند بر آن دو و خاندانشان باد - و بر اساس تأویل [با پیمان شکنان و سرکشان و منحرفان جنگ می کرد و ملامت هیچ ملامت کننده ای در راه خداوند او را نمی گرفت، در راه خدا گردن کشان عرب را بی کس گذاشت و پهلوانان آنان را کشت و گرگانشان را به هلاکت رساند، پس در دل های آنان کینه ها سپرد از جهت غزوات بدر و خیبر و حنین و غیر این ها. پس در دشمنی اش برخاستند و در پی زمین زدنش همداستان شدند، تا آن که پیمان شکنان و منحرفان و سرکشان (ناکثین و قاسطین و مارقین) را به قتل رسانید. و چون دورانش سپری گشت و شقاوتمندترین افراد در پسینان، بعد از شقی ترین پیشینیان، آن حضرت را به قتل رسانید، فرمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله در مورد هدایتگران پی در پی اطاعت نگردید و اُمت اصرار داشتند که با او دشمنی کنند و همداستان شدند که رَحِم او را قطع نمایند و فرزندانشان را [از شهر و دیارشان دور سازند، جز عده اندکی از اُمت] که به جهت رعایت حق در مورد آنان وفادار ماندند، پس کشته شد هر آن که [از فرزندان آن جناب] کشته شد، و به اسارت درآمد هر آن که [از ایشان] اسیر گردید، و تبعید شد هر آن که تبعید شد، و قضا برای آنان به گونه ای جریان یافت که امید پاداش نیک برای آن هست، چه این که زمین از آن خداوند است، به هر کس از بندگان که بخواهد آن را به ارث

می دهد و عاقبت کار با تقوای پیشگان است. و خداوند [پروردگاران] از هر گونه نقص و آلائش منزّه است و وعده خداوند حتمی است و به هیچ وجه تخلفی در وعده الهی نیست و او است خدای عزیز حکیم. پس بر پاکیزگان از خاندان محمد و علی - که درود خداوند بر آنان و خاندانشان باد - باید که بگریند گریه کنندگان، و [در محنت ها و ستم هایی که بر آنان رفته باید که مویه کنند مویه کنندگان، و به خاطر چنان بزرگوارانی باید که اشک ها ریخته شود، و می بایست که فریاد برکشند فریاد زندگان، و غوغا نمایند ضجه کنندگان، و ناله سر دهند ناله کنندگان، حسن کجاست؟ حسین کجاست؟ فرزندان حسین کجا شدند؟ نیکویی پس از نیکوی دیگر، و راستگویی پس از راستگوی دیگر؟ کجاست راه [خداوند] پس از راه دیگر؟ کجاست برگزیده بعد از برگزیده ای؟ کجایند خورشیدهای طلوع کرده؟ کجایند ماه های درخشانده؟ کجایند ستارگان تابناک؟ کجایند نشانه های دین و پایه های علم؟ [و بالاخره] کجا است آن حضرت بقیه الله که از عترت هدایتگر بیرون نیست؟ کجا است آن آماده شده برای برکندن دنباله ستمگران؟ کجا است آن انتظار کشیده شده برای راست کردن کجی ها و انحراف ها؟ کجا است آن که برای زایل کردن ستم و تجاوز امید به او است؟ کجا است آن که برای تجدید کردن واجبات و سنت ها ذخیره شده؟ کو آن که برای بازگرداندن آیین و شریعت برگزیده شده؟ کو آن که برای زنده کردن کتاب خدا و حدود آن، آرزو به او است؟ کجا است آن زنده کننده نشانه های دین و اهل دین؟ کجا است درهم شکننده شوکت [و عظمت پوشالی] تجاوزگران؟ کجا است خراب کننده بناهای شرک و نفاق؟ کجا است نابود کننده اهل فسق و گناه؟ کجا است درو کننده شاخه های گمراهی و دو دستگی؟ کجا است فنا کننده اهل سرکشی و طغیان؟ کجا است ریشه

کننده اهل لجبازی و گمراهی و الحاد؟ کجا است عزت دهنده دوستان و خوار کننده دشمنان؟ کجا است وحدت دهنده کلمه بر مبنای تقوی؟ کجا است آن دری که از طریق آن به خداوند راه یافته می شود؟ کجا است آن وجه الله که اولیای خدا به سوی او روی همی آورند؟ کجا است آن سبب پیوسته میان اهل زمین و آسمان؟ کجا است صاحب روز فتح [و پیروزی حقیقی و برافراشاننده پرچم های هدایت؟ کجا است آن که پراکندگی صلاح و خشنودی را فراهم می آورد؟ کجا است آن طلب کننده خون پیغمبران و پیغمبر زادگان؟ کجا است آن انتقام گیرنده خون کشته شده در سرزمین کربلا؟ کجا است آن پیروزمند بر هر کسی که بر حریم او تجاوز کرده و تهمت زده؟ کجا است آن مُضَطَّر [ناچاری که هرگاه دعا کند اجابت می شود؟ کجا است آن صدرنشین خلایق صاحب نیکی و تقوی؟ کجا است فرزند پیغمبر مصطفی صلی الله علیه و آله و فرزند علی مرتضی و فرزند خدیجه بزرگوار و فرزند فاطمه زهرا، بزرگ ترین [بانوان از اولین و آخرین] پدر و مادرم فدایت باد و جانم سپر بلا و حمایت کننده تو باد، ای فرزند آقایان مقرب [درگاه خداوند]! ای فرزند اصیل ترین و بزرگوارترین اهل عالم! ای زاده هدایتگران ره یافته! ای زاده برگزیدگان پاکیزه! ای فرزند شریف ترین مردمان! ای فرزند نیکوترین پاکان! ای فرزند جوانمردان برگزیده! ای فرزند گرامی ترین بزرگواران! ای زاده های تابان! ای زاده چراغ های درخشان! ای زاده شهاب های تابان! ای زاده ستارگان فروزان! ای فرزند راه های روشن به سوی خدا! ای فرزند نشانه های آشکار! ای زاده علوم کامل! ای زاده سنت های مشهور! ای فرزند آثار قید شده (و در زبان انبیا و اولیا آمده)! ای فرزند معجزه های موجود (و پایدار)! ای فرزند راهنمایان مشهود خلق! ای فرزند صراط مستقیم! ای فرزند نبأ عظیم (امیر المؤمنین

علی علیه السلام)! ای فرزند کسی که در علم حق (امّ الكتاب) نزد خداوند دارای برجسته ترین مقام ها و حکمت های الهی است! ای فرزند آیات روشن پروردگار! ای فرزند دلایل آشکار حق! ای زاده برهان های واضح حیرت انگیز! ای فرزند حجّت های بالغه الهی! ای فرزند نعمت های تمام خداوند! ای فرزند طه و محکّمات! ای فرزند یس و ذاریات! ای فرزند طور و عادیات! ای فرزند آن بزرگواری که آن قدر نزدیک شد و پیش رفت، تا این که همچون نزدیکی دو سر کمان یا نزدیک تر شد قُرب او به خداوند اعلی! ای کاش می دانستم که دوری، تو را به کجا کشانیده و آیا کدام سرزمین یا خاک، تو را بر خود برداشته، آیا در زمین رضوی یا غیر آن یا ذو طوی مسکن داری؟ بسیار دشوار است بر من، که همه خلق را بینم و تو دیده نشوی (و از نظرها غایب باشی) و هیچ صدایی و سخنی هر چند آهسته هم از تو نشنوم، بسیار سخت است بر من، که بلاها تو را بدون من احاطه کند و از من به تو ناله و شکایتی نرسد، (بسیار سخت است بر من، که بلاها مرا به جای تو احاطه نکند و هیچ ناله و شکایتی از من به تو نرسد)، جانم فدای تو باد، ای پنهان شده ای که از ما دور نیستی! جانم به قربان تو، ای دور از وطنی که از ما دور نشده! جانم فدای تو، ای آرزوی مشتاقان و مایه امید هر مرد و زن اهل ایمان، که به یاد تو ناله همی زنند! جانم فدایت، ای وابسته به جایگاه بلندی که هیچ کس به آن نتواند رسید! جانم فدایت باد، ای صاحب مجد و شرف که همانندی ندارد! جانم فدایت باد، ای صاحب نعمت های دیرینه که نظیری برایش نیست! جانم فدایت باد، ای رمز شرافت که احدی با آن برابری نتواند کرد. تا به کی ای مولایم! در فراق تو مویه برکشم. تا به کی (تا کی در انتظار تو حیران بمانم تا به کی!) و با کدام گفتار تو را بستایم و چگونه با چه زبانی آهسته با تو سخن بگویم؟ بسیار دشوار است بر من، که از غیر تو پاسخ داده شوم و هم سخن

گردم. بسیار سخت است بر من، که من بر فراق تو بگرییم و مردم تو را واگذارند (و از یاد تو غافل باشند). بر من سخت و دشوار است که بر تو - نه بر دیگران - بگذرد آنچه گذشته است، آیا کسی هست که مرا یاری دهد تا با او هم ناله شوم و مدتی طولانی با هم بگرییم. آیا زاری کننده ای هست که او را در حال تنهایی او، در زاری اش یاری دهیم؟! آیا چشم متألم از فرط گریه ای هست که چشم من او را بر گریستن یاری دهد؟! آیا ای فرزند حضرت احمد (پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله) راهی به سوی تو هست که با تو ملاقاتی صورت گیرد (یا آن راه یافت شود)؟! آیا این روز (تاریک غیبت) به فردای دیدار جمالت می رسد، که ما بهره مند شویم؟! کی می شود که بر چشمه های سیراب کننده ای بر آییم و سیراب گردیم؟! کی شود که از آب زلال (ظهور) تو برخوردار شویم، که تشنگی مان طولانی شد؟! کی شود که هر بامداد و شامگاه به دیدارت مشرف شویم و دیده هایمان روشن گردد؟! کی تو ما را و ما تو را ببینیم، در حالی که پرچم پیروزی برافراشته باشی و آشکارا دیده شوی؟! آیا شود که ما پیرامونت را گرفته باشیم و تو رهبری مردم را عهده دار شده باشی، در حالی که جهان را از عدل و داد پر کرده و دشمنان را خواری و عقوبت چشانده و سرکشان و منکران حق را نابود فرموده باشی و متکبران را ریشه کن ساخته و ستمگران را از بُن براندازی، و ما بگوییم حمد مخصوص پروردگار عالمیان است؟!!

خداوندا! تو بر طرف کننده همه غم ها و بلاها هستی، پس ای فریادرس پناهندگان! دادرسی کن بنده کوچک دچار رنج و بلا را، و آقایش را به او بنمایان، ای خداوند بسیار قدرتمند! و به ظهور او، غم و اندوه و سوز دل را از این بنده ضعیف دور گردان و دل تفتیده (از تشنگی فراقش) را خنک فرمای، ای آن که بر عرش استوار است و بازگشت همه موجودات و نهایت امر به سوی تو است.



خداوندا! و ما بندگان توایم که مشتاق ظهور ولیّ تو هستیم، آن که یادآور تو و پیغمبر تو است، او را برای نگهداری و پاسداری [دین و ایمان ما] آفریدی و او را مایه برپایی و پناه ما پیداشتی و برای مؤمنان از ما، امام قرارش دادی، پس تحیت و سلام ما را به حضرتش برسان و بدین وسیله گرامیداشتت را نسبت به ما افزون گردان و قرارگاه او را جایگاه و منزل ما قرار ده و نعمت را تمام کن، به این که او را پیش روی ما برآوری تا آن که به بهشت هایت واردمان فرمایی و با شهیدان خالص و برگزیده ات رفیق و همنشین نمایی.

خداوندا! بر محمد و آل محمد علیهم السلام درود فرست و بر حضرت محمد، جدّ او، رسالت، بزرگ آقای عالم، درود فرست. و نیز بر پدرش، آقای کوچک، و جدّه اش صدّیقه کبری، فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله.

خداوندا! درود فرست بر حجتِ خودت بر خلق و ولیّ امرت. و درود فرست بر جدّ او محمّد، فرستاده ات سید بزرگ تر. و درود فرست بر پدرش سید ارجمند و پیروزمند و پرچمدار روز محشر و ساقی دوستانش از نهر کوثر و فرمانروا بر سایر افراد بشر، آن که هر کس به او ایمان آورد، البته رستگار شده است و هر آن کس به او ایمان نیاورد، گمراه گردیده و کفر ورزیده. درود خداوند بر او و بر برادرش و بر فرزندان گرامی روسفید آن دو باد، تا هر وقت که خورشید طلوع کند و ماه بتابد و بر جدّه اش صدّیقه کبری و فاطمه زهرا دختر محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و بر برگزیدگان از پدران نیکویش و بر خود او بهتر و کامل تر و تمام تر و دایمی تر و بیشتر و وافرتر از آنچه که بر کسی از برگزیدگان و نیکان از خلقت درود فرستاده ای بر ایشان درود فرست و بر

او درود فرست درود فرستادنی که شماره اش را آخری نباشد و امدادش پایان نیابد و زمانش هیچ گاه سپری نگردد.

خداوندا! و به وجود آن حضرت حق را بیابدار و باطل را از میان بردار و دوستانت را به (ظهور) او به دولت رسان و دشمنانت را به (دست) او خوار گردان. و ای خدا! بین ما و او پیوندی برقرار کن که به همنشینی پدرانش (در بهشت) بیانجامد و ما را از کسانی قرار ده که به دامان آنان چنگ زنند و در سایه آنان زیست کنند و ما را یاری فرمای تا حقوق آن حضرت را ادا کنیم و در اطاعتش اهتمام ورزیم و از نافرمانی اش اجتناب نماییم، و بر ما منت گذار به رضایت و خشنودی آن بزرگوار از ما، و رأفت و مهر و دعا و خیر آن جناب را به ما موهبت فرمای، تا به وسیله آن، به رحمت پهناور تو دست یابیم و نزد تو رستگار شویم، و به (برکت) او، نماز ما را قبول فرمای و گناهانمان را به (عنایت) او بیامرزد و دعای ما را به (لطف) او مستجاب کن و روزی هایمان را به (فیض وجود) او فراخ گردان و هم و غم ما را به او چاره کن و حاجت هایمان را به او برآورده ساز و با وجه کریم خویش با ما توجه کن و تقرب (و روی آوردنمان) را به سوی خود بپذیر، و با رحمت خویش بر ما نظری کن تا با آن (نظر و عنایت) به کمال گرامیداشتت راه بریم، آن گاه دیگر هرگز آن را به وجود خود از ما مگیر، و ما را از حوض جدش پیغمبر صلی الله علیه و آله (حوض کوثر) بنوشان، به جام او و به دست او سیراب شدنی کامل و خوش و گوارا و خوب که تشنگی هرگز پس از آن نباشد، ای مهربان ترین مهربانان.

### توضیح و دفع اشکال

بدان که عبارت «وَعَزَّجَتْ بِهِ...» موافق با نسخه ای است که عالم ربّانی حاج میرزا حسین نوری رحمه الله در کتاب «تحیة الزائر»، از

ص: ۱۰۷

کتاب «مزار قدیم» و «مزار شیخ محمد بن المشهدی» و «مصباح الزائر سید بن طاووس» نقل کرده است، و مدرک اصلی که همه از آن گرفته اند، کتاب محمد بن علی بن ابی قره است، ولی در «زاد المعاد» آمده: «وَعَرَجَتْ بِرُوحِهِ...» که ظاهراً در نسخه مصباحی که مجلسی از آن نقل کرده تصحیفی واقع شده باشد، سپس شهرت یافته و سبب شبهه برخی از کوته نظران و معاندان گشته، و حال آن که معراج جسمانی از ضروریات مذهب، بلکه دین است و روایات از ائمه اطهار علیهم السلام درباره آن به تواتر رسیده و قرآن از آن سخن گفته است.

## توجه

هنگامی که در این عبارت تأمل نمودم الهام شدم که خود همین دعا شاهد و دلیل بر همان است که ما نقل کردیم و صحیح همین است که یادآور شدیم، و این که در عبارت «زاد المعاد» اشتباهی روی داده و شاید بعضی از اهل عناد این کار را کرده باشند، جهت دلالت و گواهی این که دو جمله «وَسَخَّرَتْ لَهُ الْبُرَاقَ» و «وَعَرَجَتْ بِهِ إِلَى سَمَائِكَ...» در کنار هم آورده شده اند، و بادقت تمام برای اهل بصیرت ظاهری شود که آنچه ما گفتیم صحیح است، چون بالا رفتن روح نیازی به «براق» ندارد و این مطلب بر کسی که دلش از شرک و نفاق پاک باشد، پوشیده نیست.

و اگر گفته شود: در اینجا بنا بر شمارش فضایل حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله است، و مقتضای عطف به او آن نیست که عروج به آسمان به وسیله براق باشد.

می گویم: بر فرض که عبارت دعا «بِرُوحِهِ» باشد، بر نفی معراج جسمانی

دلالت ندارد، چون این خود فضیلتی است که اثبات آن منافات ندارد که فضیلت دیگری نیز برای پیغمبر صلی الله علیه و آله ثابت باشد. و می توان گفت که این عبارت منافات ندارد با آنچه دلالت دارد بر این که معراج پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله با بدن شریفش بوده، از آن جهت که به کار بردن واژه «روح» در مورد بدن در هر دو لغت عربی و فارسی واقع است. در لغت عرب، چنان که در زیارت آمده: «وَعَلَى الْأَزْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ = و سلام بر جان هایی که در پیشگاه تو منزل کرده اند» که ظاهر است این که بدن های شهیدان در پیشگاه حضرت سید الشهداء علیه السلام منزل گرفتند و سکونت کردند. و اما در لغت فارسی، چنان است که افصح و املح شعرا سعدی شیراز گوید:

جانا هزاران آفرین بر جانت از سر تا قدم

صانع خدایی کاین وجود آورد بیرون از عدم

و از جمله دعاهایی که برای زمان غیبت صلاحیت دارد، آن است که سید بن طاووس رحمه الله در «مهج الدعوات» یاد کرده است. وی گفته: در خواب کسی را دیدم که دعایی به من می آموزد که برای زمان غیبت صلاحیت دارد، و الفاظ دعا این است که: «يا مَنْ فَضَّلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ إِسْرَائِيلَ عَلَى الْعَالَمِينَ بِاخْتِيَارِهِ وَأَظْهَرَ فِي مَلَكُوتِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ عِزَّهُ أَفْتِدَارَهُ وَأَوْدَعَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَهْلَ بَيْتِهِ غَرَائِبَ أَسْرَارِهِ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَعْوَانِ حُجَّتِكَ عَلَى عِبَادِكَ وَأَنْصَارِهِ»؛ ای کسی که ابراهیم و خاندان یعقوب را به اختیار خود برتری داده و در ملکوت آسمان ها و زمین عزت و اقتدار خویش را آشکار نمود و به محمد و اهل

بیت او - که درود خدا بر همه آنان باد - اسرار شگفت انگیزش را سپرده است، بر محمد و آل او درود فرست و مرا از یاران و انصار حجت بر بندگانت قرار ده.

## ۶- دعای دیگر

سید بن طاووس رحمه الله گوید: دوست ما ملک مسعود - خداوند متعال او را به آرزوهایش برساند - برایم گفت: در خواب دیده است که شخصی از پشت دیواری با او سخن می گوید، ولی صورتش را نمی بیند و گفت: «یا صاحب القدر والأقدار وَالهِمَمَ وَالْمَهَامَ عَجَّلْ فَرَجَ عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ وَالْحُجَّهَ الْقَائِمَ فِي خَلْقِكَ وَاجْعَلْ لَنَا فِي ذَلِكَ الْخَيْرَ»؛ ای صاحب فرمان و اندازه ها! و ای آن که تمام قصدها به سوی او است و همه مهمات نزد او! فرج بنده و ولی ات و حجت بپاخاسته در آفریدگانت را زودتر برسان و در آن برای ما خیر را قرار ده.

و از دعاهای روایت شده؛ دعایی است که سید بن طاووس رحمه الله در کتاب یاد شده ضمن حدیثی که غیبت حضرت مهدی علیه السلام ذکر گردیده، چنین آورده: به امام علیه السلام عرضه داشتم: شیعیان تو چه کار کنند؟ فرمود: «بر شما باد دعا کردن و انتظار فرج کشیدن...» تا آنجا که راوی گوید: عرضه داشتم: چه دعایی بکنیم؟ فرمود: می گویی: «اللَّهُمَّ أَنْتَ عَرَفْتَنِي نَفْسَكَ وَعَرَفْتَنِي رَسُولَكَ وَعَرَفْتَنِي مَلَائِكَتَكَ وَعَرَفْتَنِي نَبِيَّكَ وَعَرَفْتَنِي وُلاَةَ أَمْرِكَ. اللَّهُمَّ لَا آخِذُ إِلَّا مَا أُعْطِيَتْ وَلَا أَوْقَى إِلَّا مَا وَقِيَتْ. اللَّهُمَّ لَا تُعَيِّنِي عَنْ مَنَازِلِ أَوْلِيَائِكَ وَلَا تُرْغِ قَلْبِي بَعِيدٍ إِذْ هَدَيْتَنِي. اللَّهُمَّ اهْدِنِي لَوْلَايِهِ مَنِ افْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ»؛ خدایا! تو خودت را به من شناسانیدی

و فرستاده ات را به من معرفی فرمودی و فرشتگانت را به من شناسانیدی

و پیغمبرت را به من شناسانیدی و والیان امرت را به من شناسانیدی.

خدایا! من نمی پذیرم جز آنچه تو فرمایی و نپرهیزم جز از آنچه تو پرهیز داده ای.

خدایا! از منازل دوستانت مرا دور مدار و دلم را پس از آن که هدایت کرده ای منحرف مگردان. خداوندا! به ولایت کسی که اطاعتش را بر من واجب ساخته ای، هدایت فرمای.

و از جمله دعاهایی که شایسته است بر آن ها مواظبت شود، آن است که محقق محدث نوری رحمه الله در کتاب «تحیة الزائر» به نقل از «مصباح الزائر» سید اجل علی بن طاووس رحمه الله آورده، دعا این است: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّ الْحَسَنِ وَوَصِيِّهِ وَوَارِثِهِ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ وَالْغَائِبِ فِي خَلْقِكَ وَالْمُنْتَظَرِ لِإِذْنِكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَقَرِّبْ بُعْدَهُ وَأَنْجِزْ وَعْدَهُ وَأَوْفِ عَهْدَهُ وَاكْشِفْ عَنْ بَأْسِهِ حِجَابَ الْغَيْبِ وَأَظْهِرْ بَطْهُورِهِ صِيحَاتِ الْمَخْنَةِ وَقَدِّمِ أَمَامَهُ الرُّعْبَ وَتَبِّثْ بِهِ الْقَلْبَ وَأَقِمْ بِهِ الْحَرْبَ وَأَيِّدْهُ بِجُنْدٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ وَسَيِّطُهُ عَلَى أَعْيَادِ دِينِكَ أَجْمَعِينَ، وَالْهَيْمَةَ أَنْ لَا يَدَعَ مِنْهُمْ رُكْنًا إِلَّا هَدَّهُ وَلَا هَامًا إِلَّا قَدَّهُ وَلَا كَيْدًا إِلَّا رَدَّهُ وَلَا فَاسِقًا إِلَّا حَدَّهُ وَلَا فِرْعَوْنَ إِلَّا أَهْلَكَهُ وَلَا سِتْرًا إِلَّا هَتَكَهُ وَلَا عَلَمًا إِلَّا نَكَسَهُ وَلَا سَيْطَانًا إِلَّا كَبَسَهُ وَلَا رُمْحًا إِلَّا قَصَبَهُ وَلَا مِطْرَدًا إِلَّا خَرَقَهُ وَلَا مِثْبَرًا إِلَّا أَخْرَقَهُ وَلَا جُنْدًا إِلَّا فَرَقَهُ وَلَا سَيْفًا إِلَّا كَسَرَهُ وَلَا صَنْمًا إِلَّا رَضَّهُ وَلَا دَمًا إِلَّا أَرَاقَهُ وَلَا- جَوْرًا إِلَّا أَبَادَهُ وَلَا حِضِينَئًا إِلَّا هَيْدَمَهُ وَلَا بَابًا إِلَّا رَدَمَهُ وَلَا قَصِيرًا إِلَّا أَخْرَبَهُ وَلَا مَسِيكًا إِلَّا فَتَشَهُ وَلَا سَيْهَلًا إِلَّا أَوْطَأَهُ وَلَا جَبَلًا إِلَّا صَعَدَهُ وَلَا كَنْزًا إِلَّا أَخْرَجَهُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ

الرَّاحِمِينَ»؛ خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست، و درود فرست بر ولی و وصی و وارث حضرت حسن (عسکری)، آن که بپاخاسته به امر تو و غایب در آفریدگان تو و منتظر فرمان تو است.

خدایا! بر او درود فرست و دوری اش را به وصال و دیدار مبدل گردان و وعده ای که به او داده ای، به مرحله تحقق و عمل برسان و به عهدش جامه عمل بپوشان، و دلآوری اش را با برطرف ساختن پرده غیبت آشکار گردان و با ظهور حضرتش طومار رنج ها و سختی ها را بر ستمگران بگشای و پیشاپیش آن جناب رُعب و وحشت را (در دل دشمنانش) قرار ده و دل ما را به (ولایت و معرفت) او ثابت و پایدار ساز و جنگ (نهایی) را به (ظهور) او برپا کن و با سپاهی از فرشتگان نشاندار تأییدش فرمای و بر تمام دشمنان دینت، او را مسلط بگردان، و به او الهام کن تا هیچ پایه ای از آنان (دشمنان) بر جای نگذارد، مگر این که آن را ویران سازد و هیچ رئیسی مگر این که از پای درآورد، و هیچ نیرنگی جز این که آن را باز گرداند، و هیچ فاسقی مگر این که بر او حد جاری کند، و هیچ فرعون گونه ای، مگر این که نابود سازد، و هیچ پرده (عزتی برای ظالمان)، مگر این که آن را بدرد و هیچ پرچمی، مگر این که آن را سرنگون سازد و هیچ حکومت و ریاستی، مگر این که آن را خوار نماید و هیچ شیطانی، مگر این که آن را محدود و در فشار بگذارد و هیچ سرنیزه ای، مگر این که آن را بسوزاند و هیچ سپاهی، مگر این که آن را پراکنده سازد و هیچ شمشیری، مگر این که آن را بشکند و هیچ بُتی، مگر این که آن را لگدمال سازد و هیچ خونی، مگر این که آن را (از کافران و ظالمان) بریزد و هیچ ستمی را، مگر این که از میان بردارد و هیچ دژی،

مگر این که آن را منهدم سازد و هیچ دری، مگر این که آن را مسدود نماید و هیچ کاخی، مگر این که آن را خراب و ویران کند و هیچ منزل و مسکنی را، مگر این که تفتیش نماید و هیچ زمین همواری را، مگر این که تحت فرمان آورد و هیچ کوهی را، مگر این که از آن بالا-رود و هیچ گنجی، مگر این که آن را استخراج کند و بیرون سازد. به رحمت، ای مهربان ترین مهربانان.

و از دعاهای مهمی که برای روا شدن حاجت روایت شده که مشتمل بر دعا برای تعجیل فرج آخرین امامان می باشد و توسل به آن حضرت، برای دفع هر نوع گرفتاری است. در کتاب «جَنَّةُ الْمَأْوَى» به نقل از کتاب «کنوز النجاج» شیخ طبرسی فضل بن الحسن صاحب تفسیر آمده که گوید: دعایی است که حضرت صاحب الزمان - علیه سلام الله الملك المنان - به ابوالحسن محمد بن احمد ابی اللیث رحمه الله تعلیم فرموده در شهر بغداد در مقابر قریش، و چنین بود که ابوالحسن به مقابر قریش فرار کرده و از ترس کشته شدن به آن جا پناهنده شده بود، پس به برکت این دعا از کشته شدن نجات یافت. ابوالحسن مزبور گوید: آن حضرت علیه السلام به من آموخت که بگویم: «اللَّهُمَّ عَظْمَ الْبَلَاءِ وَبَرِحَ الْخَفَاءِ وَأَنْتَ طَعِ الرَّجَاءِ وَأَنْتَ كَشَفَ الْغَطَاءِ وَضَاقَتِ الْأَرْضُ وَمُنِعَتِ السَّمَاءُ، وَإِلَيْكَ يَا رَبَّ الْمُشْتَكَى وَعَلَيْكَ الْمَعْوَلُ فِي الشَّدَةِ وَالرَّخَاءِ. اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَوْلَى الْأُمْرِ الَّذِينَ فَرَضَتْ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ فَعَرَفْتَنَا بِذَلِكَ مَنَرِلَتَهُمْ فَفَرَّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرْجًا عَاجِلًا كَلْمَحِ الْبَصِيرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ اِكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَايَ وَأَنْصِرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَايَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ الْعَوْتُ الْعَوْتُ أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي»؛ بار الها! فتنه و بلا بزرگ شد و مخفی بودن (امام علیه السلام یا راه چاره) سخت گردید و امید قطع گشت و پرده ها بالا رفت و زمین با [همه فراخی تنگ



شد و آسمان رحمتش را بازداشت و ای پروردگار! شُکوه به درگاه تو است و در سختی و آسانی تکیه و اعتماد بر تو.

خدایا! پس بر محمد و آل محمد علیهم السلام درود فرست اولی الأمری که فرمانبرداری از ایشان را بر ما واجب ساخته ای و بدین وسیله منزلتشان را به ما شناسانده ای، پس تو را به حق آنان سوگند که بر ما گشایشی ده سریع و به زودی همچون یک چشم برهم زدن یا نزدیک تر از آن، ای محمد! ای علی! مرا کفایت کنید که البتّه شما مرا کافی هستید و مرا یاری نمایید که به درستی شما یاور من می باشید. ای مولای من! ای صاحب زمان! به فریاد رس! به فریاد رس! به فریاد رس! مرا دریاب! مرا دریاب! مرا دریاب.

ص: ۱۱۴

## فهرست منشورات مسجد مقدّس جمکران

- ۱- قرآن کریم/چهار رنگ - گلاسه رحلی خط نیریزی / الهی قمشه ای
- ۲- قرآن کریم/نیم جیبی (کیفی) خط عثمان طه / الهی قمشه ای
- ۳- قرآن کریم/وزیری (بدون ترجمه) خط عثمان طه
- ۴- قرآن کریم/وزیری (ترجمه زیر، ترجمه مقابل) خط عثمان طه / الهی قمشه ای
- ۵- قرآن کریم/وزیری، جیبی، نیم جیبی - خط نیریزی / الهی قمشه ای
- ۶- کلیات مفاتیح الجنان/عربی انتشارات مسجد مقدّس جمکران
- ۷- کلیات مفاتیح الجنان/وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه ای
- ۸- منتخب مفاتیح الجنان/ (جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه ای
- ۹- منتخب مفاتیح الجنان/ جیبی، نیم جیبی) خط خاتمی / الهی قمشه ای
- ۱۰- نهج البلاغه/وزیری، جیبی) سید رضی رحمه الله/محمد دشتی
- ۱۱- صحیفه سجاده ویرایش حسین وزیری/الهی قمشه ای
- ۱۲- ادعیه و زیارات امام زمان علیه السلام واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران
- ۱۳- آئینه اسرار حسین کریمی قمی
- ۱۴- آثار گناه در زندگی و راه جبران علی اکبر صمدی
- ۱۵- آخرین پناه محمود ترحمی
- ۱۶- آخرین خورشید پیدا واحد تحقیقات
- ۱۷- آشنایی با چهارده معصوم (۲۱و)/شعر و رنگ آمیزی سید حمید رضا موسوی
- ۱۸- آقا شیخ مرتضی زاهد محمد حسن سیف الهی
- ۱۹- آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم) واحد پژوهش

۲۰- ارتباط با خدا واحد تحقیقات

۲۱- از زلال ولایت واحد تحقیقات

۲۲- اسلام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

ص: ۱۱۵

- ۲۳ - امامت، غیبت، ظهور واحد پژوهش
- ۲۴ - امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام علم الهدی / واحد تحقیقات
- ۲۵ - امامت و ولایت در امالی شیخ صدوق سید محمد حسین کمالی
- ۲۶ - امام رضا، امام مهدی و حضرت معصومه علیهم السلام (روسی) آلمات آبسالیکوف
- ۲۷ - امام رضاعلیه السلام در رزمگاه ادیان سهراب علوی
- ۲۸ - امام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی
- ۲۹ - انتظار بهار و باران واحد تحقیقات
- ۳۰ - انتظار و انسان معاصر عزیز الله حیدری
- ۳۱ - اهمیت اذان و اقامه محمد محمدی اشتهاردی
- ۳۲ - با اولین امام در آخرین پیام حسین ایرانی
- ۳۳ - بامداد بشریت محمد جواد مروّجی طبسی
- ۳۴ - بهتر از بهار/کودک شمس (فاطمه) وفائی
- ۳۵ - پرچمدار نینوا محمد محمدی اشتهاردی
- ۳۶ - پرچم هدایت محمد رضا اکبری
- ۳۷ - پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و تروریسم و خشونت طلبی علی اصغر رضوانی
- ۳۸ - پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و جهاد و برده داری علی اصغر رضوانی
- ۳۹ - پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و حقوق اقلیت ها و ارتداد علی اصغر رضوانی
- ۴۰ - پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و حقوق زن علی اصغر رضوانی
- ۴۱ - پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و صلح طلبی علی اصغر رضوانی
- ۴۲ - تاریخ امیر المؤمنین علیه السلام / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری

۴۳ - تاريخ پیامبر اسلام صلی اللہ علیہ وآلہ/دو جلد شیخ عباس صفایی حائری

۴۴ - تاریخچه مسجد مقدس جمکران/(فارسی، عربی، اردو، انگلیسی) واحد تحقیقات

۴۵ - تاريخ سيد الشهداء عليه السلام شيخ عباس صفایی حائری

۴۶ - تجلیگاہ صاحب الزمان علیہ السلام سید جعفر میرعظیمی

۴۷ - تشرف یافتگان (چهار دفتر) میرزا حسین طبرسی نوری

ص: ۱۱۶

- ۴۸ - جلوه های پنهانی امام عصر علیه السلام حسین علی پور
- ۴۹ - چهارده گفتار ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام حسین گنجی
- ۵۰ - چهل حدیث / امام مهدی علیه السلام در کلام امام علی علیه السلام سید صادق سیدنژاد
- ۵۱ - چهل حدیث برگزیده از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله احمد سعیدی
- ۵۲ - حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت محمد محمدی اشتهاردی
- ۵۳ - حکمت های جاوید محمد حسین فهیم نیا
- ۵۴ - ختم سوره های یس و واقعه واحد پژوهش
- ۵۵ - خزائن الاشعار (مجموعه اشعار) عباس حسینی جوهری
- ۵۶ - خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب) رضا استادی
- ۵۷ - خوشه های طلایی (مجموعه اشعار) محمد علی مجاهدی (پروانه)
- ۵۸ - دار السلام شیخ محمود عراقی میثمی
- ۵۹ - داستان هایی از امام زمان علیه السلام حسن ارشاد
- ۶۰ - داغ شقایق (مجموعه اشعار) علی مهدوی
- ۶۱ - در انتظار منجی (روسی) آلمات آبسالیکوف
- ۶۲ - در جستجوی نور صافی، سبحانی، کورانی
- ۶۳ - در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم) شیخ عباس قمی / کمره ای
- ۶۴ - دفاع از حریم امامت و ولایت (مختصر شب های پیشاور) کریم شنی
- ۶۵ - دلشده در حسرت دیدار دوست زهرا قزلقاشی
- ۶۶ - دین و آزادی محمد حسین فهیم نیا
- ۶۷ - رجعت یا حیات دوباره احمد علی طاهری ورسی

۶۸ - رسول ترک محمد حسن سیف الہی

۶۹ - روزنه هایبی از عالم غیب سید محسن خرازی

۷۰ - زیارت ناحیه مقدسه واحد تحقیقات

۷۱ - سحاب رحمت عباس اسماعیلی یزدی

۷۲ - سخنرانی مراجع در مسجد جمکران واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران

ص: ۱۱۷

- ۷۳ - سرود سرخ انار الهه بهشتی
- ۷۴ - سقا خود تشنه دیدار طهورا حیدری
- ۷۵ - سلفی گری (وها بیت) و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی
- ۷۶ - سیاحت غرب آقا نجفی قوچانی
- ۷۷ - سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی دکتر عبد اللهی
- ۷۸ - سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام (دو جلدی) محمد امینی گلستانی
- ۷۹ - سیمای مهدی موعود علیه السلام در آئینه شعر فارسی محمد علی مجاهدی (پروانه)
- ۸۰ - شرح زیارت جامعه کبیره (ترجمه الشموس الطالعه) محمد حسین نائجی
- ۸۱ - شمس وراء السحاب / عربی السید جمال محمد صالح
- ۸۲ - صبح فرا می رسد مؤسسه فرهنگی تربیتی توحید
- ۸۳ - ظهور حضرت مهدی علیه السلام سید اسد الله هاشمی شهیدی
- ۸۴ - عاشورا تجلی دوستی و دشمنی سید خلیل حسینی
- ۸۵ - عریضه نویسی سید صادق سید نژاد
- ۸۶ - عطر سبب حامد حجتی
- ۸۷ - عقد الدرر فی أخبار المنتظر علیه السلام / عربی المقدس الشافعی
- ۸۸ - علی علیه السلام مروارید ولایت واحد تحقیقات
- ۸۹ - علی علیه السلام و پایان تاریخ سید مجید فلسفیان
- ۹۰ - غدیر خم (روسی، آذری لاتین) علی اصغر رضوانی
- ۹۱ - غدیر شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی
- ۹۲ - فتنه وها بیت علی اصغر رضوانی



۹۳ - فدک ذوالفقار فاطمه عليها السلام سيد محمد واحدی

۹۴ - فرهنگ اخلاق عباس اسماعیلی یزدی

۹۵ - فرهنگ تربیت عباس اسماعیلی یزدی

۹۶ - فرهنگ درمان طبیعی بیماری ها (پخش) حسن صدری

۹۷ - فوز اکبر محمد باقر فقیه ایمانی

ص: ۱۱۸

- ۹۸ - فریادرس حسن محمودی
- ۹۹ - قصه های تربیتی محمد رضا اکبری
- ۱۰۰ - کرامات المهدی علیه السلام واحد تحقیقات
- ۱۰۱ - کرامت های حضرت مهدی علیه السلام واحد تحقیقات
- ۱۰۲ - کمال الدین و تمام النعمه (دو جلد) شیخ صدوق رحمه الله/منصور پهلوان
- ۱۰۳ - کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار) حسن بیاتانی
- ۱۰۴ - گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار) علی اصغر یونسیان (ملتجی)
- ۱۰۵ - گفتمان مهدویت آیت الله صافی گلپایگانی
- ۱۰۶ - گنجینه نور و برکت، ختم صلوات مرحوم حسینی اردکانی
- ۱۰۷ - مام فضیلت ها عباس اسماعیلی یزدی
- ۱۰۸ - مشکاه الانوار علامه مجلسی رحمه الله
- ۱۰۹ - مفرد مذکر غائب علی مؤذنی
- ۱۱۰ - مکیال المکارم (دو جلد) موسوی اصفهانی / حائری قزوینی
- ۱۱۱ - منازل الآخرة، زندگی پس از مرگ شیخ عباس قمی رحمه الله
- ۱۱۲ - منجی موعود از منظر نهج البلاغه حسین ایرانی
- ۱۱۳ - منشور نینوا مجید حیدری فر
- ۱۱۴ - موعودشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی
- ۱۱۵ - مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات عزیز الله حیدری
- ۱۱۶ - مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی العمیدی / محبوب القلوب
- ۱۱۷ - مهدی موعود علیه السلام، ترجمه جلد ۱۳ بحار - دو جلد علامه مجلسی رحمه الله/ارومیه ای

۱۱۸ - مهربان تر از مادر / نوجوان حسن محمودی

۱۱۹ - مهر بیکران محمد حسن شاه آبادی

۱۲۰ - میثاق منتظران (شرح زیارت آل یس) سید مهدی حائری قزوینی

۱۲۱ - ناپیدا ولی با ما / (فارسی، ترکی استانبولی، انگلیسی، بنگالا) واحد تحقیقات

۱۲۲ - نجم الثاقب میرزا حسین نوری رحمه الله

ص: ۱۱۹

۱۲۳ - نجم الثاقب (دو جلدی) میرزا حسین نوری رحمه الله

۱۲۴ - ندای ولایت بنیاد غدیر

۱۲۵ - نشانه های ظهور او محمد خادمی شیرازی

۱۲۶ - نشانه های یار و چکامه انتظار مهدی علیزاده

۱۲۷ - نگاهی به مسیحیت و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۱۲۸ - نماز شب واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران

۱۲۹ - نهج الکرامه گفته ها و نوشته های امام حسین علیه السلام محمّد رضا اکبری

۱۳۰ - و آن که دیرتر آمد الهه بهشتی

۱۳۱ - واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۱۳۲ - وظایف منتظران واحد تحقیقات

۱۳۳ - ویژگی های حضرت زینب علیها السلام سید نور الدین جزائری

۱۳۴ - هدیه احمدیه / (جیبی، نیم جیبی) میرزا احمد آشتیانی رحمه الله

۱۳۵ - همراه با مهدی منتظر مهدی فتلاوی / بیژن کرمی

۱۳۶ - یاد مهدی علیه السلام محمد خادمی شیرازی

۱۳۷ - یار غائب از نظر (مجموعه اشعار) محمد حجّتی

۱۳۸ - ینابیع الحکمه / عربی - پنج جلد عباس اسماعیلی یزدی

جهت تهیه و خرید کتاب های فوق، می توانید با نشانی:

قم - صندوق پستی ۶۱۷، انتشارات مسجد مقدّس جمکران مکاتبه و یا با شماره تلفن های ۷۲۵۳۷۰۰، ۷۲۵۳۳۴۰ - ۰۲۵۱ تماس حاصل نمایید.

کتاب های درخواستی بدون هزینه پستی برای شما ارسال می گردد.

سایر نمایندگی های فروش:

تهران: ۶۶۹۳۹۰۸۳، ۶۶۹۲۸۶۸۷ - ۰۲۱

یزد: ۶۲۴۶۴۸۹، ۲-۶۲۸۰۶۷۱ - ۰۳۵۱

فریدونکنار: ۱۴ - ۵۶۶۴۲۱۲ - ۰۱۲۲

ص: ۱۲۰

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹





مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

